



گزیده‌ای از کتاب:

دین اسلام

ماهیت، شرایع، عقاید و نظامهای آن

ملخص کتاب الإسلام

حقیقتہ ، شرائعہ، عقائدہ، نظمہ

اللغة الفارسية

بڑھوش برگزیدہ مسابقہ جهانی «معرفی دین اسلام»
کہ توسط اتحادیہ جهانی
معرفی اسلام؛ وابستہ بہ انجمن جهان اسلام برگزار شد

نویسنده:

دکتر محمد بن ابراهیم حمد

د. محمد بن ابراهیم الحمد

مترجم:

ابو خالد شعیب علی خواجه

گزیده‌ای از کتاب:

دین اسلام؛ ماهیت، شرایع،

عقاید و نظام‌های آن

(ملخص کتاب «الإسلام: حقیقتہ، شرائعہ، عقائدہ، نُظْمہ»)

پژوهش برگزیده مسابقه جهانی «معرفی دین اسلام» که توسط اتحادیه جهانی معرفی اسلام؛ وابسته به انجمن جهان اسلام برگزار شد

نویسنده:

دکتر محمد بن ابراهیم حمد

ترجمه:

ابو خالد شعیب علی خواجه

عنوان کتاب:	دین اسلام؛ ماهیت، شرایع، عقاید و نظام‌های آن
عنوان اصلی:	ملخص کتاب «الإسلام: حقیقتہ، شرائعہ، عقائدہ، نُظْمہ»
نویسنده:	دکتر محمد بن ابراهیم حمد
ترجمه:	ابو خالد شعيب علی خواجه
موضوع:	عقاید - مجموعه عقاید اسلامی
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	دی (جدی) ۱۳۹۵ هـ ش - ربیع الاول ۱۴۳۸ هـ ق
منبع:	سایت عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت عقیده نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- مقدمه نویسنده ۱
۱. حقیقت دین اسلام ۴
- ۱-۱. داستان بشریت ۴
- ۲-۱. ماهیت اسلام ۵
- ۳-۱. اسلام؛ دین فطرت ۵
- ۴-۱. بَرّ و نتایج آن ۵
- ۵-۱. اخلاق ۶
۲. الله ﷻ و قدرتش ۸
- ۱-۲. الله ﷻ ۸
- ۲-۲. قدرت الهی ۹
۳. منابع قانونگذاری در دین اسلام ۱۱
- ۱-۳. ماهیت و شواهد صداقت قرآن کریم ۱۱
- ۲-۳. سنت نبوی ۱۳
۴. ارکان اسلام ۱۵
- ۱-۴. شهادتان ۱۵
- ۲-۴. نماز ۱۷

- ۳-۴. زکات ۱۹
- ۴-۴. روزه ۲۲
- ۴-۵. حج ۲۳
- ۵. ارکان ایمان ۲۵**
- ۱-۵. ایمان به الله ﷻ ۲۵
- ۲-۵. ایمان به فرشتگان ﷺ ۲۷
- ۳-۵. ایمان به کتاب‌های آسمانی ۲۸
- ۴-۵. ایمان به پیامبران ﷺ ۳۰
- ۵-۵. ایمان به روز آخرت ۳۳
- ۶-۵. ایمان به قدر ۴۰
- ۶. محمد ﷺ خاتم پیامبران و رسولان ۴۲**
- ۱-۶. مقدمات نبوت ۴۲
- ۲-۶. نسب و زندگی پیامبر ﷺ ۴۳
- ۳-۶. ابتدای وحی ۴۵
- ۴-۶. اخلاق و اسراری از سیره پیامبر ﷺ ۴۶
- ۵-۶. بشارت موسی و عیسی ﷺ به بعثت محمد ﷺ ۴۷
- ۶-۶. سخنان افراد باانصاف غیرمسلمان درباره محمد ﷺ ۴۸
- ۷. مطالبی درباره علم غیب ۴۹**
- ۱-۷. مقدمه ۴۹
- ۲-۷. عالم جنّ و شیاطین ۵۰
- ۳-۷. شیطان و انسان ۵۳
- ۴-۷. مرگ، برزخ و قبر ۵۵

- ۵-۷. نشانه‌های قیامت ۵۶
۸. مطالبی درباره گناهان، توبه و دعا ۵۸
- ۸-۱. گناهان [ذنوب] ۵۸
- ۸-۲. توبه ۵۸
- ۸-۳. دعا ۵۹
۹. نظام سیاسی در اسلام ۶۰
- ۹-۱. مفهوم نظام سیاسی ۶۰
- ۹-۲. قضاوت در اسلام ۶۰
- ۹-۳. مشورت در اسلام ۶۱
۱۰. نظام اقتصادی در اسلام ۶۳
۱۱. نظام اجتماعی در اسلام ۶۷
- ۱۱-۱. مفهوم اجتماع و زندگی اجتماعی در اسلام ۶۷
- ۱۱-۲. جایگاه همسایه در اسلام ۶۷
- ۱۱-۳. صلۀ رحم ۶۸
- ۱۱-۴. کرامت انسان و معیار عدالت و کرامت در اسلام ۶۹
- ۱۱-۵. اصول اخلاقی و نقش آن در ساخت جامعه ۷۱
- ۱۱-۶. دوستی و مصاحبت در اسلام و رابطه مسلمانان با دیگران ۷۲
- ۱۱-۷. نظام خانوادگی در اسلام ۷۳
۱۲. موضع اسلام نسبت به برخی از مسائل معاصر ۷۵
- ۱۲-۱. موضع اسلام نسبت به عقل ۷۵
- ۱۲-۲. اسلام و علم ۷۷
- ۱۲-۳. اسلام و کار ۷۷

- ۱۲-۴. اسلام و سلامت عمومی ۷۸
- ۱۲-۵. اسلام و نظافت ۷۹
۱۳. صلح، همزیستی، مدارا، اجبار، خشونت، تروریسم و جهاد .. ۸۰
- ۱۳-۱. اسلام و حفظ صلح جهانی ۸۰
- ۱۳-۲. اسلام و همزیستی و مدارا ۸۰
- ۱۳-۳. دیدگاه اسلام دربارهٔ اجبار ۸۲
- ۱۳-۴. موضع اسلام نسبت به خشونت ۸۲
- ۱۳-۵. جهاد در اسلام ۸۳
- ۱۳-۶. دیدگاه اسلام دربارهٔ تروریسم ۸۴
۱۴. ادله‌ای در اثبات حَقانیت اسلام ۸۵
- ۱۴-۱. اعجاز در قرآن کریم ۸۵
- ۱۴-۲. اعجاز در سنت نبوی ۸۸
- ۱۴-۳. اسلام در کتاب‌های آسمانی پیشین ۸۹
- فهرست منابع ۹۱

ناظر علمی و فنی: مجموعه موحدین

contact@mowahedin.com

آدرس ایمیل:



Mowahedin Group

contact@mowahedin.com

مقدمه نویسنده

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على رسول الله نبينا محمد وعلى آله وصحبه
ومن والاه، أما بعد:

پژوهش حاضر، چکیده‌ای از تحقیق برگزیده مسابقه جهانی (معرفی اسلام)، با عنوان «دین اسلام؛ ماهیت، شرایع، عقاید و نظام‌های آن» است که توسط اتحادیه جهانی معرفی اسلام؛ وابسته به انجمن جهان اسلام برگزار گردید.

در تحقیق پیش رو، ساختار این پژوهش و تلاش نویسنده و چکیده‌ای از آنچه در کتاب اصلی آورده شده است، بیان می‌گردد.

ساختار تحقیق: این تحقیق^(۱) مشتمل بر یک مقدمه، هشت فصل و یک نتیجه‌گیری کلی، به ترتیب زیر است:

فصل اول: حقیقت دین اسلام و منابع قانونگذاری و ارکان آن؛

فصل دوم: ارکان ایمان؛

فصل سوم: محمد ﷺ؛ خاتم پیامبران و رسولان ﷺ؛

فصل چهارم: مسائلی درباره علم غیب؛

فصل پنجم: مطالبی در مورد گناهان، توبه و دعا؛

فصل ششم: نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی در اسلام؛

فصل هفتم: موضع اسلام درباره برخی از مسائل معاصر؛

فصل هشتم: ادله‌ای در اثبات حقانیت اسلام.

موارد فوق، فصل‌های تحقیق پیش رو بوده و هر یک از آن‌ها دارای چندین بخش و هر بخشی متشکل از چند مبحث است و بسا اوقات بر حسب نیاز و سیاق، در برخی از بخش‌ها و مباحث، مقدمه‌ای بیان شده است.

نتیجه‌گیری: چکیده‌ای از آنچه در متن اصلی آمده، در این بخش بیان شده است.

روش کار نویسنده: وی در تحقیق حاضر، اموری را رعایت کرده است؛ از جمله:

۱. بسیار تلاش نموده تا محورهای پژوهش، مستقل و در عین حال، مرتبط به یکدیگر باشند؛ به عبارتی دیگر، صلاحیت این را دارند که به تنهایی و جدای از هم بیان شوند و تکمیل‌کننده و تاییدکننده یکدیگر نیز هستند، زیرا اسلام دینی استوار بوده و مسائلی متصل به هم است.

۲. تلاش نموده تا لحن تحقیق آرام و متناسب با عقل و روحیه فرد مسلمان و غیرمسلمان؛ بویژه افراد غربی باشد و نیز سعی نویسنده بر آن بوده که لحن و زبانش دور از احساس شکست و تحریک باشد، زیرا این کار بیشتر باعث پذیرش تحقیق می‌شود.

نویسنده کار مذکور را با یقین به صحت مطالب و تلاش برای بیان حق و آوردن دلیل انجام داده است.

همچنین تلاش نموده تا سنت و مدرنیته را با هم جمع نماید، چون سنت باعث تقویت پژوهش و مدرنیته سبب شناخت احوال مخاطبان و بیان سخن بر اساس آن احوال می‌گردد.

۳. سعی بر آن بوده که تحقیق حاضر از طریق موارد زیر، در ساختاری نو و شکلی زیبا بیان گردد:

- ا. رعایت قوانین پژوهشی؛ همچون نقل سخنان و مطالب دیگران و تخریح احادیث و امثال آن؛
- ب. تلاش برای صحتّ زبان متن و رعایت قواعد املائی و علایم نگارشی؛
- ت. توجه به روش تحقیق و تلاش برای اینکه پژوهش پیش رو، بازاری عامیانه یا بدوی نامفهوم نباشد، بلکه کاری در بین این دو حالت صورت گیرد؛
- ث. رجوع به منابع اصلی و قابل اعتماد؛ فرقی نمی‌کند که قدیمی یا معاصر باشند؛
- ج. رعایت آنچه باعث علاقه و شوق مخاطبان شود؛ از طریق برخی عناصر و تنوع در استشهاده و نقل مطالب؛
- ح. تلاش برای اینکه تحقیق حاضر، جذاب و پر رونق و دور از درستی و خشکی و خشونت تحقیقات دانشگاهی باشد؛
- و موارد دیگری که بر فهم مقصود و رفع خستگی و امکان تقسیم پژوهش و استخراج مباحثی از آن کمک نماید.
- بسیاری از محورهای تحقیق، نزدیک به هم و در هم آمیخته‌اند و جداکردن آن‌ها از یکدیگر، کار مشکلی است و به همین علت، تلاش نمودم تا هر یک از آن‌ها، به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد و یکدیگر را تکمیل نمایند.
- این بود خلاصه‌ای از سختی‌های کار و ساختار پژوهش حاضر و آنچه -
 إن شاء الله- بیان خواهد شد.

۱. حقیقت دین اسلام

۱-۱. داستان بشریت

داستان بشر با آفرینش آدم عَلَيْهِ السَّلَام و فرمان الله متعال به فرشتگان برای سجده به سیدنا آدم و تکبر و انکار ابلیس و راندن وی و فرستادنش به زمین و سکونت دادن آدم و همسرش عَلَيْهَا السَّلَام و نیرنگ شیطان برای گمراه نمودن او با خوردن از آن درخت و سقوط وی به زمین و ایجاد دشمنی میان ابلیس و فرزندان آدم عَلَيْهِمُ السَّلَام از یک سو و میان سیدنا آدم و فرزندان او از سوی دیگر، شروع شد.

داستان بشر این گونه شروع شد و آدم عَلَيْهِ السَّلَام و فرزندان او ده قرن بر اطاعت از الله تعالی و توحید زندگی کردند، ولی پس از آن، شرک به وجود آمد و غیرالله به همراه الله متعال مورد پرستش قرار گرفت و در نتیجه، الله عَلَيْهِ السَّلَام نخستین رسولش؛ یعنی نوح عَلَيْهِ السَّلَام را فرستاد تا مردم را به عبادت الهی و ترک شرک فرا خواند. سپس پیامبران و رسولانی پی در پی آمدند تا اینکه الله تعالی سیدنا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برگزید تا خاتم پیامبران و رسولان عَلَيْهِمُ السَّلَام باشد و رسالت ایشان، آخرین رسالت و کتاب نازل شده بر سیدنا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ یعنی قرآن کریم نیز آخرین پیام الهی برای بشر باشد.

۲-۱. ماهیت اسلام

- أ. مفهوم لغوی اسلام: واژه «اسلام» از نظر لغوی، دارای مفاهیم زیادی است که می‌توان تمامی آن‌ها را در معانی فرمانبرداری، تسلیم‌شدن، اطاعت، اخلاص، اظهار فروتنی و قبول، خلاصه کرد.^(۱)
- ب. اسلام عام: تسلیم‌شدن بنده و تواضع وی در برابر الله متعال و پایبندی به آنچه پیامبری از پیامبران الهی آورده و ابراز و بیان آن.
- ت. اسلام خاص: یعنی تسلیم‌شدن و فرمانبرداری از الله متعال و پایبندی به آنچه پیامبران؛ محمد ﷺ آورده است.^(۲)

۳-۱. اسلام؛ دین فطرت

- أ. مفهوم لغوی فطرت: یعنی الله متعال مخلوقات را به گونه‌ای آفرید که فطرتا وی را می‌شناسند.
- ب. و در اصطلاح شرع، فطرت همان اسلام بوده و مفهوم خلقت مردم بر دین اسلام یعنی اینکه الله ﷻ آنان را برازنده و شایسته احکام این دین آفرید و آموزه‌هایش را متناسب با آفرینش و سرشتشان گرداند.
- ت. توصیف اسلام به فطرت الهی، یعنی اینکه اصل اعتقاد در آن، جاری بر مقتضای فطرت عقلی است و منافاتی با آن ندارد.

۴-۱. بَرّ و نتایج آن

- أ. بَرّ و نیکی از الفاظ مهمّ شرعی است که در بسیاری از آیات قرآن و احادیث نبوی بیان شده است.

۱- نک: لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۲، صص ۲۹۳-۲۹۴.

۲- التّدمیریّة، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، ص ۱۷۳.

- ب. این واژه دارای مفاهیمی جامع و نتایجی عمیق بوده و شامل هر نوع خیر و فلاحی می‌شود.
- ت. یکی از بهترین تعاریف گفته‌شده در مورد بَرّ، سخن شیخ عبدالرحمان سعدی رحمته بوده که می‌گوید: «بَرّ اصطلاحی جامع و شامل عقاید ایمانی، اعمال دل، افعال جوارح و اعضا و تمامی دستورات و ترک محرّمات و ممنوعات است.»^(۱)
- ث. از دیگر معانی بَرّ، صله و احسان، طاعت، تقوا و اخلاق نیکوست.

۱-۵. اخلاق

- أ. اخلاق از دیدگاه اسلام، ارزش و جایگاه والایی دارد.
- ب. اخلاق جمع خُلُق و خُلُقُ بوده و خلق حالتی نفسانی است که انسان در آن حالت، کارهایش را بدون تفکّر و اختیار انجام می‌دهد.
- ت. خلق در برخی افراد، غریزی و ذاتی است، امّا در بعضی دیگر، فقط با ریاضت و تلاش حاصل می‌شود.^(۲)
- ث. حُسن خلق یعنی آراسته‌شدن با فضایل و مکارم؛ مانند خوشرویی، نرمی، سخن نیکو، داشتن دلی پاک و دوری از آنچه ضدّ فضایل و مکارم است.
- ج. بهترین اخلاق نیک این است که با هر کس از تو بریده و قهر کرده، ارتباط برقرار کنی و به کسی که تو را [از آموزش و منفعت و مال] محروم نموده، بخشش نمایی و کسی را که [خون یا مال و آبروی] تو را ضایع و تباه کرده، عفو کنی.

۱- المجموعة الكاملة لمؤلفات الشيخ السّدي؛ المجموعة الخامسة، ج ۱، ص ۵۲۹.

۲- تهذيب الأخلاق، جاحظ، ص ۱۲.

- ح. خُلق عظیمی که الله تعالی محمد ﷺ را با آن توصیف نموده، همان دین مشتمل بر تمامی دستورات الهی است.
- خ. اخلاق واقعی و حقیقی، اقدام به فرمانبرداری و انجام آنچه الله متعال دوست دارد، از روی میل و با دلی گشاده است،^(۱) که شامل دینداری، بردباری، عدالت، صبر بر سختی‌ها، تواضع، زهد، بخشندگی، حیا، شجاعت و امثال آن می‌شود.
- د. شریعت اسلام دلایلی بیان نمود که نشان می‌دهد اخلاق نیک، فضایلی بزرگ دارد و باعث ایجاد خیر و سعادت دنیا و آخرت می‌گردد؛ حُسن خُلق فرمانبرداری از دستورات الهی و پیروی از رسول الله ﷺ است، باعث بالارفتن درجات و مقام‌ها، ورود به بهشت، نزدیکی به مجلس رسول الله ﷺ در آخرت، دسترسی و رسیدن به محبت الهی، آسایش خاطر، خوشی زندگی و آسان‌شدن کارها می‌شود.
- ذ. متون شرعی دلالت دارند که تغییر سرشت و اخلاق امری ممکن و قابل دسترس بوده و دشوار و محال نیست، در صورتی که انسان برای رسیدن به همت و اخلاقی والا، اسباب موجود را به کار گیرد.
- ر. در متون فراوانی، اسباب رسیدن به اخلاقی نمونه و برتر بیان شده است، اگر آدمی از آن‌ها استفاده نماید و بر این کار مشتاق باشد.

۲. الله ﷻ و قدرتش

۲-۱. الله ﷻ

أ. الله: پروردگار و صاحب هر چیزی، آفریدگار یکتا، تدبیرکننده تمام هستی، دانا به تمامی موجودات، زنده‌کننده، میراننده، روزی‌دهنده، توانا، متّصف به همه کمالات، پاک و منزّه از هر نوع نقص و عیب و تنها ذات شایسته پرستش است.

ب. الله ﷻ اسامی فراوانی را برای خویش نام برده و قرآن مجید و سنّت مطهّر پُر از اسم‌های مبارک الهی است.

مشهورترین و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نام الهی، «الله» است.

ت. این اسم ویژگی‌های فراوانی دارد؛ از جمله:

- «الله» اسم اعظم الهی است: گروهی از عالمان بر این باور بوده و بیان نموده‌اند که «الله» نام اعظم الهی است و اگر پروردگار با این اسم، خوانده شود، اجابت می‌کند و اگر چیزی از وی درخواست شود، می‌دهد.

- نام مذکور، اصل همه اسمای حسناى الهی به شمار می‌رود و سایر نام‌ها به آن منسوب شده و صفتش قرار می‌گیرند.

- «الله» مستلزم و متضمّن تمامی مفاهیم اسمای الهی است. در همه اذکار منقول، این نام وجود دارد و بیشتر از سایر اسمای الهی در قرآن آمده است.

۲-۲. قدرت الهی

- ا. قدرت صفتی ثابت از صفات پروردگار است؛ قدرتی تام و کامل.
- ب. از دیگر اسامی الهی، قدیر، قادر و مقتدر را می‌توان نام برد. نام‌های مذکور در قرآن کریم بیان گشته و بیشتر از همه، «قدیر، سپس «قادر» و پس از آن، «مقتدر» تکرار شده است.
- ت. تمامی آن‌ها دلالت بر ثبوت صفت قدرت برای الله ﷻ می‌کنند و نشان می‌دهند که قدرت الهی کامل است. الله متعال با قدرت خویش، موجودات را به وجود آورد و با قدرت خود، آن‌ها را تدبیر می‌کند و با قدرت خویش، آن‌ها را برابر و پابرجا می‌نماید و با قدرت خود، می‌میراند و زنده می‌کند و بندگان را برای جزا برمی‌انگیزاند و فرد نیکوکار را به سبب نیکی‌اش، پاداش داده و بدکار را به عتت بدی‌اش، مجازات می‌نماید. ذاتی که هر گاه ارادهٔ انجام کاری نماید، می‌گوید: باش و بلافاصله آن کار صورت می‌گیرد.
- همچنین الله متعال با قدرت خویش، دل‌ها را بر آنچه اراده کند، برمی‌گرداند و کسی را که بخواهد، هدایت نموده و کسی را که بخواهد، گمراه می‌کند و انسان مؤمن را مؤمن، فرد کافر را کافر، نیکوکار را نیکوکار و بدکار را بدکار می‌گرداند.
- ث. به سبب کمال قدرتش، هیچ کس چیزی از علمش را نمی‌داند مگر آنچه بخواهد که به کسی خبر دهد. بر اساس کمال قدرتش، آسمان‌ها و زمین و آنچه در میانشان است را در ۶ روز به وجود آورد و هرگز مانده و رنجور نگشت. هیچ یک از مخلوقاتش نمی‌تواند وی را ناتوان کند و از اختیارش خارج گردد، بلکه در هر جا که باشند، در تصرف الله ﷻ هستند؛ ذاتی که قدرتش منزّه از خستگی و درماندگی و ناتوانی است و هر چه بخواهد را می‌تواند انجام دهد.

به علت کمال قدرتش، هر چیزی تحت فرمان و تدبیر اوست و هر چه بخواهد، می‌شود و آنچه نخواهد، صورت نمی‌گیرد.^(۱)

ج. یکی از اصول مهم و بزرگ ایمان، ایمان به قدر است. کسی که به قدر ایمان نداشته باشد، به الله ﷻ نیز ایمان ندارد. بنابراین انکار قدر به معنای انکار قدرت الله متعال است.

۳. منابع قانونگذاری در دین اسلام

قرآن و سنت، منبع قانونگذاری در دین اسلام به شمار می‌روند که عقاید، قوانین، احکام، آداب و امثال آن از این دو مصدر گرفته می‌شود.

۱-۳. ماهیت و شواهد صداقت قرآن کریم

أ. تعریف لغوی قرآن: واژه «قرآن» مصدر بر وزن فعلان مانند عُفْران و سُکران است.

برخی می‌گویند: «قرآن» به معنای جمع‌آوری بوده و علت نامگذاری قرآن این است که سوره‌ها را جمع نموده و با هم گرد می‌آورد.^(۱)

ب. و در اصطلاح شریعت، قرآن کلام معجز الهی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده و به صورت تواتر نقل گشته و به قصد عبادت، تلاوت می‌شود.^(۲)

ت. قرآن کریم آخرین، طولانی‌ترین و کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب آسمانی است.

ث. قرآن کریم، نگهبان و گواه و حاکم بر کتاب‌های آسمانی پیشین و تصدیق‌کننده آن‌هاست؛ یعنی مطالب صحیحشان را تایید نموده و

۱- لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، صص ۱۲۸ - ۱۲۹؛ البيان في علوم القرآن، محمد بن

علی حسن و سلیمان قرعاوی، ص ۳.

۲- البيان في علوم القرآن، ص ۳.

تحریفات و تغییرات صورت‌گرفته در آن‌ها را ردّ و انکار و اصلاح می‌کند.

ج. اخبار اولین و آخرین در این کتاب وجود دارد و شامل احکام و حکمت‌هاست.

ح. قرآن مجید آخرین پیام الهی برای بشریت و بلکه برای جنّ و انس بوده و مخصوص اقوام یا زمان‌هایی خاص نیست.

خ. قرآن محفوظ از زیادت و نقصان و تحریف بوده و الله متعال ضامن حفاظتش شده است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹]

«همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم.»

یعنی این کتاب، از هر آنچه شایسته آن نباشد؛ مانند اشتباه و تغییر، تحریف، زیادت، نقصان و امثال آن حفاظت می‌کنیم و هیچ کس نمی‌تواند باطلی را بر آن بیفزاید یا حقیقتی را از قرآن حذف کند.^(۱)

د. قرآن مجید تاثیرات فراوانی در دل‌ها دارد. کسی که با تمام وجود به قرآن گوش دهد، قطعاً تاثیرات بزرگی را در جان‌ش خواهد یافت هر چند معانی و دلالت‌هایش را نفهمد.

ذ. قرآن کریم بیشترین تاثیر را در پیشرفت و رستگاری امت‌ها داشته و دارد. الله تعالی بوسیله این کتاب، قوم عرب را بزرگان حکمت و هدایت و بهترین امت برای راهنمایی مردم ساخت.

۱- نک: زاد المسیر فی علم التفسیر، ابن جوزی، ج ۴، ص ۳۸۴؛ فتح القدیر، شوکانی، ج

ر. از دیگر ویژگی‌های قرآن، این است که شگفتی‌هایش پایانی ندارد، الله عز وجله فراگیری و حفظ آن را آسان نموده و مشتمل بر عادل‌ترین، بزرگ‌ترین و بهترین احکام است.

۳-۲. سنت نبوی

أ. مفهوم لغوی سنت: سنت در لغت به معنای روش و سیرت است.
 ب. مفهوم اصطلاحی سنت: هر سخن، عمل، تایید، ویژگی خلقی و فطری، صفت اخلاقی یا سیرت و روشی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده و به اثبات رسیده است؛ فرقی نمی‌کند که پیش از بعثت یا پس از آن باشد.^(۱)

ت. سنت نبوی دومین منبع قانونگذاری در اسلام به شمار می‌رود و بخشی از وحی و ذکر بوده که الله تعالی ضامن حفاظت آن شده است.

فرد مسلمان فقط با رجوع به این دو منبع [قرآن و سنت]، می‌تواند شریعت را بفهمد و هر مجتهد و عالمی به آن دو نیاز دارد.

ث. دلایل فراوانی مبنی بر حجت بودن سنت و اینکه دومین منبع قانونگذاری اسلام به شمار می‌رود، وجود دارد؛ از جمله: وجوب ایمان به رسول الله صلی الله علیه و آله، وجوب اطاعت از ایشان، دلالت سنت بر این مطلب و اجماع مسلمانان بر وجوب عمل به سنت.

ج. الله عز وجله مسلمانان را مسؤول توجه به آن نموده و مردانی را فرستاده که کاملاً به این مسأله اهمیت داده و سنت را از دروغ و اشتباه دور

۱- نک: السنّة ومکانتها فی التّشريع الإسلامی، مصطفی سباعی، ص ۵۹؛ المختصر من علوم الحدیث، ص ۱۶.

ساخته و صحیح و ضعیفش را روشن نموده‌اند. این کار نسل به نسل انتقال یافته و مسلمانان در تمامی امور دینشان، به سنت رجوع نموده و به آنچه در آن است، عمل کرده و چنگ زده و بر این کار مداومت نمودند تا پیروی از پیامبر ﷺ را به صورتی شایسته انجام دهند.^(۱)

این موضوع با توجه به آنچه درباره گرامیداشت سنت، فضیلت حدیث و محدثان، عنایت سلف صالح به حدیث نبوی و تلاش عالمان برای حفاظت از احادیث، گفته شده است، بیشتر روشن می‌گردد.

سنت نبوی به طور کل، موافق با قرآن کریم است؛ مطالب مبهم آن را تفسیر، مجملش را تفصیل، مطلق آن را مقید، عامش را خاص و احکام و مقاصدش را تشریح می‌نماید. علاوه بر این، بر اساس اصول و قواعد قرآن و با تحقق اهداف و مقاصد آن، احکامی را بیان نموده که در قرآن کریم نیامده است. در نتیجه، سنت نبوی کاربرد عملی آنچه در قرآن کریم بیان شده است، به شمار می‌رود.

۴. ارکان اسلام

ارکان اسلام یعنی پایه‌هایی که اسلام بر آن‌ها قرار دارد و پنج رکن هستند:

گواهی اینکه تنها معبود بر حق و شایسته اطاعت، الله تعالی است؛ ۲. برپاداشتن نماز؛ ۳. پرداخت زکات؛ ۴. روزه ماه رمضان؛ ۵. حج بیت الله برای کسی که توان [مالی و بدنی و ...] داشته باشد.

ارکان اسلام به طور مختصر همین است که بیان شد؛ ارکانی که اُمّت را اُمّتی اسلامی و متقی و پیرو دین حق می‌گرداند و باعث می‌شود که با مخلوقات، بر اساس عدالت و صداقت رفتار کنند، زیرا سایر احکام و شرایع اسلام با صحّت این پایه‌ها، اصلاح می‌شوند و اُمّت با تصحیح امور دینی‌اش به رستگاری و صلاح می‌رسد و هر اندازه که این امور فاسد و تباه شود، به همان اندازه احوال اُمّت نابود و فاسد می‌گردد.^(۱)

در ادامه، مطالب مختصری درباره ارکان فوق بیان خواهد شد.

۴-۱. شهادتان

أ. مراد از دو شهادت؛ یعنی گواهی به اینکه الله متعال تنها معبود بر حق و محمد ﷺ بنده و فرستاده الله تعالی هستند. این دو گواهی، نخستین رکن از ارکان اسلام به شمار می‌روند.

۱- نک: رسائل في العقيدة، شيخ محمد بن عثيمين، ص ۱۰.

ب. مفهوم «لا إله إلا الله»: یعنی اینکه فقط الله ﷻ معبود بر حق است. بنابراین «إله» بر وزن فعال به معنای مفعول؛ یعنی مألوه و همان معبود است.

ت. این کلمه دو رکن دارد: نفی در عبارت: «لا إله» و اثبات در: «إلا الله». «لا إله» الوهیت و خدایی را از غیرالله نفی و رد می‌نماید.

و عبارت «إلا الله» الوهیت را برای معبود یگانه و بی‌همتا اثبات می‌کند.

ث. «لا إله إلا الله»، ۷ شرط دارد: ۱. علمی که مخالف با جهل باشد؛ ۲. یقین مخالف با تردید؛ ۳. اخلاص متضاد با شرک؛ ۴. صدقی که منافات با کذب داشته باشد؛ ۵. محبت مخالف با ضدّ خود؛ ۶. تسلیم و اطاعتی که متضاد با خودداری و سرپیچی باشد؛ ۷. پذیرشی که مخالف با ردّ و انکار باشد.^(۱)

ج. فقط تلفظ این کلمه بزرگ کافی نیست، بلکه باید نسبت به آن آگاه بود و به مقتضایش عمل کرد.

ح. «محمد ﷺ رسول الله»؛ یعنی اطاعت از پیامبر ﷺ در آنچه فرمان داده و تصدیق ایشان در آنچه خبر داده و دوری از آنچه نهی و منع نموده‌اند. همچنین یعنی اینکه عبادت الله متعال فقط با آنچه پیامبر ﷺ مشروع ساخته‌اند، انجام گردد و امر و نهی ایشان گرامی داشته شود و سخن هیچ فردی از مخلوقات، مقدّم بر سخن رسول الله ﷺ نشود.^(۲)

خ. حکمت و فلسفه اتصال شهادت «محمد ﷺ رسول الله» به شهادت «لا إله إلا الله» و هر دو را یک رکن قراردادن با وجود اینکه

۱- نک: مختصر الأسئلة والأجوبة الأصولية على العقيدة الواسطية، عبدالعزيز سلمان، ص ۹.

۲- الأسئلة والأجوبة الأصولية على العقيدة الواسطية، ص ۱۰.

مشهودبه [مورد شهادت] متعدّد است، این بوده که دو گواهی مذکور، پایه و اصل صحّت اعمال به شمار می‌روند و اسلام و هر عملی، تنها با اخلاص برای الله متعال و پیروی از پیامبر ﷺ مورد قبول واقع می‌شود.

به عبارتی دیگر، لازم است که فقط الله یگانه پرستش شود؛ آن هم با آنچه بر زبان رسولش؛ محمد ﷺ مشروع ساخته است.

به سبب اخلاص، گواهی «لا إله إلا الله» و بر اثر پیروی از پیامبر ﷺ، شهادت «محمد ﷺ رسول الله» محقق می‌گردد و از این رو، هر دو با هم کامل می‌شوند و باید که همواره با هم باشند.

بر این اساس، گواهی به یگانگی الله و گواهی به رسالت پیامبر ﷺ ثابت می‌گردد.^(۱)

۴-۲. نماز

أ. مفهوم لغوی نماز «صلاة»: واژه «صلاة» به معنای دعا، دعای به خیر، رحمت، تسبیح، رکوع و سجود است.

ب. مفهوم «صلاة: نماز» در اصطلاح شریعت: عبادتی که مشتمل بر سخنان و اعمالی مخصوص بوده و با تکبیر شروع شده و بوسیله تسلیم به پایان می‌رسد.^(۲)

ت. وجه تسمیه: چون دربرگیر معانی لغوی «صلاة»؛ همچون دعای خیر،

۱- نک: الشّبهات اللّطیفة علی ما احتوت علیه العقیدة الواسطیة من المباحث المنفیة، عبدالرحمان سعدی، ص ۱۱۳؛ رسائل فی العقیدة، محمد بن عثیمین، ص ۹.

۲- نک: فقه السنّة، سیّد سابق، ج ۱، ص ۸۱؛ توضیح الأحکام من بلوغ المرام، عبدالله بسام، ج ۱، ص ۴۶۹.

تسبیح، تعظیم، رکوع، سجود و امثال آن است.^(۱)

ث. اقامه نماز: یعنی عبادت برای الله متعال با انجام نماز مداوم و کامل در اوقات مخصوص و با رعایت شرایط و حالت و ساختار آن. نماز، فرایض، ارکان، شروط، مکمل‌ها، نواقص و احکامی دارد که بیان آن‌ها به درازا می‌کشد و در بسیاری از کتاب‌های عالمان به طور گسترده بیان شده است.^(۲)

ج. ثبوت نماز: نماز از طریق قرآن، سنت و اجماع ثابت شده و یکی از ضروریات و ارکان دین اسلام است.^(۳)

نمازهای پنجگانه ارزشی والا و اهمیت بزرگی داشته و از چندین وجه، بر سایر احکام واجب برتری دارند؛ نماز بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رکن اسلام پس از شهادتین بوده و این رکن در آسمان فرض شد.

ح. نماز مشتمل بر کامل‌ترین و بهترین و جامع‌ترین انواع عبادت است؛ نماز تکبیر، تحمید، ثنا، تنزیه و تقدیس الهی، تلاوت قرآن، درود بر رسول الله ﷺ و خاندان ایشان و دعا برای تمامی بندگان صالح است. علاوه بر این، مشتمل بر قیام، رکوع، سجود، نشستن و پایین و بالا رفتن است و هر یک از اعضا و مفاصل بدن، در این عبادت شریکند که مهم‌تر از همه، دل حاضر فرد نمازگزار است.^(۴)

۱- نک: توضیح الأحکام، ج ۱، ص ۴۶۹.

۲- رسائل فی العقیده، ص ۹؛ تیسیر العزیز العلام شرح عمدة الأحکام، عبدالله بسام، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳- نک: تیسیر العزیز العلام شرح عمدة الأحکام، عبدالله بسام، ج ۱، ص ۱۰۰؛ توضیح الأحکام من بلوغ المرام، عبدالله بسام، ج ۱، ص ۴۷۰.

۴- نک: رسائل فی العقیده، ص ۹؛ تیسیر العزیز العلام شرح عمدة الأحکام، عبدالله بسام، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴-۳. زکات

أ. مفهوم لغوی زکات: واژه «زکات» در لغت به معنای رشد و نمو، افزونی، پاکی، پاکیزگی، به ثمر رساندن و سوددادن و امثال آن است.^(۱)

ب. تعریف شرعی زکات: حقی واجب از مالی خاص برای گروهی مخصوص در زمانی معین.^(۲)

ت. هدف از پرداخت زکات: عبادت الله تعالی با بخشیدن مقداری لازم از اموالی که زکات دارد و به حد نصاب رسیده است.^(۳)

ث. وجه تسمیه: با توجه به مفهوم لغوی زکات، علت نامگذاری اش این است که باعث افزایش و پاکی مال می‌شود.

ج. حکم زکات: این عمل از دیدگاه شریعت، واجب است. الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَأَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ [المزمل: ۲۰]

«و نماز را برپا دارید و زکات بدهید.»

مسلمانان اجماع و توافق دارند که زکات رکنی از ارکان اسلام بوده و این اجماع بر پایه متون قرآن و سنت است.

کسی که منکر وجوب زکات شود، کافر، و فردی که از پرداخت زکات سر باز زند، فاسق به شمار می‌رود.^(۴)

۱- نک: لسان العرب، ج ۱۴، صص ۳۵۸-۳۵۹.

۲- نک: توضیح الأحکام، ج ۳، ص ۳۸۱.

۳- نک: رسائل فی العقیده، ص ۹.

۴- نک: توضیح الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۲.

- ح. زکات یکی از ارکان و مبانی بزرگ اسلام است و دلایل فراوانی از قرآن و سنت بر این موضوع دلالت دارند.
- اهمیت و ارزش زکات به حدی است که الله تعالی در ۸۲ موضع از آیات قرآن، زکات را در کنار نماز بیان کرده است.
- خ. زکات یکی از محاسن اسلام است که باعث تعهد، مهربانی، احسان و کمک به یکدیگر می‌شود.
- د. زکات نوعی فریضه و عبادت است و نتایج اقتصادی پسندیده‌ای برای فرد و جامعه دارد؛ از جمله:
- زکات یکی از وسایل توزیع مجدد درآمد و ثروت در جامعه است: این کار منجر به همدردی با فقیران می‌شود و یکی از اسباب عدالت اقتصادی به شمار می‌رود که با وجود اختلاف در تعریف و وسایل آن، مورد اتفاق تمامی اقتصاددانان است.
 - یکی از انگیزه‌های سرمایه‌گذاری است: کسی که دارای وجوهی نقد باشد، باید آن‌ها را سرمایه‌گذاری کند تا مصرف نشوند.
 - زکات یکی از عوامل امنیتی است که باعث می‌شود محیطی مناسب برای بهبود اقتصادی به وجود آید: زیرا فقر یکی از اسباب جرم به شمار می‌رود.
 - یکی از اسباب بهبود اوضاع افراد فقیر در جامعه به شمار می‌رود: یعنی در زمینه بهبود سطح معیشتی، بهداشتی و آموزشی فقیران نقش دارد.
 - در کاهش بار مالی تحمیل‌شده بر بودجه دولت مؤثر است: یعنی یارانه‌ها و کمک‌هایی که برای نیازمندان؛ همچون یتیمان، پیرزنان و سایر افراد محتاج به مراقبت‌های اجتماعی داده می‌شود را کاهش می‌دهد.

- ذ. زکات در چهار نوع زیر واجب است:
- اشیای قیمتی: شامل طلا و نقره و ضمائم آن‌ها؛ همچون پول و ارزهای معاصر که از کاغذ یا غیره ساخته می‌شود؛
 - چهارپایانی که می‌چرند: مانند گاو، شتر و گوسفندی که بیشتر سال را در صحراها می‌چرد؛
 - حبوباتی که از زمین می‌رویند: همچون گندم و میوه‌ها؛ مانند خرما، و نیز معدن؛ همچون معدن آهن؛
 - کالاهای تجاری: یعنی کالاهایی که به قصد سود و فایده، برای خرید و فروش مهیا شده‌اند.^(۱)

زکات در موارد فوق واجب است و هر یک از انواع مذکور، جزئیاتی دارند که بیان مقادیر و نصاب‌ها و سایر امور مربوط به آن‌ها طولانی است و در کتاب‌های عالمانی که در این زمینه تحقیقاتی انجام داده‌اند، به طور گسترده بیان شده است.

ر. مراد از مصارف زکات، مواردی است که زکات به آن‌ها پرداخت می‌شود و در آیه زیر بیان شده‌اند:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغُرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۶۰]

«صدقات [و زکات‌ها] فقط مخصوص فقیران و مساکین و کارگزاران [جمع‌آوری] آن و دلجوئی‌شدگان [نومسلمانان] و برای [آزادکردن] بردگان و [ادای وام] بدهکاران و در راه الله و به راه‌ماندگان [است؛ این] فریضه‌ای [مقررشده] از جانب الله تعالی است. و الله دانای حکیم است.»

۴-۴. روزه

أ. مفهوم لغوی روزه: این واژه در لغت به معنای خودداری و ترک است، چنانکه گفته می‌شود: از خوراک، نوشیدنی، ازدواج و سخن خودداری کرد یا آن را ترک نمود.^(۱)

ب. تعریف شرعی روزه: یعنی خودداری فردی مشخص از اشیائی مخصوص در زمانی معین به همراه نیت.^(۲)

بنا بر قولی: روزه یعنی پرهیز از مبطلات روزه، از طلوع فجر تا غروب خورشید به همراه نیت.^(۳)

ت. مقصد از روزه ماه مبارک رمضان: عبادت برای الله تعالی با خودداری از مبطلات روزه در روزهای ماه رمضان.^(۴)

مبطلات روزه: خوردن، نوشیدن، همبستری و آنچه در حکم آن‌ها باشد...
ث. وجوب روزه: روزه در ماه شعبان سال دوم هجری فرض گردید و به اجماع مسلمانان، پیامبر ﷺ در ۹ ماه رمضان روزه گرفتند.

روژه ماه مبارک رمضان، یکی از ارکان و فرایض مهم اسلام به شمار می‌رود که دلایلی از قرآن کریم، سنت نبوی و اجماع بیانگر آن است.

ج. روزه ماه مبارک رمضان، فضیلت‌های بزرگی دارد؛ از جمله اینکه: باعث بخشش گناهان گذشته می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین اسباب آراسته‌شدن به تقوای الهی است، روزه باعث حفاظت و نجات از آتش دوزخ می‌شود، بوی دهان روزه‌دار، در نزد الله تعالی، خوشبوتر از

۱- نک: لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۵۰.

۲- توضیح الأحکام، ج ۳، ص ۴۳۹.

۳- فقه السنّة، سید سابق، ج ۱، ص ۳۸۱.

۴- رسائل في العقيدة، ص ۱۰.

بوی مشک است، الله ﷻ روزه را به خودش اختصاص داده و فقط او پاداش روزه را می‌دهد [یا خودش پاداش روزه می‌شود].

ح. روزه اسرار و حکمت‌هایی دارد؛ از جمله:

- روزه درسی مفید برای کنترل نفس، تسلط بر خواهشات و حفاظت کامل نفس از انگیزه‌ها و اسباب بیهودگی و پوچی است.

- روزه باعث می‌شود که اشخاص بیشتر متوجه امانتداری باشند و اخلاص در عمل را افزایش داده و سبب می‌گردد که تنها هدف اعمال، رضایت الهی باشد.

این فضیلتی بزرگ بوده و باعث می‌شود که صفت زشت چاپلوسی و ریا و نفاق ریشه‌کن گردد.

- روزه اخلاق پسندیده و اعمال نیک را در میان افراد پرورش می‌دهد و آنان را برای نیکی به پدر و مادر، صلۀ رحم و نیکی به خانواده و همسایگان تشویق می‌کند.

روزه سبب دستیابی به صحتی عمومی و کامل می‌شود؛ به عبارتی دیگر، در روزه‌داری، سلامتی جسمی و ظاهری، سلامتی روحی و معنوی و سلامتی فکری و ذهنی وجود دارد.

۴-۵. حج

أ. مفهوم لغوی حج: واژه «حج» در لغت به معنای قصد است؛ گفته می‌شود: حَجَّهٗ يَحْجُّهُ حَجًّا؛ یعنی قصد او کرد. و رَجُلٌ مَحْجُوجٌ؛ یعنی مرد مقصود.^(۱)

ب. مفهوم شرعی حج: یعنی قصد و رفتن به بیت الحرام با اعمالی مخصوص در زمانی معین.^(۱)

یعنی رفتن به مکه مکرمه در زمان حج که ماه‌های مشخصی دارد: سؤال، ذوالقعدة و ذوالحجه با نیت ادای مناسک؛ یعنی احرام از میقات، طواف، سعی بین صفا و مروه، وقوف در عرفات و سایر اعمال حج.^(۲)

ت. مشروعیت حج: این عمل یکی از ارکان و مبانی مهم اسلام است.

آیاتی از قرآن و احادیثی از پیامبر ﷺ و اجماع مسلمانان دلالت بر مشروعیت و حقانیت حج دارند.

ث. حج برای کسی که توان داشته باشد، تنها یک بار در عمر واجب است و کسی که بیشتر از یک بار حج نماید، کارش مستحب [و پسندیده] است.

حج دارای اسراری جذاب و زیبا، حکمت‌هایی متنوع، برکاتی متعدد و فوایدی مشهود در زندگی فردی و اجتماعی است.

۱- نک: حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۴۵۴؛ توضیح الأحکام، ج ۴، ص ۳.

۲- الحج، عبدالله طیار، ص ۱۵.

۵. ارکان ایمان

دین اسلام عقیده و شریعت است. قبلا اشاره‌ای به برخی از احکام و شرایع اسلام شد و نیز دربارهٔ ارکان آن که اساس و پایه‌های شرایع اسلام به شمار می‌ورد، مطالبی بیان گردید.

اعتقاد اسلامی شامل ایمان به هر آنچه از جانب الله تعالی و رسول الله ﷺ آمده است، می‌شود؛ یعنی ایمان به اخبار، احکام قطعی، امور غیبی و امثال آن.

پایه‌های اعتقاد، ارکان ششگانهٔ ایمان است؛ یعنی ایمان به الله تعالی؛ ایمان به فرشتگان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ ایمان به کتاب‌های آسمانی؛ ایمان به رسولان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ ایمان به روز قیامت؛ و ایمان به قضا و قدر؛ خیر باشد یا شر.

۵-۱. ایمان به الله ﷻ

أ. ایمان به الله ﷻ یعنی باور قطعی و یقینی به وجود الله تعالی و به اینکه او پروردگار و صاحب هر چیز، آفریدگار یگانه، تدبیرکنندهٔ تمام هستی و تنها معبود شایستهٔ عبادت و بی‌همتاست و هر معبودی غیر از الله ﷻ، باطل بوده و عبادتش نیز نادرست و بی‌فایده است. همچنین ایمان به اینکه الله متعال متّصف به صفات کمال و جلال و منزّه از هر نقص و عیبی است.^(۱)

ب. ایمان به الله، شامل باور و یقین به وجود، ربوبیت، الوهیت و اسماء و صفات اوست.

ت. ایمان به الله ﷻ دارای نتایجی بزرگ و مهم بوده و خیر دنیا و آخرت را برای افراد و جامعه به دنبال دارد. از نتایج آن، حصول امنیت کامل، هدایت تام، جانشین کردن در زمین و تمکین و عزت بندگان واقعی را می‌توان نام برد. به طور خلاصه، همه خیر دنیا و آخرت از نتایج ایمان به الله تعالی، و هلاکت و کمبود نتیجه نبود یا نقصان ایمان است.^(۱)

ث. ادله فراوانی دلالت بر یگانگی الله ﷻ دارند و گواهی الله تعالی برای خودش کافی است که می‌فرماید:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [ال عمران: ۱۸]

«الله گواهی داده که معبودی [بر حق] جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش [نیز بر این مطلب گواهی می‌دهند] در حالی که [الله متعال در جهان هستی] قیام به عدالت دارد، معبودی [بر حق] جز او نیست، که توانمند حکیم است.»

فطرت، شریعت، عقل و حس و واقع نیز دلالت بر یگانگی الله متعال در آفرینش و روزی دادن و اینکه تنها او شایسته عبادت است، می‌کنند.

ج. عقل، دلالت بر یگانگی الله تعالی دارد، زیرا لازم است که تمامی مخلوقات پدیدآورنده و آفریدگاری داشته باشند و امکان ندارد به خودی خود یا اتفافی به وجود آمده باشند؛ به عبارتی دیگر، امکان ندارد که این مخلوقات خودشان را به وجود آورده باشند و هیچ چیز

۱- تیسیر اللطیف المّان فی خلاصة تفسیر القرآن، ابن سعدی، صص ۱۳۰-۱۳۴.

نمی‌تواند خودش را بیافریند، چون پیش از پیدایش، معدوم [نیست] است و شیء معدوم چگونه می‌تواند پدیدآورنده باشد؟! حس و تجربه به روشنی بیانگر یگانگی الله متعال است؛ از جمله: اجابت دعاها، صداقت پیامبران علیهم‌السلام، دلالت انفس، راهنمایی مخلوقات، دلالت آفاق، بندگی موجودات، تفاوت مزه، رنگ و بوی گیاهان و اختلاف زبان‌ها.

۵-۲. ایمان به فرشتگان علیهم‌السلام

أ. فرشتگان جهانی غیبی هستند که از نور آفریده شده و عبادت الله متعال را به جای می‌آورند. آنان هیچ یک از ویژگی‌های ربوبیت و الوهیت را ندارند؛ یعنی چیزی را نمی‌آفرینند، روزی نمی‌دهند و هرگز جایز نیست که با الله تعالی یا به تنهایی، پرستش شوند. الله عز وجل به آنان فرمانبرداری کامل از دستوراتش و قدرت بر اجرای آن‌ها را بخشیده است.

تعداد فرشتگان فراوان بوده و فقط الله عز وجل از این موضوع آگاه است.^(۱)
 ب. ایمان به فرشتگان شامل باور و یقین به وجودشان، ایمان به فرشتگانی که آنان را با اسم می‌شناسیم و ایمان به آنچه از صفاتشان می‌دانیم، می‌شود.

ت. ایمان به فرشتگان، نتایج مهمی به دنبال دارد؛ همچون: علم به عظمت و قدرت و سلطان الهی و شکر الله تعالی به سبب توجه به بنی‌آدم.

ث. متون شرعی فراوانی دلالت دارند که فرشتگان جسم هستند.

۱- نک: رسائل في العقيدة، محمد بن عثيمين، ص ۱۹.

ج. فرشتگان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ارتباط تنگاتنگ و مستحکمی با بنی‌آدم دارند و برخی از نمونه‌های این ارتباط، عبارت است از: حضور آنان در زمان خلقت انسان، حفاظت آدمیان توسط فرشتگان، تحریک انگیزه‌های خیر در نفوس بندگان، ثبت اعمال انسان‌ها، روی آوردن و توجه فرشتگان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به مؤمنان و خشم آنان بر کافران.

۵-۳. ایمان به کتاب‌های آسمانی

أ. کُتُبٌ در اصل، جمع کتاب به معنای مکتوب؛ یعنی نوشته‌شده است و ماده «کَتَبَ» در معنای جمع و گردآوری به کار می‌رود.

ب. از نظر شرعی، «مراد از این کُتُب، کتاب‌های آسمانی است که الله عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آن‌ها را به عنوان رحمت و هدایتی برای مخلوقات، بر پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نازل فرمود تا از این طریق، به سعادت دنیا و آخرت برسند.»^(۱)

ت. موارد ایمان به کتاب‌های آسمانی: یقین به اینکه قطعا از جانب الله تعالی فرستاده شده‌اند، ایمان به آنچه از اسامی این کتاب‌ها می‌دانیم، اما کتاب‌هایی که از اسامی‌شان باخبر نیستیم، به طور اجمالی به آن‌ها ایمان می‌آوریم، تصدیق اخبار صحیح کتاب‌های آسمانی؛ همچون خبرهای قرآنی و اخباری از کتاب‌های پیشین که تبدیل و تحریف نشده است، و ایمان و یقین به آخرین کتاب و ناسخ تمامی آن‌ها؛ یعنی قرآن کریم.

ث. ایمان به کتاب‌های آسمانی از چندین جنبه اهمیت فراوانی دارد و دارای فواید آشکاری است.

ج. نزول تمامی کتاب‌های آسمانی، هدفی واحد داشته است. هدف این بوده که فقط الله تعالی پرستش شود و این کتاب‌ها قانون زندگی بشری باشد که بر روی زمین زندگی می‌کنند و آنان را به سوی خوبی‌ها راهنمایی سازد و روح و نوری برای احیای جان‌ها و برطرف‌ساختن تاریکی‌ها باشد و تمامی راه‌هایی زندگی را برایشان روشن سازد.^(۱)

ح. کتاب‌های آسمانی در امور متعددی با هم هماهنگ هستند؛ از جمله: وحدت خاستگاه، وحدت هدف، مسائل اعتقادی، قواعد عمومی، عدالت و داد، مبارزه با فساد و انحراف، دعوت به اخلاق پسندیده و بسیاری از عبادات دیگر.

خ. این کتاب‌ها از نظر شرایع با یکدیگر تفاوتی جزئی دارند، اما از نظر اصول و مسائل اساسی، با هم مشترکند. برخی از موارد اختلافی آن‌ها عبارت است از: تعداد، ارکان و شروط نمازها، مقادیر زکات، مواضع انجام عبادات و امثال آن.

گاهی الله ﷻ کاری را در یک شریعت به سبب حکمتی که داشته، حلال گردانده و همان کار را در آیینی دیگر، حرام کرده است؛ آن هم به دلیل حکمتی که تنها خود الله تعالی می‌داند و لازم نیست که ما از آن آگاه باشیم.

در نهایت، شریعت خاتم و نهایی آمد تا قاعده اصلی، حلال‌شدن پاکی‌ها و تحریم پلیدی‌ها باشد.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد شریعت اسلام، این است که برای مردم تا روز قیامت بوده، بر خلاف ادیان دیگر که مخصوص قومی خاص و برای دوره‌ای معین می‌آمدند.^(۱)

۵. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتاب‌های آسمانی، قرآن کریم، تورات و انجیل هستند. قبلاً مطالبی درباره قرآن بیان شد. در اصل و از دیدگاه مسلمانان، تورات اسمی برای کتاب نازل شده بر موسی علیه السلام است، اما تورات امروزی و موجود دچار تحریف و تغییر و زیادتی و نقصان شده است.

انجیل نیز در اصل، کتابی گرامی است که الله تعالی آن را بر عیسی علیه السلام نازل کرد، ولی انجیل امروزی دارای تحریفات و تغییرات بسیاری است. در اصل و شرح تحقیق پیش رو، توضیحاتی درباره کتاب‌های مذکور بیان شده است.

۵-۴. ایمان به پیامبران علیهم السلام

أ. از نظر شرعی، می‌توان نبوت و رسالت را این‌گونه تعریف کرد: ویژگی و صفتی که در فرد، پس از انتخاب از جانب الله تعالی، به وجود می‌آید و وی را از اخبار آسمانی آگاه ساخته و فرمان به تبلیغ آن می‌دهد.

ب. نبوت از بزرگ‌ترین ادعاها به شمار می‌رود و فقط دروغ‌گوترین یا راست‌گوترین مردم ادعای چنین امری می‌کند.

نبوّت با ادلّه فراوانی اثبات می‌گردد که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها، نشانه‌هایی که معجزه نامیده می‌شوند، است و با اعمال بزرگ، اخلاق پسندیده و رفتار نیک ثابت می‌گردد.

بنابراین کسی که ادّعی پیامبری نمود و الله متعال وی را بوسیله معجزه‌ها تایید و تقویّت کرد و خودش مشهور به صداقت، امانت، اخلاق نیک و رفتار پسندیده بود، این فرد، پیامبری است که به او وحی می‌شود و از جانب الله ﷻ تایید می‌گردد.

اگر بر خلاف این باشد، فردی دروغگو و حيله‌گر است که ادّعی پیامبری نموده و قطعاً الله ﷻ وی را رسوا خواهد کرد.

ت. پیامبران و رسولان بشر و مخلوق هستند و به آنان وحی می‌شود و هیچ یک از ویژگی‌های ربوبیّت و الوهیت را ندارند. آنان دارای صفات بشری؛ همچون بیماری، خواب، مرگ، نیاز به غذا و نوشیدنی و ... هستند.

الله تعالی این افراد را متّصف به برترین درجه بندگی نموده و آنان را توصیف و تحسین کرده است.

ث. رسالت، انتخاب و تعیینی از جانب الله متعال است که با کسب و تلاش به دست نمی‌آید.

رسولان بهترین انسان‌ها و افراد برگزیده بشر هستند.

ج. مسلمانان اتّفاق دارند که پیامبران و رسولان در پذیرش و تحمّل رسالت و در آنچه از جانب پروردگارشان به مردم می‌رسانند، معصومند.

بنابراین چیزی از آنچه الله ﷻ به سويشان فرستاده است را نمی‌کاهند و هیچ چیز را فراموش نمی‌کنند مگر مواردی که منسوخ گردد.

ح. ایمان به رسولان شامل این موارد است: باور و یقین به اینکه رسالتشان حقیقتی از جانب الله تعالی است، ایمان به آنچه از اسامی آنان می‌دانیم و کسانی که از نام‌هایشان آگاه نیستیم را به طور کلی و اجمالی قبول داریم، تصدیق اخبار صحیحی که از آنان نقل شده است و عمل به شریعت کسی از آنان که برای ما مبعوث گشته است؛ یعنی ایمان به خاتم پیامبران؛ محمد ﷺ.

خ. ایمان به پیامبران و رسولان دارای نتایج مهم بوده، که بزرگ‌ترین و برترین آن‌ها، آگاه‌شدن از رحمت و توجّه الله تعالی به بندگان است، چون رسولانی را به سویشان فرستاد تا آنان را به راه راست راهنمایی کنند و شیوه پرستش الله ﷻ را برایشان روشن سازند، زیرا عقل بشر به تنهایی نمی‌تواند این مسأله را تشخیص دهد.

د. مراد از ختم نبوت، پایان‌یافتن خبردادن الله تعالی به مردم و قطع وحی آسمانی است.^(۱)

یعنی اینکه باور کنیم اخبار غیبی و آینده‌نگری‌ها با نبوت پیامبران؛ محمد ﷺ پایان یافته و وحی آسمانی با وفات ایشان، قطع شده است. این مطلب از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اعتقادات مسلمانان به شمار می‌رود و هر کس بر خلاف آن ادعا نماید، به الله تعالی کفر نموده و پیامبر ﷺ را تکذیب کرده است.

قرآن، سنت و اجماع بر این موضوع دلالت می‌کنند.

ذ. معجزه کاری خارق‌العاده است؛ یعنی عملی که بر خلاف عادت آدمیان بوده و برایشان ناآشنا و خارج از توان آنان است.

ر. الله متعال ویژگی‌های بسیاری را به پیامبرمان محمد ﷺ اختصاص داد، که در مبحث مربوط به این موضوع در شرح و اصل تحقیق پیش رو، برخی از آن‌ها بیان شده است.

۵-۵. ایمان به روز آخرت

أ. روز آخرت یعنی روز قیامت که مردم در آن روز، برای حساب و جزا برانگیخته می‌شوند.

ب. ایمان به این روز، یعنی باور و یقین به آمدن آن و تمامی جزئیاتش و عمل بر این اساس.

ت. باور و یقین به روز قیامت، بنا به دلایلی بسیار مهم به شمار می‌رود؛ از جمله اینکه: ایمان به روز آخرت، یکی از ارکان ششگانه ایمان است، این موضوع در بسیاری از متون شرعی وارد شده و ارتباط مستحکمی با ایمان به الله ﷻ دارد، ایمان‌آوردندگان به روز آخرت، بسیار مورد تحسین و تمجید قرار گرفته و انکارکنندگان، بسیار نکوهش شده‌اند، این روز دارای اسامی بسیاری بوده و توصیفات و سخنان فراوانی در این زمینه بیان شده، [که دلیل آن، اهمیت قیامت و وحشت شدید در آن روز است].

ث. ایمان به این روز منجر به نتایجی مهم، اخلاقی زیبا، عبادت‌هایی متنوع و تاثیراتی پسندیده برای فرد و جامعه در دنیا و آخرت می‌شود.

ج. مفهوم شرعی دمیدن در صور: یعنی دمیدن اسرافیل علیه السلام در شیپوری که به دهان گرفته و مسؤول دمیدن در آن، به هنگام برپاشدن قیامت شده است.^(۱)

ح. اسرافیل عَلَيْهِ السَّلَام دو بار در صور می‌دمد:

- نفخه بیهوشی [صعق]: دمیدنی که بر اثر آن، مردم به وحشت افتاده و بیهوش می‌شوند. وقتی الله تعالی اجازه پایان یافتن این دنیا را صادر می‌نماید، به اسرافیل دستور می‌دهد که در صور بدمد و در نتیجه، تمامی آنچه در آسمان‌ها و زمین است مگر مخلوقاتی که الله متعال بخواهد، بیهوش می‌شوند، زمین، خاک و بی‌گیاه شده و کوه‌ها فرو می‌ریزند و هر آنچه الله عَزَّ وَجَلَّ در قرآن کریم؛ بویژه در سوره «انفطار» و «تکویر» بیان نموده است، به وقوع می‌پیوندد.

این نفخه، نفخه بیهوشی [صعق]، ترس [فزع]، به لرزه درآورنده [راجفه] و صیحه [آواز بلند] نام دارد.

- نفخه برانگیخته شدن [بعث]: دمیدنی که توسط آن، مردم برای حضور در پیشگاه پروردگار جهانیان، زنده از قبرها بیرون می‌آیند.

این نفخه، آخری و رادفه [پیرو و بعدی] نیز نام دارد.

خ. در اصطلاح شرع، بعث یعنی معاد جسمانی و زنده کردن مردگان در روز قیامت برای حسابرسی و داوری در میان آنان.^(۱)

د. دلایلی از قرآن و سنت، اجماع، عقل و فطرت سلیم دلالت بر زنده شدن مردگان دارند و نیز این کار بر مقتضای حکمت است، زیرا می‌طلبد که الله عَزَّ وَجَلَّ مخلوقات را برای حسابرسی و دادن پاداش یا عذاب در برابر تکلیفی که بر زبان پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام بر آنان لازم گشته است، دوباره زنده کند.^(۲)

۱- نک: لمعة الاعتقاد شرح الشیخ محمد بن عثیمین، ص ۱۱۵؛ القیامة الکبری، ص ۵۱.
 ۲- نک: شرح العقیة الطحاویة، ص ۴۰۴؛ رسائل فی العقیة، ص ۲۹؛ اعلام السنّة المنشورة، صص ۱۰۱-۱۰۳.

د. قیامت نامی از اسامی روز آخرت است که به علت برخاستن مردم از قبرها و رفتن به سوی قیامت یا به سبب ایستادن مردم برای پروردگار جهانیان در آن روز، چنین نامی گرفته است.

ر. روز قیامت بسیار مهم و بزرگ و وحشتناک است و بندگان هرگز چنین روزی را ندیده‌اند؛ در روز قیامت، ترس و اضطراب شدیدی وجود دارد و رابطه‌های مردم با یکدیگر، قطع می‌شود و خورشید به مخلوقات نزدیک می‌گردد.

ز. مفهوم شرعی حساب: یعنی اینکه الله تعالی در روز قیامت، بندگان را از اعمالشان آگاه می‌کند و کارهای خوب یا بدی که انجام داده‌اند را به آنان بیان می‌نماید.^(۱)

س. شیوه و کیفیت حسابرسی: به طور خلاصه می‌توان گفت: الله تعالی بندگان را در حضور خویش ننگه می‌دارد و از آنان به سبب گناهی که مرتکب شدند و اعمالی که انجام داده و سخنانی که بر زبان آوردند، اقرار می‌گیرد و آنان را از کفر یا ایمان، اطاعت یا نافرمانی و استقامت یا انحرافشان در دنیا و نیز از پاداش یا عذابی که مستحق آن هستند، آگاه می‌سازد.

ش. انواع حساب: برخی از حساب‌ها سخت و برخی آسان هستند. انواع دیگر آن، حساب تقریر و تکریم و بزرگداشت، توییح و نکوهش، فضل و بخشش و مؤاخذه و مجازات بوده و متولی آن، بخشنده‌ترین بخشندگان، مهربان‌ترین مهربانان و فرمانرواترین فرمانروایان است.^(۲)

۱- نک: لمعة الاعتقاد، ص ۱۱۷؛ شرح الواسطیة، هراس، ص ۲۰۹.

۲- همان.

ص. قوانینی که بندگان بر اساس آن‌ها مورد محاسبه قرار می‌گیرند: این حساب کاملاً عادلانه است، هیچ کس به سبب جرم و گناه دیگران، مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد، بندگان از اعمالی که پیش فرستاده‌اند، آگاه می‌شوند و نیکی‌ها و نه بدی‌ها چند برابر می‌گردند.

ض. پیش از سایر امت‌ها، به حساب امت محمد ﷺ پرداخته می‌شود، اولین عملی که از بنده سؤال می‌گردد، نماز است، و نخستین کار فیصله‌شده در میان مردم، مسألهٔ خون‌هاست.

ط. مفهوم شرعی میزان: یعنی وسیله‌ای که الله تعالی در روز قیامت، برای سنجش اعمال بندگان قرار می‌دهد.^(۱) و حکمت و دلیل نهادن ترازوی اعمال، آشکار ساختن عدالت الهی است.^(۲)

ظ. نامه‌های اعمال: یعنی دفترها و کتاب‌هایی که اعمال انسان‌ها در آن‌ها ثبت و شمارش شده است. و انتشار نامه‌های اعمال، یعنی آشکار کردن و توزیع آن‌ها در روز قیامت که برخی نامهٔ اعمالشان را در دست راست و برخی آن را در دست چپ و از پشت سرشان می‌گیرند؛ انسان مؤمن نامهٔ اعمالش را با دست راست و از جلوی خویش می‌گیرد و خوشحال است و به دیگران مژده می‌دهد، اما انسان کافر نامهٔ اعمالش را به دست چپ و از پشت سرش می‌گیرد و واویلا سر می‌دهد.

ع. مفهوم شرعی حوض: مراد از حوض، آبی است که در صحرای محشر، از رود کوثر برای پیامبر ﷺ جاری می‌شود.^(۳)

۱- نک: لمعة الاعتقاد، ص ۱۲۰.

۲- شرح العقيدة الطحاویة، ص ۴۱۹.

۳- لمعة الاعتقاد شرح الشیخ محمد بن عثیمین، ص ۱۲۳.

غ. ساختار حوض: حوضی بزرگ و آبشخوری بخشنده و گرمی است که از آب بهشت و از رود کوثر، تأمین می‌شود.

آبش سفیدتر از شیر و نقره، سردتر از برف، شیرین‌تر از عسل و خوشبوتر از مشک است. ظروفش همچون ستارگان آسمان بوده و این حوض بسیار وسیع؛ عرضش به اندازه مسافت رفتن در یک ماه و طولش نیز همان اندازه و گوشه‌هایش با هم برابرند. هر بار که از آبش خورده شود، باز زیاد و وسیع می‌گردد. هر کس که از آب این حوض بنوشد، دوباره هرگز تشنه نمی‌شود.

ف. نوشندگان و محرومان از حوض: مؤمنان صادق و پیرو شریعت از این حوض می‌نوشند، اما بدعت‌گزاران و تحریف‌کنندگان و مخالفان شریعت، از آب این حوض محروم می‌شوند.

رسول الله ﷺ فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، وَلَا تَأْزَعَنَّ أَقْوَامًا تُمَّ لِأَعْلَبَنَ عَلَيْهِمْ، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي، أَصْحَابِي، فَيَقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ»^(۱)؛ «من قبل از شما، بر حوض وارد می‌شوم و قطعا برای گروهی، بحث و مداخله می‌کنم، اما نمی‌توانم برایشان کاری انجام دهم. سپس می‌گویم: پروردگارا! [این افراد] امت من هستند، امت من هستند. [به من] گفته می‌شود: حتما تو نمی‌دانی که پس از تو، چه به وجود آوردند.» این روایت، متفق علیه است.

در صحیح مسلم، از ابوسعید خدری رضی الله عنه چنین روایت شده است: «فَيَقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ، فَأَقُولُ: سُحْقًا سُحْقًا لِمَنْ بَدَّلَ بَعْدِي»^(۲)؛ «گفته می‌شود: قطعا نمی‌دانی که پس از تو، چه کردند! بنابراین من

۱- صحیح بخاری، شماره حدیث: ۶۵۷۵ و ۶۵۷۶؛ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۲۹۷.

۲- صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۲۹۱.

می‌گوییم: هلاکت باد، هلاکت باد برای کسی که پس از من، مرتکب تغییر و [تحریف] گشت.»

همچنین در صحیح مسلم، از اُمّ المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت شده است که: «فَيَقُولُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ، مَا زَالُوا يَرْجِعُونَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ»^(۱)؛ «سپس می‌فرماید: بدون تردید نمی‌دانی که پس از تو، چه کردند؛ همواره به عقب برمی‌گشتند [و دین را رها می‌کردند].»

ق. مفهوم شرعی صراط: پل کشیده‌شده بر روی جهنم تا مردم از طریق آن، به بهشت رسند.^(۲)

ک. ساختار پُل صراط: ویژگی‌های این پُل در احادیث متعددی بیان شده است؛ از جمله در همان روایت طولانی منقول از ابوسعید خدری رضی الله عنه آمده است که: «دَحْضٌ مَرَلَةٌ، فِيهِ خَطَاطِيفٌ، وَكَلَالِيْبٌ، وَحَسَكٌ تَكُونُ بِنَجْدٍ فِيهَا شُوَيْكَةٌ، يُقَالُ لَهَا: السَّعْدَانُ»؛ «[پل صراط] لیز و لغزنده و دارای چنگک‌ها و قلاب‌ها و تیغ است که در بلندی قرار دارد و در آن، خار [های] کوچکی است که به آن، سعدان [گیاهی] خاردار که شتر می‌خورد [گفته می‌شود].»

ابوسعید می‌گوید: «شنیده‌ام که این پُل، باریک‌تر از مو و برنده‌تر از شمشیر است.»^(۳)

مردم با توجه به اعمالشان از آن عبور می‌کنند؛ برخی با یک چشم برهم‌زدن، بعضی همچون برقی زودگذر، تعدادی مانند باد، برخی همچون

۱- همان، شماره حدیث: ۲۲۹۴.

۲- نک: شرح العقيدة الواسطية، هراس، ص ۲۱۰؛ لوامع الأنوار البهية، ج ۲، ص ۱۸۹؛ لمعة الاعتقاد شرح الشيخ محمد بن عثيمين، ص ۱۲۶.

۳- همان.

اسبی تیزرو، بعضی مانند رفتن شتر، گروهی دوان دوان، برخی به حالت راه رفتن عادی و بعضی به صورت خزیده از آن عبور می کنند. افرادی نیز به سرعت گرفته شده و در جهنم انداخته می شوند، چون بر روی پُل، میخ‌هایی وجود دارد که مردم را به سبب اعمالشان می گیرند. بنابراین هر کس از این پُل عبور کند، وارد بهشت می شود.^(۱)

ل. مفهوم شرعی بهشت: همان سرای پُر نعمتی که الله ﷻ در آخرت، آن را برای مؤمنان پرهیزگار و مخلص و پیرو پیامبران ﷺ آماده نموده است.^(۲)

م. مفهوم شرعی آتش دوزخ: یعنی سرای عذابی که الله متعال در آخرت، آن را برای کافرانی که الله را تکذیب و پیامبرانش را نافرمانی کردند، آماده نموده است.^(۳)

بهشت، درجاتی و دوزخ، درکاتی دارد.

ن. مفهوم ایمان به بهشت و دوزخ: یعنی ایمان و باور قطعی به وجود آن‌ها و اینکه آن دو مخلوقند و همچون الله متعال ابدی هستند و هرگز فنا و نابود نمی شوند.

همچنین ایمان به تمامی نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های دردناک دوزخ.^(۴)

۱- مجموع الفتاوی، ج ۳، صص ۱۴۶-۱۴۷.

۲- نک: لمعة الإعتقاد، ص ۱۳۱.

۳- همان؛ الجنة والنار، عمر أشقر، صص ۱۵۴-۱۶۰.

۴- نک: أعلام السنّة المنشورة، ص ۱۱۵.

۵-۶. ایمان به قدر

- أ. ایمان به قدر یعنی باور و یقین به علم فراگیر الهی و کتابت و اراده و آفرینش او برای تمامی اشیاء.^(۱)
- ب. ایمان به قضا و قدر - اگر به روشی صحیح باشد - نتایجی مهم در پی دارد که تاثیراتش در دنیا و آخرت، بر فرد و جامعه برمی‌گردد.
- ت. قرآن کریم، سنت نبوی، اجماع، فطرت، عقل و حس بیانگر این رکن مهم از ارکان ایمان هستند.
- ث. قدر چهار مرحله دارد که ارکان یا مراتب قدر نامیده می‌شوند؛ یعنی علم، کتابت، اراده و مشیت الهی و خلقت.
- ج. بر انسان واجب است که به قضا و قدر، شریعت و امر و نهی الهی ایمان آورد و اخبار آسمانی را تصدیق نماید و دستورات شرعی را اطاعت کند.^(۲) وقتی به وی خوبی و نعمتی رسد، الله متعال را سپاس گوید و زمانی که مصیبتی به او رسد، از الله عَزَّوَجَلَّ آمرزش بخواهد و بداند که تمامی این امور بر اساس قضا و قدر الهی است. لازم نیست که تمامی انسان‌ها از جزئیات ایمان به قدر آگاه باشند، بلکه همان ایمان کلی و اجمالی کافی است.^(۳)

۱- نک: التعریفات، جرجانی، ص ۱۷۷؛ لوامع الأنوار، سفارینی، ج ۱، ص ۳۴۸؛ رسائل فی العقیة، محمد بن عثمان، ص ۳۷؛ الإیمان بالقضاء والقدر، محمد حمد، ص ۳۵-۳۶.

۲- نک: جوامع الرسائل، ابن تیمیّه، ج ۲، ص ۳۴۱؛ درء تعارض العقل والنقل، ج ۸، ص ۴۰۵.

۳- همان، ج ۸، ص ۹۷؛ التّحفة المهدیة فی شرح الرّسالة التّدمریة، فالح بن مهدی، ج ۲، ص ۱۴۰؛ الإیمان بالقضاء والقدر، ص ۶۱-۶۳.

- ح. ایمان به تقدیر، منافاتی با این ندارد که بنده در افعال اختیاری خویش، اراده و حقّ انتخاب و قدرت داشته باشد و اراده و قدرتش با اراده و قدرت الله تعالی حاصل می‌شود.
- خ. تاثیر و به کارگیری اسباب منافاتی با ایمان به قضا و قدر ندارد، بلکه استفاده از آنها نشانهٔ باور و یقین کامل به تقدیر است.
- د. احتجاج و استدلال به تقدیر در هنگام مصایب و نه برای توجیه گناهان و معایب، جایز است.

۶. محمّد ﷺ خاتم پیامبران و رسولان

۶-۱. مقدمات نبوت

بدون تردید الله تعالی مقدمات فراوانی را برای پیامبر ﷺ که بیانگر بعثت و نبوت ایشان بود، آماده ساخت؛ از جمله:

أ. دعای ابراهیم و بشارت عیسی ﷺ.

ب. بعثت پیامبر ﷺ در میان قوم عرب: قومی که استعداد و آمادگی این اصلاح عام معنوی را داشتند و دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بودند؛ صفاتی همچون: استقلال فکری، گسترش آزادی فردی، زیرکی، عزت نفس، دلیری، عدالت و انصاف، فصاحت و سلامت فطری.

ت. شرافت نسب پیامبر ﷺ: نسب ایشان از بهترین و روشن‌ترین نسب‌ها بود. خاندان رسول الله ﷺ با دارا بودن اخلاقی والا و بخشش‌ها و فضایلی عملی و باطنی، بر سایر افراد قومشان برتری داشتند و سپس الله تعالی سیدنا محمّد ﷺ را از میان بنی‌هاشم برگزید و بهترین فرزندان آدم و سرور آنان گشت.^(۱)

ث. دسترسی پیامبر ﷺ به والاترین درجه اخلاقی پیش از اینکه به پیامبری مبعوث شوند.

۱- نک: الفصول في سيرة الرسول، ابن كثير، صص ۵- ۷؛ خلاصة السيرة النبوية، صص

- ج. امی بودن پیامبر ﷺ در حالی که کتابی نخوانده و چیزی ننوشتند.
 ح. پرورش رسول الله ﷺ در مکه مکرمه: شهر پاکی که الله ﷻ آن را برای ساخت نخستین خانه توحید و عبادت خالصانه و عبادات سالم برگزید.

۶-۲. نسب و زندگی پیامبر ﷺ

أ. نسب ایشان: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان، که عدنان از قوم عرب و عرب از اولاد اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام است.^(۱)

نام مادر پیامبر ﷺ، آمنه؛ دختر وهب بن عبد مناف بن زهره است و زهره، برادرِ پدر بزرگ رسول الله ﷺ بود.

پدر پیامبر ﷺ با آمنه ازدواج کرد و به همراه وی، سه روز در خانه اقوام آمنه ایستاد و دیری نپایید که باردار شد، اما احساس سنگینی و ویار [تغییر اشتها و درخواست برخی از خوراکی‌ها] نکرد، چنانکه عادت زنان نیرومند و سالم این گونه است.^(۲)

۱- نک: جوامع السیره، ابن حزم، صص ۴-۶؛ الرّوض الأنف، ج ۱، صص ۲۳-۳۸، در این کتاب، نسب پیامبر ﷺ به تفصیل بیان گشته و اسامی مذکور، توضیح داده شده‌اند؛ حدائق الأنوار ومطالع الأسرار، ابن دبیع، ج ۱، ص ۹۴؛ سبل الرّشاد فی هدی خیر العباد، ج ۱، صص ۲۳۵-۳۲۲؛ خلاصة السیره، صص ۱۱-۱۲؛ محمد رسول الله، احمد تیمور پاشا، ص ۲۸؛ موسوعة نضرة النعميم في مكارم أخلاق الرسول الكريم، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲- نک: خلاصة السیره، صص ۱۳-۱۴؛ السیره النبویة الصحیحة، أكرم عمری، ج ۱، صص ۹۰-۹۱.

ب. توّلد پیامبر ﷺ: در سال ۵۷۱ م موافق با عام الفیل، رسول الله ﷺ با آفرینشی کامل، چهره‌ای زیبا و جسمی سالم به دنیا آمدند.^(۱) هنوز به دنیا نیامده بودند که پدر ایشان وفات کرد و از این رو، پدر بزرگشان؛ عبدالمطلب سرپرستی پیامبر را بر عهده گرفت و مادرشان، سه روز ایشان را شیر داد و پس از آن، عبدالمطلب محمّد ﷺ را به حلیمه سعديه سپرد تا ایشان را شیر دهد.

ت. سفر پیامبر ﷺ با عمویشان به شام و دیدار با بحیرای راهب: رسول الله ﷺ به همراه عمویشان؛ ابوطالب برای تجارت، به سرزمین شام رفتند در حالی که سنّ ایشان ۱۲ سال و ۲ ماه و ۱۰ روز بود. در آنجا، بحیرای راهب پیامبر ﷺ را دید و پس از اینکه مهر نبوت را در میان دو شانه محمّد ﷺ مشاهده نمود، به عموی ایشان مزده داد و وی را از دشمنی یهود علیه رسول الله ﷺ بر حذر داشت.

ث. سفر تجاری پیامبر ﷺ با اموال أم المؤمنین خدیجه رضی الله عنها: ایشان باری دیگر با مال خدیجه رضی الله عنها؛ دختر خویلد به قصد تجارت، سفر نمودند و أم المؤمنین خدیجه بیشتر از آنچه به دیگران می‌داد، به رسول الله ﷺ بخشید، زیرا در این تجارت، منافع فراوانی حاصل شد و بلکه منجر به سعادت وی در دنیا و آخرت گشت.

خدیجه رضی الله عنها داناترین و کامل‌ترین زن در میان قبیله قریش بود، به گونه‌ای که در دوره جاهلی، ملقب به «طاهره» گشت، زیرا خویشتن‌دار و پاکدامن و برخوردار از فضایل آشکاری بود.

۱- نک: حدائق الأنوار، ابن دبیع شافعی، ج ۱، ص ۲۹؛ خلاصة السيرة، ص ۱۴؛ فقه السيرة، محمّد غزالی، تخریج احادیث: شیخ آلبنی، صص ۵۸-۶۳.

۶-۳. ابتدای وحی

ا. پیامبر ﷺ بزرگ شدند و زمانی که به مرز ۴۰ سالگی رسیدند و نیروی عقلی و جسمی ایشان کامل گشت، نخستین نشانه‌های وحی، خواب‌های صادقانه بود که هر خوابی می‌دیدند، همچون روشنی صبح آشکار می‌شد، همان گونه که در خواب دیده بودند.

ب. خلوت پیامبر ﷺ در غار حرا و نزول وحی: سپس رسول الله ﷺ علاقه‌مند به خلوت و تنهایی شده و به غار حرا در مکه مکرمه می‌رفتند و در آنجا چندین شبانه‌روز، به عبادت پرداخته و سپس نزد اُمّ المؤمنین خدیجه رضی الله عنها بازگشته و خوراکی و نوشیدنی برمی‌داشتند. پیامبر ﷺ بر همین حالت بودند تا اینکه حقیقت با نزول قرآن کریم در ماه رمضان، به ایشان رسید.

ت. پی‌درپی نازل شدن وحی و رساندن دعوت و پیام الهی توسط پیامبر ﷺ: سپس وحی شدت گرفت و پشت سر هم نازل می‌شد و رسول الله ﷺ رسالت و دعوت پروردگار خویش را به مردم می‌رساندند، زیرا الله تعالی ایشان را از طریق وحی، فرمان داده بود تا مردم را به پرستش الهی یگانه و پذیرش دین اسلام فرا خوانند؛ همان دینی که الله جل جلاله آن را برای مردم پسندید و ادیان دیگر را منسوخ ساخت. بنابراین پیامبر ﷺ مردم را بر اساس حکمت و موعظه نیک و مجادله و مناقشه به روش احسن، برای پرستش الله بی‌همتا و پذیرش دین اسلام فرا می‌خواندند.^(۱)

۶-۴. اخلاق و اسراری از سیره پیامبر ﷺ

۱. پیامبران؛ محمد ﷺ بهترین مردم و پاک‌ترین، بلندمرتبه‌ترین، بارزترین و خوش‌اخلاق‌ترین انسان‌ها و گرمی‌ترین آن‌ها در نزد الله تعالی است.

الله متعال از روی علم و آگاهی، ایشان را برگزید و بوسیله رسالت، گرمی داشت و با وحی تایید نمود.

الله تعالی رسول الله ﷺ را بر صفاتی پسندیده و ویژگی‌هایی نیکو آفرید، سپس ایشان را به زیبایی ادب نمود و به نکویی پرورش داد و از این رو، اخلاق پیامبر ﷺ [بر اساس] قرآن کریم بود، چنانکه وقتی از امّ المؤمنین عایشه رضی الله عنها درباره اخلاق ایشان سؤال شد، همین پاسخ را داد.

۲. الله متعال محمد ﷺ را در حالی که بر رحمت و مهربانی آفریده شده بودند، و با شریعتی که تمامی احکام و قوانینش رحمت و مهربانی است، مبعوث نمود.

۳. سیره درخشان و زیبای پیامبر ﷺ سرشار از درس‌هایی آموزنده و دارای اسرار فراوانی است؛ از جمله:

۱. هر اندازه درباره سیره نبوی نوشته و گفته شود، پایانی ندارد؛
۲. ستم بر مقام نبوت هم باعث انتشار فضایل پیامبر ﷺ می‌گردد؛
۳. الله تعالی مردم را در توجّه به سیره نبوی، به چند گروه تقسیم نمود؛
۴. هدف اصلی بررسی سیره نبوی، فقط برطرف نمودن نیاز علم و درس نیست؛
۵. سیره نبوی بیشترین تاثیر را در اصلاح رفتار و رشد احساسات شرافتمندانه دارد؛

۶. سیره نبوی برای تمامی مردم با وجود اختلاف در احوال، معلوم و مشخص است و تاثیرات آن از تمامی جنبه‌ها برایشان روشن است؛
۷. صحیح‌ترین سیره پیامبری فرستاده‌شده و مصلحی بزرگ در طول تاریخ به شمار می‌رود؛
۸. سیره نبوی بیانگر تصویر یک انسان و نه یک اسطوره است.

۵-۶. بشارت موسی و عیسی ﷺ به بعثت محمد ﷺ

- أ. پیامبری بزرگ همچون محمد ﷺ با عمومیت بعثت و جودانگی دین و شریعت خویش، سزاوار است که الله متعال رسولان و پیامبرانش را از بعثت ایشان باخبر سازد و برخی از صفات و نشانه‌های این پیامبر را برایشان بیان نماید و از آنان عهد و پیمان گیرد که به اقوام و پیروانشان مژده ظهور پیامبر ﷺ را بدهند و آنان را به پذیرش دعوت و فرمانبرداری شایسته ایشان توصیه و سفارش نمایند.^(۱) و بدون تردید این موضوع محقق شد.
- ب. بزرگ‌ترین بشارت به نبوت محمد ﷺ توسط دو پیامبر اولوالعزم؛ یعنی موسی و عیسی ﷺ صورت گرفت، که در شرح تحقیق حاضر، برخی از بشارت‌های قرآنی و اخبار کتاب‌های آسمانی پیشین آورده شده است.

۶-۶. سخنان افراد باانصاف غیرمسلمان دربارهٔ محمد ﷺ

هر فرد عاقل و منصفی قطعاً از بزرگی پیامبر ﷺ شگفت‌زده می‌شود و آنچه را ایشان آورده‌اند، تصدیق می‌نماید، زیرا دلایل فراوانی بیانگر بزرگی و گویای صداقت رسول الله ﷺ است.

در میحث مرتبط به این موضوع، برخی از سخنان و تاییدات افراد منصف غیرمسلمان دربارهٔ پیامبر ﷺ بیان شده است؛ افرادی همچون: فیسلوف مشهور انگلیسی «توماس کارلایل»، کنت هنری دی کاستری؛ یکی از وزیران فرانسه، استاد «سیدیو» فرانسوی؛ یکی از بزرگان غرب و وزیر سابق فرانسه، استاد خاورشناس «دوزی» و شاعر فرانسوی «لامارتین».

هر یک از افراد فوق، سخنان و مطالب زیبایی را در توصیف رسول الله ﷺ بیان کرده‌اند.

۷. مطالبی درباره علم غیب

۷-۱. مقدمه

ایمان به غیب یکی از مهم‌ترین و خاص‌ترین ویژگی‌های مؤمنان به شمار می‌رود. آنان به تمامی اخباری که رسولان آورده و از جانب الله ﷻ رسانده‌اند، ایمان دارند.

امور قابل درک فقط منحصر به حس و ظاهر نیستند. از آنجا که ملحدان فقط حس و ظاهر را قبول دارند، امور مدرکه را منحصر به دایره محدودی نموده و آنچه توسط حس و تجربه فهمیده‌اند را ثابت و غیر آن را نفی و انکار کرده‌اند.

به همین علت، آنان علوم غیبی و آنچه رسولان آورده‌اند و در کتاب‌های آسمانی نازل شده است را انکار نموده‌اند.

این دیدگاه و گمان، از لحاظ شرعی، عقلی و تجربی باطل است، زیرا امور مدرکه محدود به آنچه توسط حس ثابت گردد، نیست و موارد دیگری و اخبار صادقانه‌ای نیز وجود دارد که برترین و مهم‌ترینشان، اخبار الله تعالی و پیامبرانش بوده و در این موارد، بیان و توضیح هر چیزی آمده است.

علوم مدرکه توسط حس در برابر علمی که رسولان آورده‌اند همچون یک قطره در دریایی پُرآب است.

علاوه بر این، اشیائی موجود است که مردم آن‌ها را قبول دارند هر چند با چشم ندیده‌اند؛ مانند روح که دیده نمی‌شود و با وجود این، اگر از بدن

خارج شود، انسان بی‌جان و بی‌حرکت می‌گردد. آیا کسی به بهانه اینکه روح از محسوسات نیست، آن را انکار و رد می‌کند؟!

برق نیز چنین است. آیا کسی برق را دیده است؟! مردم فقط اثرش را مشاهده می‌کنند. آیا ایمان و باور به وجود برق آسان‌تر و عاقلانه‌تر است یا ایمان به معبودی که آن را با سایر اسرار و موجودات هستی آفریده است؟!

۲-۲. عالم جن و شیاطین

ا. جن جهانی غیر از عالم انسان و عالم فرشتگان است و آن‌ها از لحاظ برخوردار از عقل و ادراک و قدرت انتخاب راه خیر و شر، با انسان مشترکند، ولی در چندین مورد با آنان تفاوت دارند که مهم‌ترینش، همان تفاوت در اصل است.

ب. چون مخفی و پنهان هستند و دیده نمی‌شوند، جن نام گرفته‌اند.

ت. اصل جن: الله متعال به ما خبر داده که جنیان از آتش آفریده شده‌اند:

﴿وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ﴾ [الحجر: ۲۷]

«و جن را پیش از آن، از آتش سوزان آفریدیم.»

﴿وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ﴾ [الرحمن: ۱۵]

«و جن را از شعله‌ای آتش خلق کرد.»

ث. شیطانی که الله تعالی در قرآن کریم، بسیار درباره او سخن گفته، از جنیان بوده که در ابتدا، الله متعال را پرستش می‌نمود و به همراه فرشتگان، ساکن آسمان بود و وارد بهشت شد، اما وقتی پروردگارش به وی دستور داد تا برای آدم عليه السلام سجده کند، او از روی تکبر و خودبرتربینی سر باز زد و در نتیجه، الله تعالی شیطان را از رحمتش دور و محروم ساخت.

ج. شیطان مخلوق است: با توجه به آیات قرآن و احادیث نبوی، شیطان مخلوق بوده و عقل و درک و تحرک دارد و اینکه برخی از نادانان می‌گویند ابلیس روح شری است که هر گاه بر دل انسان چیره شود، به صورت غرائز حیوانی آشکار می‌گردد و وی را از دستیابی به الگوی والای معنوی باز می‌دارد، سخن و دیدگاهی اشتباه و باطل است.^(۱)

ح. مرگ و عمر جَنیان: بدون تردید جَنیان - که شیاطین نیز از آنها هستند - می‌میرند، چون آیه زیر شامل این مخلوقات هم می‌شود:

﴿كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَإِنَّ ۖ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۗ﴾ ﴿۲۷﴾ فَبِأَيِّ

ءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿﴾ [الرَّحْمَن: ۲۶-۲۸]

«هر چه بر روی آن [زمین] است، فانی شود و [تنها] روی پروردگار ذو الجلال و گرامی توست که باقی می‌ماند. پس [ای گروه انس و جن!] کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟!»

اما از مقدار عمر آنها آگاه نیستیم مگر آنچه الله تعالی درباره ابلیس بیان فرموده که تا روز قیامت زنده خواهد ماند، چنانکه در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ۗ﴾ ﴿۱۴﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿﴾ [الأعراف: ۱۴-۱۵]

«[ابلیس] گفت: تا روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، مرا مهلت ده. [الله]

فرمود: مسلماً تو از مهلت‌یافتگانی.»

خ. محل سکونت جَنیان: آنها بر روی زمینی که ما زندگی می‌کنیم، سکونت دارند و بیشتر در خرابه‌ها و بیابان‌ها و محل نجاست؛

همچون حَمَام، توالت، زباله‌دان، قبرستان و امثال آن که جایگاه شیاطین است، جمع می‌شوند.^(۱)

احادیثی در رابطه با منع نمازخواندن در حَمَام بیان شده، زیرا محلّ نجاست و جایگاه شیطان بوده و نیز خواندن نماز در قبرستان منع شده، چون باعث شرک می‌شود.

د. قدرت جنیان: الله ﷻ به آن‌ها قدرتی که به بشر نداده است را بخشیده و ما را از برخی توانایی‌های جنیان باخبر ساخته است؛ مانند سرعت در حرکت و انتقال؛ چنانکه عفرتی از جنیان به سلیمان پیامبر ﷺ وعده داد که تخت ملکهٔ یمن را در مدتی کمتر از برخاستن یک مرد، به بیت المقدس آورد.

ذ. هدف از آفرینش جنیان: الله متعال آن‌ها را برای همان هدفی که بشر را آفرید، به وجود آورد:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذّاریات: ۵۶]

«و من جنّ و انس را فقط برای اینکه مرا عبادت کنند، آفریدم.»

بنابراین جنیان مکلف به انجام یا ترک اموری هستند و هر کسی از آنان که فرمان برد، الله ﷻ از او راضی شده و وی را وارد بهشت می‌سازد، ولی هر کس که نافرمانی و سرکشی کند، جزایش آتش دوزخ است و متون فراوانی بیانگر این موضوع هستند.

۱- الفرقان بین أولیاء الرّحمن وأولیاء الشّیطان، ابن تیمیّه، صص ۶۱-۶۳؛ أحكام الجنان، صص ۴۰-۴۳.

۷-۳. شیطان و انسان

ابلیس بر برخی از انسان‌ها مسلط می‌شود و شیاطین با افرادی که خود را تسلیم ابلیس نموده‌اند رابطه دارد و برای اطاعت از او، الله تعالی را نافرمانی می‌کنند.

همچنین با برخی از آنان نبرد و نزاع دارد. در ادامه، مطالبی در مورد رابطه شیطان با آدمی بیان می‌گردد.

ا. شیطان در [بدن] انسان، همچون جریان خون جاری است.

ب. شیاطین به قصد گمراه نمودن، بر انسان‌ها مسلط می‌شوند و الله تعالی بر اساس حکمت و تقدیر ازلی خویش، به آن‌ها قدرت داده است.

با وجود این، تسلط شیاطین بر حسب قوت یا ضعف ایمان آدمی و آگاهی او، قوی یا ضعیف می‌گردد؛ هر اندازه ایمان و هوشیاری انسان بیشتر گردد، به همان مقدار تسلط شیطان کم و ضعیف می‌شود و بالعکس. بنابراین شیاطین از برخی جنبه‌ها، قوی و از برخی جنبه‌ها ضعیفند. الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ۷۶]

«قطعا نیرنگ [و نقشه] شیطان همواره ضعیف است.»

ت. اگر بنده اسلام را به خوبی بپذیرد و ایمان در دلش جای گیرد و حدود الهی را رعایت نماید، قطعا ابلیس از او می‌ترسد و فرار می‌کند.

ث. هدف نهایی شیطان: ابلیس تلاش می‌کند که انسان را به دوزخ بیندازد و او را از بهشت محروم سازد.

اگر به این هدف نرسد، به دنبال اهدافی پایین‌تر می‌گردد.

ج. ابلیس شیوه‌هایی متفاوتی را برای فریب و گمراه نمودن بندگان در پیش می‌گیرد؛ همچون آراستن باطل، نامیدن امور حرام با عناوین مورد پسند و محبوب، کم‌کم و به تدریج گمراه‌ساختن و نفوذ از میان کمین‌گاه‌های ضعفی که بر انسان عارض می‌شود.

ح. شیوهٔ نفوذ شیطان به دل انسان: این کار از طریق وسوسه صورت می‌گیرد. شیطان می‌تواند از طریقی که ما نمی‌فهمیم و از چگونگی آن خبر نداریم، به فکر یا دل انسان برسد.

خ. اسلحهٔ مؤمن در نبرد علیه شیطان: علی‌رغم دشمنی فراوان و بزرگی نیرنگ شیطان و حرص او بر گمراه‌ساختن انسان‌ها، در برخی موارد، خسته و دور و ذلیل و زبون می‌گردد؛ یعنی هنگامی که انسان از اسباب حفاظت از شرّ ابلیس استفاده نماید که به طور خلاصه، برخی از آن اسباب عبارتند از: رعایت احتیاط، پایبندی به آنچه در قرآن و سنت آمده است، پناه‌بردن صادقانه به الله ﷻ از شرّ شیطان، مداومت بر ذکر الهی، شناخت شیوه‌های شیطان، بهره‌گیری و فراگیری علم نافع، عجله برای توبه و استغفار و سایر عواملی که برای دورنمودن شیطان تعیین شده است.^(۱)

فلسفهٔ خلقت شیطان: آفرینش ابلیس، دلایل و حکمت‌های فراوانی داشته، که در مبحث مربوط به آن در اصل این کتاب، بیان گشته و مهم‌ترین آن‌ها، تحقق ابتلا و آزمایش مخلوقات و آشکارشدن قدرت پروردگار بر آفرینش موجودات متضاد و مختلف است.

۷-۴. مرگ، برزخ و قبر

أ. مرگ مخالف و نقیض زندگی و به معنای قطع رابطه روح با بدن و جداشدن آن و ایجاد مانع در میان آن دو و تغییر وضعیت و انتقال از یک منزل به منزلی دیگر است.^(۱)

ب. برزخ یعنی منزل پس از مرگ تا هنگام برانگیخته شدن.

ت. قبر، محل دفن انسان است و فتنه قبر یعنی پرسش دو فرشته پس از دفن میت، درباره پروردگار، دین و پیامبر او.

ث. چگونگی فتنه قبر: وقتی مرده در قبر نهاده می شود، روح به بدنش باز می گردد و از وی سؤال شده و گفته می شود: پروردگار تو کیست؟ دین تو چیست؟ و پیامبرت چه کسی است؟

انسان مؤمن می گوید: پروردگارم، الله و دینم اسلام و پیامبرم محمد ﷺ است.

أما الله ﷻ ظالمان را گمراه نموده و شخص کافر می گوید: هاه، هاه نمی دانم.

انسان منافق و مردّد نیز می گوید: نمی دانم؛ من از مردم چیزی شنیدم و همان را بر زبان آوردم.

ج. نعیم و عذاب قبر: یعنی نعمت‌ها یا عذابی که در قبر وجود دارد و نتیجه فتنه قبر است. بنابراین نعمت‌های آن، مخصوص مؤمنان صادق و عذابش مختص منافقان و کافران ظالم است.

ح. ایمان به عذاب و نعمت‌های قبر بدون کیفیت است.

خ. عذاب و نعمت‌های قبر شامل افراد مدفون در قبر و غیر آن می شود، اما به اعتبار غالب و اصل، عذاب و نعمت‌های قبر گفته شده است.^(۱)

۵. عذاب و نعمت‌های قبر هم به بدن و هم به روح می‌رسد.
۶. عذاب بر دو نوع است: نوعی از آن دائمی و نوع دیگر موقتی و برای برخی از گنهکاران است.
۷. به طور خلاصه و کلی می‌توان گفت که عدم‌شناخت نسبت به الله تعالی، سرپیچی از دستورات او و ارتکاب گناهان باعث عذاب قبر می‌شوند.
- و اسباب نجات از آن، بر عکس موارد فوق است.^(۲)

۵-۲. نشانه‌های قیامت

- أ. بدون تردید قیامت بسیار نزدیک است و خواهد آمد و فقط الله عز وجل از زمان وقوع قیامت باخبر است.
- ب. دیدگاه صحیح دربارهٔ نشانه‌های قیامت: باید به آنچه در متون شرعی دربارهٔ قیامت آمده است، ایمان بیاوریم و نباید خود را مکلف به درخواست قیامت و تطبیق آن بر واقعیت سازیم.
- بلکه باید تفسیر قیامت را به واقع بسپاریم؛ یعنی وقوع آن به صورتی است که در متون شرعی بیان شده و بر این اساس، بدون دلیل و از روی ناآگاهی سخنی بر زبان نمی‌آوریم.
- این شیوه باعث نجات و رستگاری و پیروی از پیشینیان صالحی است که به آن متون ایمان آوردند و با رعایت صداقت و امانتداری، آن‌ها را به ما رساندند و گمان خویش را برای تعیین زمان قیامت به کار نبردند و بر اساس رأی و عقل محض، مقدمه‌چینی و نتیجه‌گیری نکردند.

۱- همان، ص ۴۰۰.

۲- همان، ص ۱۳۴.

همچنین بدین وسیله، به عمل برخی مردم دچار نمی‌شویم که متون موجود درباره شرایط آخر الزمان و نشانه‌های قیامت و احوال زمان ما را به هم ربط داده و نتایجی گرفتند که منجر به فتنه‌هایی بزرگ و شکستن حرمت‌ها شده است.

خلاصه سخن در موضوع فوق این است که به متون شرعی ایمان داریم و تفسیر آن را به واقع و حقیقت واگذار می‌کنیم.^(۱)

ت. **أشراط الساعة**: یعنی همان نشانه‌ها و علائم پیش از قیامت که بیانگر نزدیکی و برپایی آن و اتمام دنیا هستند.^(۲)

ث. **انواع نشانه‌های قیامت**: این علائم بر دو نوع هستند:

- **نشانه‌های صغری**: علائمی که سال‌هایی طولانی پیش از فرارسیدن قیامت آشکار می‌گردد و مرسوم و متداول است.

- **نشانه‌های کبری**: امور مهم و بزرگی که نزدیک قیامت به وقوع می‌پیوندند و مرسوم و رایج نیستند؛ همچون ظهور دجال، نزول سیدنا عیسی، خروج یاجوج و مأجوج و طلوع خورشید از سمت مغرب.^(۳)

وقتی یکی از آن‌ها آشکار گردد، علائم دیگر نیز پس از آن به وقوع می‌پیوندند و فاصله‌ای در میانشان نیست.^(۴)

در مبحث مربوط به نشانه‌های قیامت در اصل این تحقیق، شرح و توضیح هر یک از علائم کبرای قیامت آمده است.

۱- المهدة حقيقة لآخرة، محمد بن اسماعیل، ص ۱۸۱.

۲- نک: معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۶۰؛ التذكرة، ص ۷۰۹؛ لسان العرب، ج ۷، ص ۳۲۸؛ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۷۹.

۳- نک: التذكرة، صص ۷۰۹-۷۱۰؛ أشراط الساعة، ص ۷۷.

۴- نک: القيامة الصغری، صص ۲۱۷-۲۱۸؛ أشراط الساعة، ص ۲۴۵.

۸. مطالبی درباره گناهان، توبه و دعا

۸-۱. گناهان [ذنوب]

- أ. ذنوب جمع «ذنب» به معنای گناه و جرم و معصیت است.
- ب. چندین تقسیم برای گناهان بیان شده است؛ از جمله اینکه تقسیم به صغیره و کبیره می‌شوند.
- ت. گناهان و معاصی پیامدهایی وخیم، ضررهایی بزرگ، نتایجی مخرب و عقوبات فراوانی در دنیا و آخرت، بر فرد و جامعه دارند. در اصل تحقیق پیش رو، در مبحثی که به همین موضوع اختصاص یافته، برخی از پیامدها و ضررهای گناهان بیان شده است.

۸-۲. توبه

- أ. توبه یعنی ترک گناه با آگاهی از بدی و زشتی آن و پشیمانی بر انجامش و تصمیم قطعی به انجام‌دادن دوباره آن در صورت توان و جبران اعمالی که امکان جبران آن‌ها وجود دارد و ادای فرائضی که ضایع شده است؛ به صورت مخلصانه، امید به پاداش و ترس از عذاب الهی و به شرط اینکه توبه پیش از فرارسیدن مرگ و طلوع خورشید از سمت مغرب باشد.^(۱)

۱- نک: مدارج السالکین، ابن قیم، ج ۱، صص ۱۱۳-۱۹۹؛ فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، ج ۱۱، ص ۱۰۶.

ب. بدون تردید الله ﷻ - با فضل و کرم خویش - دروازه توبه را گشود، زیرا فرمان به این کار داد و مردم را تشویق نمود و وعده پذیرش توبه را داد؛ فرقی نمی‌کند که از طرف کافران، مشرکان، متافقان، مرتدان، تجاوزکاران، ملحدان، ستمکاران یا گنهکاران مقصر صورت گیرد. توبه، فضائی بسیار مهم و اسراری جذاب و زیبا و فواید متعددی دارد، که برخی از آنها در مبحث مرتبط به این موضوع، مورد بررسی قرار گرفته است.

۸-۳. دعا

- أ. دعا یعنی درخواست با تضرع از الله تعالی و تمایل به خیراتی که در نزد اوست و تقاضا و التماس برای برآورده ساختن مطلوب و نجات از بدی و شیء ناپسند.^(۱)
- ب. دعا دارای فضائی بزرگ، نتایجی مهم و اسراری بدیع و جذاب است؛ از جمله اینکه: دعا عبادت است، بارزش‌ترین کار در نزد الله متعال به شمار می‌رود، باعث گشایش سینه و آسایش فرد و دفع بلا و مصیبت می‌شود.
- ت. دعا شروطی دارد و برای اجابت و پذیرش آن در نزد الله تعالی باید این شروط را دارا باشد. تعدادی از این شروط در مبحثی که به همین موضوع اختصاص داده شده، بیان گشته است.
- ث. برای تکمیل دعا نیاز است که آدابی رعایت گردد، و این موارد نیز در کتاب اصلی آورده شده است.

۹. نظام سیاسی در اسلام

۹-۱. مفهوم نظام سیاسی

- أ. نظام سیاسی اسلام بخشی از شریعت اسلامی به شمار می‌رود؛ یعنی همان شناخت نظام حکومت، شیوه انتخاب حاکم و حقوق و تکالیف او، شناخت حقوق و تکالیف مردم، رابطه میان حاکم و رعیت و ارتباط میان دولت‌ها در شرایط جنگ و صلح بر اساس شریعت اسلام.
- ب. نظام سیاسی اسلام ویژگی‌هایی دارد؛ مانند الهی بودن، عمومیت، جهان‌شمولی، میانه‌روی، واقع‌گرایی و تناسب با فطرت.

۹-۲. قضاوت در اسلام

- أ. مفهوم شرعی قضاوت: یعنی تبیین حکم شرعی و الزام به آن و حلّ اختلافات.^(۱)
- ب. جایگاه و اهمیت قضاوت: این موضوع جایگاهی بزرگ و اهمیت فراوانی دارد، زیرا از ضروریات حکومت و یکی از بزرگ‌ترین پایه‌های هر دولتی به شمار می‌رود و مصلحت مردم وابسته به وجود قضاوت و توجه به آن است.
- اگر قضاوت از بین برود، جامعه فرو می‌پاشد، کارها خراب می‌شود، حقوق تباه می‌گردد و هرج و مرج رواج می‌یابد.

۱- نک: شرح منتهی الإرادات، بهوتی، ج ۶، ص ۴۶۲؛ مزیل الداء عن أصول القضاء، عبدالله بن مطلق فهید، ص ۱۱.

- ت. قضاوت اهدافی دارد که در کتاب اصلی، ۱۰ مورد بیان شده است.
- ث. این مسؤولیت، شروط متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها قدرت و امانت است و در مبحث مربوط به این موضوع، شروط آن روشن گشته است.
- ج. عالمان از آدابی نام برده‌اند که شایسته است قاضیان برای اینکه قضاوتشان کامل و باهدف و بدون ضرر و فساد گردد، برخوردار از آن‌ها باشند؛ در این زمینه، ۱۴ مورد بیان شده است.
- ح. دین اسلام بر استقلال قضاوت و قاضی تاکید فراوانی دارد. هدف از این کار، استواری و حفاظت قضاوت و قاضی و نیز آزادی وی در حکم و اثبات حقیقت و منع دخالت در احکام وی و دورساختنش از عوامل تاثیرگذار بیرونی و سیاسی و فردی است.

۹-۳. مشورت در اسلام

- أ. مشورت یعنی گرفتن نظر و دیدگاه صاحب‌نظران و بررسی و مقایسه آن‌ها برای رسیدن به حقیقت موضوعی از مسائل.^(۱)
- ب. اصطلاح «شوری» به همان معنای عام خود که مربوط به نظام حکومت‌داری در اسلام است، در دو آیه از قرآن کریم بیان شده است؛ یعنی در سوره مبارکه «شوری» و «آل عمران».
- ت. عبارتی از قرآن و سنت وجود ندارد که روش و طریقه اجرای مشورت را برای ما روشن و معین سازد.

۱- نک: النّظام السّیاسی فی الإسلام، عبدالعزیز خیاط، ص ۸۹؛ النّظام السّیاسی فی الإسلام، سعود آل سعود و دیگران، ص ۱۳۴؛ الشّوری فی الإسلام بین النّظریة والتّطبیق، عبدالله موجان، صص ۱۶-۱۷.

همچنین نصّی وجود ندارد که مسلمانان را ملزم به تعیین تعداد معینی از افراد برای مشورت نماید یا اینکه ویژگی‌هایشان و شیوه مشورت با آنان را بیان کند.

این موارد بیانگر انعطاف و آسان‌گیری دین اسلام است. بنابراین مشورت وابسته به مصلحت زمانی و مکانی و بر حسب شرایط جوامع است.

بر این اساس، دانسته می‌شود که مهم اجرای مشورت در جامعه اسلامی با هر وسیله ممکن که مخالف شریعت نباشد، است.^(۱)

ث. مشورت در برخی امور با دموکراسی، مشترک و در برخی موارد، متفاوت است. این مسأله در اصل تحقیق پیش رو مورد بررسی قرار گرفته است.

ج. در سیره نبوی، نمونه‌های بسیاری از مشورت وجود دارد. این نمونه‌ها نیز در همان جا بیان شده است.

۱- نک: التّظام السّیاسی فی الإسلام، سعود آل سعود و دیگران، ص ۱۴۸.

۱۰. نظام اقتصادی در اسلام

أ. تعریف نظام اقتصادی در اسلام: مجموعه احکام و سیاست‌های شرعی درباره مال و تصرف انسان در آن.^(۱)

ب. منابع نظام اقتصادی اسلام: قرآن، سنت، اجماع، قیاس، سد ذرائع و عرف.

ت. ایمان محور اصلی و ستون اول هر یک از جوانب و فرصت‌های اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود. اقتصاد اسلامی در اصل و حقیقت خود، فرع و شاخه‌ای از فروع عقیده ایمان بوده و نقش آن، حمایت از این اعتقاد و گسترده‌ساختن ریشه‌ها و انتشار نور آن است و نمونه‌هایی عملی برای اجرایش به وجود می‌آورد و اهدافش را در زندگی واقعی برآورده می‌سازد.

ث. نظام اقتصادی اسلام به دنبال تحقق اهدافی بوده که بارزترین آن‌ها از این قرار است: تحقق شرایط مناسب و امکانات کافی زندگی، سرمایه‌گذاری بهینه برای تمامی منابع اقتصادی، کاهش تفاوت فراوان در توزیع ثروت و درآمد و تحقق قدرت مادی و دفاعی مسلمانان.

ج. اقتصاد اسلامی ویژگی‌های متعددی دارد که باعث تمایز آن از سایر نظام‌های اقتصادی شده و مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است: پذیرش مالکیت فردی، اتکا بر آزادی مشروط اقتصادی، متکی بودن بر تعهد و همبستگی میان تمامی مسلمانان، این کار نوعی عبادت است،

هدفی والا و جامع میان آخرت و دنیا دارد و اقتصاد اسلامی باعث ایجاد تعادل میان مصلحت فرد و جامعه می‌شود.^(۱)

ح. مفهوم شرعی ربا: یعنی زیادتی یا نسیه در برخی اشیا که شریعت این کار را حرام کرده است.^(۲)

خ. ربا بر دو نوع است: نوع اول: ربای در نسیه که چندین صورت دارد؛ از جمله: زیادت در قرض در مقابل زیادت در مدّت؛ یعنی همان زیادت مشروط. نوع دوم: ربای فضل: یعنی معامله ربوی دو کالای هم‌جنس با زیادتی فوری یا تاخیری در یکی از آن دو.

د. مواردی که امکان تحقق ربا در آن‌ها وجود دارد: پیامبر ﷺ در این باره فرمودند: «الذَّهَبُ بِالذَّهَبِ، وَالْفِضَّةُ بِالْفِضَّةِ، وَالْبُرُّ بِالْبُرِّ، وَالشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ، وَالتَّمْرُ بِالتَّمْرِ، وَالمِلْحُ بِالمِلْحِ، مِثْلًا بِمِثْلٍ، سَوَاءً بِسَوَاءٍ، يَدًا بِيَدٍ، فَمَنْ زَادَ، أَوْ اسْتَزَادَ، فَقَدْ أَرَبَى، فَإِذَا اخْتَلَفَتْ هَذِهِ الْأَصْنَافُ، فَيَبْعُوا كَيْفَ شِئْتُمْ، إِذَا كَانَ يَدًا بِيَدٍ»^(۳)؛ «طلا با طلا، نقره با نقره، گندم با گندم، جو با جو، خرما با خرما، نمک با نمک، مثل به مثل و با یکدیگر برابر و دست به دست [معاوضه می‌شوند]. پس اگر کسی افزود و یا افزون طلبید، قطعاً مرتکب ربا شده است. و زمانی که این انواع مختلف بود، هر گونه که خواستید، معامله کنید اگر دست به دست انجام شد.»

ذ. علّت ربا: در حدیث قبلی، پیامبر ﷺ انواع ششگانه مذکور را به صراحت بیان فرمودند و آنچه از لحاظ علّت با آن‌ها مشترک باشد نیز

۱- نک: النّظام المالي والاقتصادي في الإسلام، ص ۵۸.

۲- نک: الإقناع، حجاوی، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳- صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۹۷۱.

حرام و ممنوع است. علّت از این قرار است:

طلا و نقره: علّت در آن‌ها ثمن و پول بودن است، زیرا اشیا با طلا و نقره قیمت‌گذاری می‌شوند و از این رو، هر آنچه ثمن باشد؛ مانند اسکناس‌های رایج بر آن‌ها قیاس می‌شود، چون ربا در این موارد صورت می‌گیرد و اشیا با آن‌ها قیمت‌گذاری می‌شوند و در نتیجه، حکم طلا و نقره را دارند.

چهار نوع دیگر: بنا بر قول صحیح، علّت در آن‌ها، طعام بودن به همراه کیل یا وزن است. بنابراین غذاهایی که کیل یا وزن می‌شوند، با قیاس بر چهار نوع مذکور در حدیث فوق - گندم، جو، خرما و نمک -، امکان وجود ربا در آن‌ها می‌رود.

ر. بر اساس دلایلی از قرآن و سنّت و اجماع، ربا حرام و گناه کبیره است.

ز. فلسفه تحریم ربا: دلایل متعدّدی در زمینه تحریم ربا وجود دارد؛ از جمله: دوری از ستم و خوردن اموال مردم به ناحق، ربا باعث تنبلی و بیکاری می‌شود، این کار انسان را آزمند و حریص می‌گرداند و اخلاق پسندیده را نابود می‌سازد و پیامدهای ویرانگر جانی و بهداشتی دارد.

س. مفهوم احتکار: از دیدگاه فقیهان، احتکار یعنی نگهداشتن غذا یا سایر کالاهایی که مردم به آن‌ها نیاز دارند به قصد اینکه گران شود. این اصطلاح در اقتصاد وضعی به معنای تسلّط بر مال یا درخواست کالا به منظور رسیدن به بیشترین سود ممکن و نیز کنترل این نوع کالا برای هدفی غیر انسانی.^(۱)

ش. ضررهای احتکار: به طور خلاصه می‌توان گفت که ضررهای احتکار از این قرار است:

- بالارفتن قیمت کالاها و خدمات؛
 - کنترل و در اختیارگرفتن هر چند اندک قیمت موادّ خام و کالاهای ساخته‌شده؛
 - توقّف جنبه‌های فنّی به سبب نبود رقابت عادلانه؛
 - محدودشدن و کاهش تولید در بسیاری از مواقع؛
 - برطرف‌نشدن نیازهای مردم به اندازه کافی؛
 - تلاش برای تحقیر مردم و غلبه بر آنان.
- ص. احادیث فراوانی بیانگر حرمت این کار هستند.
- ض. احتکار مباح: موارد زیر از این قبیل است:

- آنچه انسان برای امرار معاش خویش و خانواده‌اش ذخیره می‌کند مگر در زمان بحران و سختی که مردم در ذخیره موادّ ضروری زیاده‌روی می‌کنند و این احتکار ناجایز است؛
- آنچه ذخیره می‌شود تا در آینده مصرف گردد، چون امکان دارد که تولید آن فصلی باشد، امّا در تمامی ایّام سال مصرف شود؛ مانند حبوبات یا خرما؛

آنچه دولت برای مواقع بحران، در نظر می‌گیرد تا از تولیدکنندگان و مصرف‌کننده‌ها حمایت کند؛ همچون ذخیره استراتژیک و راهبردی سوخت و حبوبات.^(۱)

۱- نک: فقه السنّة، سیّد سابق، ج ۳، ص ۲۶۷؛ النّظام المالي والإقتصادي في الإسلام،

۱۱. نظام اجتماعی در اسلام

۱-۱۱. مفهوم اجتماع و زندگی اجتماعی در اسلام

أ. جامعه بشری: یعنی مجموعه‌ای از مردم که از چندین فرد تشکیل شده است.^(۱)

ب. جامعه اسلامی: سکونت و اجتماع گروهی از مسلمانان در سرزمین خودشان بر اساس رابطه اسلامی که امورشان در پرتو قوانین و احکام اسلام است و سرپرست و حاکم آنان اداره امورشان را بر عهده دارد.^(۲)

امت اسلامی: گروه‌هایی از مردم که اعتقاد اسلام آنان را با یکدیگر جمع نموده است و صرف‌نظر از هر نوع اعتبار و معیار دیگری.

۱۱-۲. جایگاه همسایه در اسلام

أ. مفهوم اصطلاحی جار: یعنی فردی که نوعی همسایگی شرعی با تو دارد؛ فرقی نمی‌کند که مسلمان یا کافر، نیک یا بد، دوست یا دشمن، نیکوکار یا بدکار، مفید یا مضر، خویشاوند یا بیگانه و شهری یا روستایی باشد.

۱- نک: أصول النّظام الإجماعی فی الإسلام، محمّد بن عاشور، ص ۳۹.

۲- همان، صص ۱۳-۱۴.

همسایگی مراتبی دارد که برخی از آن‌ها بالاتر از برخی دیگر بوده و بر اساس نزدیکی، خویشاوندی، دیانت، تقوا و سایر صفات همسایه، تغییر می‌کند و بر اساس شرایطش، مستحقّ حقوقی است.^(۱)

ب. مفهوم همسایه و همسایگی - در اسلام - منحصر بر همسایگی از لحاظ مسکن نمی‌شود، بلکه عام‌تر از این بوده و همسایگی در محلّ تجارت، بازار، مزرعه، مدرسه و مکان درس و سفر نیز وجود دارد.

ت. بدون تردید اسلام در مورد همسایه توصیه نموده و جایگاهش را بلند گردانیده است. از دیدگاه دین اسلام، همسایه حرمت و حقوق فراوانی دارد که قوانین اخلاقی و احکام بشری از آن‌ها آگاه نیستند. از دیدگاه اسلام، حقوق همسایه آن قدر مهم بوده که الله تعالی این مطلب را در کنار عبادت و توحید خویش و نیکی به والدین و یتیمان و خویشاوندان بیان فرموده است.

ث. حقوق همسایه به طور جزئی، بسیار زیاد است، امّا حقوق اصلی وی بر چهار نوع بوده و از این قرار است: خودداری از آزار و اذیت همسایه، حمایت از وی، نیکی به او و تحمّل آزار و اذیت همسایه.

۱۱-۳. صلۀ رحم

أ. صلۀ رحم کنایه از نیکی به خویشاوندان نسبی و سببی و مهربانی و نرمی با آنان و توجّه به شرایطشان است، هر چند آنان دوری و بدی کنند. و قطع صلۀ رحم یعنی عکس و خلاف موارد فوق.^(۲)

۱- نک: لسان العرب، ج ۴، صص ۱۵۳-۱۵۴؛ فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، ج ۱۰،

صص ۴۵۵-۴۶۱.

۲- همان؛ همان.

ب. صلۀ رحم از چندین طریق شکل می‌گیرد، که برخی از آن‌ها در اصل و شرح این کتاب، بیان شده است.
 ت. شریعت اسلام فضایل صلۀ رحم را بیان نموده و متون فراوانی از قرآن و سنت در این زمینه نقل شده است.

۱۱-۴. کرامت انسان و معیار عدالت و کرامت در اسلام

أ. بدون تردید دین اسلام آدمی را بسیار گرامی داشته و هیچ یک از نظام‌های دنیوی چنین کرامتی برای انسان قائل نشده‌اند. دلایلی از قرآن و سنت بیانگر و گواه بر این مطلبند.

آیه زیر در این زمینه کافی است که الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَجْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ

الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰]

«و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] حمل کردیم و از انواع [روزی‌های] پاکیزه به آنان روزی دادیم و قطعا آدمیان را بر بسیاری از موجوداتی که آفریده‌ایم، برتری بخشیدیم.»
 این از فضل و احسان بی‌شمار الله تعالی است که آدمی را با تمامی انواع اکرام، گرامی داشته است؛ یعنی با علم، تشخیص، عقل، چهره، فرستادن پیامبران ﷺ، نازل کردن کتاب‌های آسمانی و تصرف و تسلط انسان بر آنچه در زمین است.^(۱)

ب. عدالت یعنی دادن حق به صاحبش، به گونه‌ای که بتواند خود یا نماینده وی آن را بگیرد و نیز به معنای تعیین حق از لحاظ قولی و عملی برای اوست.

۱- نک: محاسن التأویل، قاسمی، ج ۱۰، صص ۲۵۰-۲۵۱؛ تفسیر السّعدی، ص ۴۶۳.

عدالت اصل جامع تمامی حقوق به شمار می‌رود و همهٔ ادیان الهی و انسان‌های حکیم بر خوب‌بودن عدالت توافق دارند و بزرگان امت‌ها با ادّعی رعایت عدالت، افتخار می‌کردند.

ت. عدالت از دیدگاه اسلام، ارزش فراوانی دارد و یکی از اصول نظام اجتماعی آن به شمار می‌رود.

متون فراوانی از قرآن و سنّت بیانگر فضیلت عدالت بوده و جزئیاتش را شرح داده و مردم را از ضدّ آن؛ یعنی ستم و پیروی از تمایلات نفسانی بر حذر داشته‌اند.

برای آگاهی از جزئیات عدالت باید به دلایل شرعی رجوع کنیم، زیرا عدالت اصطلاحی کلی و جامع است.

ث. در ادامه، برخی از سخنان و مطالب شرعی دربارهٔ عدالت بیان می‌گردد:

- الله ﷻ فرمانی قطعی برای اجرای عدالت صادر نموده است؛
- الله متعال هنگام فرمان به اجرای عدالت، مردم را از مخالفت با آن بر حذر داشته است؛
- تنوع فرمان به عدالت و عمومیت آن؛
- برحذر داشتن از سستی در اجرای عدالت؛
- دین اسلام احکام امور و اعمال را بیان نموده است؛
- تعیین قاضیان در دین اسلام؛
- فرمان به عدالت شامل تمامی افراد امت می‌شود.

ج. اکرام بر پایهٔ عدالت و دادن حقّ هر مستحقّی بدون کم و کاستی و ستم است. بنابراین طائفه‌گرایی و نژادپرستی جایی در اسلام ندارد و از دیدگاه این دین، نژاد و جنس و رنگ و محلّ سکونت هیچ فضیلتی ندارد و معیار برتری و اکرام قرار نمی‌گیرند.

بلکه معیار اصلی تقوا و کمالاتی است که انسان را متمایز و مشخص می‌سازد.

۱۱-۵. اصول اخلاقی و نقش آن در ساخت جامعه

ا. جامعه زمانی سر و سامان می‌گیرد که بیشتر افرادش مکارم اخلاقی را رعایت نمایند و این موضوع در بیشتر تصرّفات و امورشان جاری باشد، چون معیار مکارم اخلاق تزکیهٔ نفس انسانی و خوگرفتن و عادت عقل بر فهم فضایل و تشخیص آن‌ها از رذیلت‌ها و تمرین آن بر فراگیری فضایل و دوری از رذایل است.

ب. یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایه‌های دعوت اسلام برای مکارم و تهذیب اخلاق، توجّه آن به تربیت و کمال نفس و عادت‌دادنش بر پیروی از هدایت و ارشادی است که عقل سلیم بر حقیقت و اصلاح و فایدهٔ آن گواهی می‌دهد.

ت. بررسی دستورات و ممنوعات اسلام، باعث می‌شود که به خوبی‌ها و ارزش دین اسلام پی ببری و بدانی که این آیین، دین سعادت و رستگاری است و آدابی دقیق و لطیف و رفتاری نیک و زیبا در حوزهٔ امور فردی، خانوادگی، همسایگی، مسلمانی و امور مربوط به تمامی مردم را به انسان آموخته که باعث خوشی زندگی و سرور و شادی وی می‌شود.

وضعیت بد برخی از مسلمانان تو را به شک نیندازد و نفریب، زیرا این حالت نتیجهٔ تمایلات خودشان و نه برخاسته از طبیعت دینشان است.

ث. محاسن دین اسلام به طور واضح از طریق دقت در اوامر و نواهی آن روشن می‌گردد، که بسیاری از این اوامر و نواهی، در مبحث مرتبط به این موضوع در اصل تحقیق پیش رو آورده شده است.

ج. در آنجا، فضایل مهم و اصول اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است؛ مانند صبر، عفت و پاکدامنی، عزت نفس، سخاوت، شجاعت و وفا.

۱۱-۶. دوستی و مصاحبت در اسلام و رابطه مسلمانان با دیگران

أ. اسلام با وجود گستردگی و قوانین حکیمانه‌اش، از موضوع رفاقت و همنشینی غافل نشده است.

بلکه به رفاقت شایسته توجه نموده و دیگران را تشویق به آن کرده و شروطی که ضامن بقا و ایجاد نتایج مفیدش خواهد بود را تعیین نموده است.

ب. یکی از موارد اهتمام و توجه اسلام به مسأله مذکور، این است که تشویق نموده فرد مسلمان آنچه برای خود می‌پسندد را برای برادر مسلمانش بخواهد و می‌پسندد که برادر مسلمانش را بر خویش ترجیح دهد هر چند خودش نیاز شدیدی داشته باشد.

همچنین دین اسلام مردم را به همراهی و دوستی با همنشین صالح تشویق نموده و بیان شده که رفاقت شایسته و نیک پس از مرگ نیز باقی می‌ماند و صداقت خالصانه دارای پاداش بسیاری است.

ت. ارتباط مسلمان با کافران و مشرکان بر اساس احسان، نیکی، انعام، عدالت و خواستن خیر و هدایت برای آنان است.

در سایه ارشادات قرآنی، اهل کتاب در کنار مسلمانان زندگی کردند و خود آنان و آبرو و اموالشان در امنیت کامل بودند.

و بلکه رفتار و عدالتی که در میان خویشاوندان و هم‌کیشان و ملت خود نیافته بودند را از مسلمانان دیدند.

زمانی که این رفتار پسندیده و عدالت و اخلاق مسلمانان را دیدند، به دین اسلام علاقمند شدند و از روی میل و یقین اسلام را پذیرفتند.

۱۱-۷. نظام خانوادگی در اسلام

- أ. اسلام توجّه زیادی به خانوادهٔ مسلمان کرده و حقوقی را برای همسررداری تعیین نموده که آن را در الفتی صادقانه و زندگی مورد پسندی قرار می‌دهد و تمامی حقوق والدین و فرزندان را مشخص کرده و بر دوش هر یک از افراد خانوادهٔ مسلمان، امانتی گذاشته که در حضور پروردگار جهانیان دربارهٔ آن سؤال خواهد شد.
- ب. بدون تردید اسلام مقام زن را والا گردانیده و هیچ آیینی همچون دین اسلام وی را گرامی نداشته است. در مبحث مربوط به این موضوع؛ یعنی در شرح کتاب پیش رو، نمونه‌هایی از این اکرام در جنبه‌های مختلف بیان شده است.
- ت. ازدواج در اسلام، رابطه‌ای مقدّس و پیمانی محکم به شمار می‌رود که فطرت‌های سلیم متمایل به آن بوده و شرایع استوار مردم را به سوی آن فرا می‌خوانند.
- به همین سبب، اسلام به حفاظت و اصلاح و استحکام رابطهٔ زناشویی و احاطهٔ آن با آنچه سبب پایداری و برتری‌اش شود، توجّه نموده است.^(۱)
- ث. دین اسلام جایگاه والایی را برای فرزند قائل شده و کاملاً به وی توجّه نموده و حقوقی را برایش تعیین کرده که ضامن سعادت و زندگی موفق و شرافتمندانهٔ او بوده و وی را از بدبختی و تباهی دور می‌سازد.
- در مبحثی که به همین مطلب اختصاص یافته، برخی از حقوق و احکام مربوط به فرزند بیان شده است.

۱- نک: رسائل الإصلاح، محمّد خضر حسین، ج ۱، صص ۱۷۳-۱۷۴؛ إصلاح المجتمع، بیحانی، ص ۲۸۳؛ تأخّر سنّ الزّواج، عبدالرّب نواب الدّین، صص ۱۹-۳۴.

ج. از دیدگاه اسلام، والدین حقوقی مهم و بزرگ و مقامی والا دارند. نیکی به آن دو به همراه توحید بیان شده و تشکر از پدر و مادر در کنار شکر الهی آمده و نیکی به والدین از بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین اعمال در نزد الله ﷻ و نافرمانی آنان، گناه کبیره است.

دین اسلام آداب فراوانی را برای تعامل با پدر و مادر بیان نموده است. در کتاب اصلی، مهم‌ترین حقوق والدین آورده شده است.

ح. از دیدگاه اسلام، فرزندان حقوقی بر والدین دارند. آنان امانتی بر دوش پدر و مادر هستند و نیکی به فرزندان و تلاش برای تربیت آنان، باعث ادای امانت، اما کوتاهی در تربیت فرزندان، اشتباهی روشن و خطایی گرانبار و بسیار خطرناک است. متون شرعی فراوانی بیانگر مطلب فوق بوده و در مبحث مربوط، مطالبی در این زمینه بیان شده است.

۱۲. موضع اسلام نسبت به برخی از مسائل معاصر

۱۲-۱. موضع اسلام نسبت به عقل

أ. عقل: یعنی نوری معنوی که نفس از طریق آن، علوم ضروری و نظری را درک کرده و می‌فهمد.

ب. برخی از مصادیق عقل: عقل بر علم و نیز بر ویژگی‌های خوب و بد و کمال و نقصان اشیا اطلاق می‌گردد.

ت. جایگاه عقل در اسلام: بدون تردید اسلام جایگاه و ارزش عقل را والا گردانیده و از دیدگاه این دین، عقل اساس تکلیف و معیار اهلیت است.

در بسیاری از آیات قرآن فرمان به تعقل و بررسی و تدبّر داده شده و عاقلان و اندیشمندان تحسین گشته‌اند.

علاوه بر این، آیات فراوانی در نکوهش افرادی که از عقلشان استفاده نکرده و عادت به تقلید کورکورانه دارند و بدون دلیل و آگاهی، راه پدرانشان را در پیش گرفته‌اند، آمده است.^(۱)

ث. وظیفه عقل: عقل نوری است که الله تعالی آن را در وجود انسان به ودیعت گذاشته تا اشیا و حقایق زندگی را برایش روشن سازد و انسان توسط آن، از الله و رسولش آگاه شود و از این طریق، به آسمان‌ها و زمین بنگرد و اسرار هستی را درک نماید، به خود و نشانه‌های الهی در اطرافش بیندیشد و بدین وسیله و در حدّ توان،

به بسیاری از امور اعتقادی برسد و در نتیجه، به منافع دینی و دنیوی دست یابد.^(۱)

وظیفهٔ عقل به طور خلاصه بیان گردید.

ج. محدودهٔ عقل: هر چند اسلام عقل را مهم و باارزش دانسته و وظیفهٔ مهمی را بر عهدهٔ وی گذاشته است، اما دین اسلام آن را محدود و مقید نموده تا توان عقلی در پس امور غیبی که قدرت فهم و درک حقیقت آن‌ها را ندارد، پراکنده و نابود نگردد؛ اموری مانند ذات الهی، روح، بهشت، دوزخ، کیفیت صفات الهی و ...، چون عقل بشری چارچوب معینی برای عمل دارد و اگر از آن محدوده تجاوز نماید، قطعاً گمراه خواهد گشت و گرفتار پیچ و خم‌های دشواری خواهد شد. بنابراین محدودهٔ عقل همان امور محسوس است.

ولی در زمینهٔ امور غیب نمی‌تواند نظر دهد، چون آن‌ها را درک نمی‌کند و در این باره، باید بر متون شرعی اعتماد نماید.

ح. اسلام عقل‌ها را حفاظت نموده و باارزش دانسته است: به همین سبب، نوشیدن شراب و استعمال مواد مخدر را به طور کل و نیز هر آنچه منجر به فساد عقل شود را حرام و ممنوع کرده است.

با وجود اینکه اسلام عقل‌ها را باارزش دانسته و آن‌ها را از تضاد و تناقض حفظ نموده و عاقلان را از آشفتگی فکری و تباهی و بی‌خردی حفاظت کرده است، دینی روشن و آسان و قابل اجرا بوده و دروازه‌هایش بر روی هر کسی باز است.

۱۲-۲. اسلام و علم

- أ. اسلام دین علم و حقیقت و بلکه دشمن جهل و خرافه است و قرآن کریم و سنت نبوی بر اساس علم صحیح هستند.
- ب. برخی از نمونه‌های توافق میان اسلام و علم از این قرار است:
۱. دین اسلام کسب دانش را نوعی تکلیف و واجب دانسته است؛
 ۲. نخستین عبارت نازل شده از قرآن کریم، دستور به فراگیری علم داد؛
 ۳. الله ﷻ علم و عالمان را ستوده است؛
 ۴. سازگاری اسلام با حقایق علمی؛
 ۵. توافق و هماهنگی دلایل حسی، علمی و تجربی بر صداقت مسائل و احکام دین اسلام؛
 ۶. علوم تجربی اسلام را تایید نموده و تاکید بر صحت مسائل آن دارد.

۱۲-۳. اسلام و کار

از دیدگاه اسلام، کار ارزشی فراوان و جایگاه متمایزی دارد و دین اسلام برای کار و تلاش، شیوه‌ای جذّاب و کامل ترسیم نموده که بر اساس تعادل و برابری میان حقوق کارگران و صاحبان کار است.

همچنین اسلام تاکید بر رعایت حقوق انسان و تکریم و ارزش وی دارد تا عضوی مفید در این دنیا باشد.

وضعیت کار و اشتغال از اموری است که تمدن اسلامی توجّه فراوانی به این موضوع نموده؛ آن هم با پیگیری تغییر و تحولاتش و همگام شدنش با احکام و ضوابط و توجّه بسیار بر رعایت نیازهای کارگر و کارفرما.

یکی از امتیازات سازمان کار در اسلام، اکرام کارگران و دعوت آشکار به کار حرفه‌ای و صنعت و اعتبار آن به عنوان وسیله‌ای مهم و باارزش برای هر

کس که توانایی انجامش را دارد و نیز لحاظ کردن آن به عنوان صفتی از صفات مسلمانانی که زندگی شرافتمندانه‌ای دارند، است.^(۱)

در شرح این کتاب، مطالبی دربارهٔ موضوع مذکور بیان شده و مباحث زیر مطرح گشته است:

- أ. مفهوم کار و عمل در اسلام و موارد مربوط به آن؛
- ب. دعوت اسلام؛ یعنی قرآن و سنت به کار و تلاش؛
- ت. منع تنبلی و بیکاری از سوی اسلام؛
- ث. تعیین قوانینی که باعث نظم کار می‌شود؛ مانند قرارداد، نوع کار، مدت آن، حقوق و تکالیف کارگران.

۱۲-۴. اسلام و سلامت عمومی

در قرآن کریم و سنت نبوی، اشارات و ارشاداتی در مورد حفظ سلامتی آمده است. در مبحث مربوط به مسألهٔ مزبور، نمونه‌هایی از این قبیل نقل شده، که به طور خلاصه عبارت است از:

- أ. دین اسلام به میانه‌روی در خوردن و نوشیدن توصیه نموده است؛
- ب. وجود اشاراتی فراوان برای حفظ سلامتی؛
- ت. ورود متون بسیاری دربارهٔ مشروعیت درمان و راهنمایی و ارشاد مردم بر این کار؛
- ث. ارشاد و سفارش مردم به جراحی پزشکی؛
- ج. پیامبر ﷺ مردم را تشویق به فراگیری علم پزشکی و پیشرفت در آن کردند؛
- ح. کمک دانشمندان مسلمان به توسعه و پیشرفت علم پزشکی؛

۱- نک: العمل عند المسلمین رؤیة حضاریة، ابراهیم مزینی، صص ۱۱-۱۲.

- خ. از دیدگاه فقیهان، حفظ سلامتی یکی از مقاصد و اهداف شریعت است؛
- د. اسلام پیش از آفرینش و تولید مثل، به سلامتی انسان اهمّیت داده است؛
- ذ. بیان برخی امور درمانی؛
- ر. آداب غذاخوردن در دین اسلام، دارای اشارات بسیاری برای حفظ سلامتی است؛
- ز. شریعت اسلام قوانینی را برای حفاظت از حوادث تعیین کرده است.

۱۲-۵. اسلام و نظافت

در اصل تحقیق پیش رو، مبحثی به بیان مسائل متعدّد نظافت از دیدگاه اسلام اختصاص یافته است؛ از جمله:

۱. بررسی حدیث مربوط به ویژگی‌های فطری؛
 ۲. مطالب موجود دربارهٔ مشروعیت وضو؛
 ۳. بیان و شرح مشروعیت غسل؛
 ۴. تشویق اسلام بر نظافت عمومی؛
- هر یک از مباحث فوق، مورد شرح و تبیین قرار گرفته است.

۱۳. صلح، همزیستی، مدارا، اجبار، خشونت، تروریسم و

جهاد

۱۳-۱. اسلام و حفظ صلح جهانی

اسلام - چنانکه مشخص است - دین صلح، خیر، عدالت و احسان بوده و حتی در حالت جنگ که بنا به دلایلی منطقی و عقلی صورت می‌گیرد، این ویژگی‌ها باقی است.

بنابراین در غیر جنگ، موارد مذکور روشن‌تر و هویداتر خواهد بود. برخی از نشانه‌ها و جلوه‌های علاقه اسلام بر صلح و آسایش و امنیت و آزادی مردم، از این قرار است:

أ. واژه «سلام» یا صلح از کلمات پرتکرار در دین اسلام است؛

ب. اسلام به دنبال حفظ اموال است؛

ت. اسلام قصد حفاظت از جان‌ها را دارد؛

ث. اسلام تجاوز و ستم فرد بر خودش را نیز حرام کرده است؛

ج. دین اسلام آزادی‌ها را تضمین و منظم کرده است.

۱۳-۲. اسلام و همزیستی و مدارا

أ. احکام اسلام منحصر بر رفتار مسلمانان در میان خودشان نیست، بلکه عام است و تمامی مردم را با وجود تفاوت در ادیان شامل می‌شود. در دین اسلام شیوه تعامل و برخورد با تمامی طبقات مردم؛ یعنی مسلمانان و دیگران بیان شده است.

این موضوع نشان می‌دهد که اسلام دینی قابل اجرا و واقعی است و نظریاتی تمثیلی و نمادین نیست که با زندگی واقعی و شرایط مردم همخوانی نداشته باشد.

الله تعالی انسان‌ها را آفرید و مقرر نمود که برخی از آنان، کافر و برخی مؤمن خواهند بود.

همچنین فرمان داد که مردم به سوی هدایت و رستگاری فرا خوانده شوند، اما دعوتگران را مکلف نساخت که مردم را به اجبار وارد دین حق کنند:

﴿إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلْغُ﴾ [الشّوری: ۴۸]

«بر [عهده] تو فقط تبلیغ [رسالت] است.»

از این رو، قانون اختلاف در میان مردم پابرجا و موجود بوده و در قرآن کریم چنین آمده است:

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿۱۱۸﴾ إِلَّا مَن

رَّحِمَ رَبُّكَ ﴿۱۱۹﴾﴾ [هود: ۱۱۸-۱۱۹]

«و اگر پروردگارت می‌خواست، [همه] مردم را یک امت قرار می‌داد، ولی [آنان] همواره متفاوت هستند، مگر کسی که پروردگارت [بر او] رحم کند.»

این موضوع به معنای تایید باطل و پذیرش یا جواز تمامی مذاهب یا رضایت به آن‌ها و ردنمودن و بیان نکردن بطلان‌شان و دعوت نکردن آنان به سوی حقیقت نیست.

ب. کسی که به متون شرعی و تاریخ مسلمانان دقت نماید، روح تسامح و مدارا را در آن‌ها بسیار روشن و شفاف می‌یابد.

ت. در مبحث مربوط به این موضوع؛ یعنی در شرح تحقیق حاضر، مطالبی مختصر درباره تسامح که تقریباً هم‌معنا با اصطلاح همزیستی است و نیز برخی از نمودهایش در شریعت روشن اسلام و

تاریخ مسلمانان بیان شده است؛ آن هم با تبیین مفهوم تسامح، اهمیت پژوهش دربارهٔ تسامح و مدارای اسلامی، بیان اینکه تسامح اسلامی زائیدهٔ فکر و مکارم اخلاق است، تعیین قوانینی عمومی برای تسامح در دین اسلام و نیز شهادت تاریخ بر مدارا و خوشرفتاری مسلمانان.

۱۳-۳. دیدگاه اسلام دربارهٔ اجبار

در این مبحث، موارد زیر بررسی شده است:

- ا. مفهوم اکراه و اجبار؛
- ب. موضع اسلام نسبت به مخالفان؛
- ت. اجبار نکردن دیگران برای پذیرش دین اسلام؛
- ث. گواهی افراد غیرمسلمان بر تسامح و مدارای مسلمانان.

۱۳-۴. موضع اسلام نسبت به خشونت

- ا. عنف یعنی شدت و خشونت و ستم در مواردی که نیاز به نرمی و مهربانی دارد.
- ب. عنف در اصطلاح جهان امروز به معنای خشونت در سخن و بیان و ... است که منافات با مدارا و مهربانی دارد.
- ج. در مباحثی که به این موضوع اختصاص یافته، دیدگاه اسلام دربارهٔ خشونت و نیز نمونه‌هایی از نرمی پیامبر ﷺ با مخالفان روشن گشته است.
- د. موضع اسلام نسبت به خشونت: بدون تردید دین اسلام خشونت را رد نمود و مردم را از آن بر حذر داشت و آنان را از پیامد و عواقب بدش باخبر ساخت.
- ه. همان گونه که نرمی و مدارا را واجب گرداند و مردم را به این کار تشویق کرد.

متون فراوانی از قرآن و سنت، به طور صریح یا تلویحی در این زمینه آمده و مردم را به مهربانی و ملایمت فرمان داده و آنان را از خشونت باز می‌دارد. یا اینکه نرمی و مدارا را ستوده و خشونت و درشتی را نکوهش کرده است. اسلام این موارد را در زمینه‌های مختلفی یادآورد شده است؛ همچون در عمل دعوت‌إلی‌الله، دعوت به تغییر و اصلاح یا در امور خصوصی و عمومی. ت. در مبحث مذکور، مواردی از متون شریعت که فرمان به نرمی و خوشرفتاری و ترک خشونت داده‌اند، بیان شده است.

۱۳-۵. جهاد در اسلام

أ. حقیقت جهاد: شیخ عبدالرحمان سعدی رحمته می‌گوید: «جهاد یعنی تلاش و کوشش در هر کاری که باعث تقویت و اصلاح و یکپارچگی و اتحاد مسلمانان شود و تجاوز دشمنان را با هر روش و وسیله‌ای که ممکن باشد، دفع کند یا کاهش دهد.»^(۱)

ب. انواع جهاد از دیدگاه اسلام: «جهاد بر دو نوع است: جهادی که هدف از آن، صلاح و مصلحت مسلمانان و اصلاح عقاید، اخلاق، آداب، تمامی امور دینی و دنیوی و رشد و تربیت علمی و عملی آنان است.

اصل و پایه جهاد، همین نوع بوده و نوع دوم متکی به آن است؛ یعنی جهادی که هدفش، دفع تجاوز دشمنان اسلام و مسلمانان؛ همچون کافران و ملحدان و تمامی دشمنان دین، و مقاومت در برابر آنان است. این دو نوع با دلیل و برهان و زبان صورت می‌گیرد و نیز جهاد با سلاح در زمان و مکان مناسب.»^(۲)

۱- نک: وجوب التعاون بین المسلمین، عبدالرحمان سعدی، ص ۷.

۲- همان، صص ۷-۸.

ت. در مبحث مربوط به موضوع فوق، اهداف جهاد در اسلام، توضیح و مفهوم قید «فی سبیل الله»، بررسی بخشی از سیره نبوی درباره جهاد، آداب جنگ از دیدگاه اسلام، ردّ اتهامات وارده بر جهاد مسلمانان و نمونه‌هایی از اخلاق و خوشرفتاری مسلمانان در میدان نبرد روشن گشته و نیز بیان شده که پیامد و نتایج بد رفتار مسلمانانی که آداب جهاد را رعایت نمی‌کنند، بر خودشان و نه بر اسلام برمی‌گردد.

۱۳-۶. دیدگاه اسلام درباره تروریسم

- أ. مفهوم لغوی ارباب و ترور، ترساندن است. از دیدگاه عالمان، این واژه بسیار مبهم و پیچیده است و هر کسی تفسیری از آن دارد.
- همچنین اصطلاح مزبور در دوران معاصر، رواج بسیاری پیدا کرده و هیچ یک از واژگان سیاسی از نظر رواج و شهرت رسانه‌ای، این گونه نیست.
- ب. در شرح این تحقیق، تعاریفات مختلفی برای اصطلاح مورد بحث بیان شده است.
- ت. همچنین موضع اسلام نسبت به ترور و تروریسم روشن گشته و به طور کلی، موارد زیر مطرح شده است:
- حمایت از محدوده اسلام و دفاع از آن، ترور نیست؛
 - دین اسلام از ترور و اربابی که هدفش فساد در زمین باشد، به شدت نهی کرده است.

۱۴. ادله‌ای در اثبات حَقَانِیَّتِ اسلام

این فصل - یعنی ادله حَقَانِیَّتِ اسلام - در تمامی فصول و بخش‌ها و مباحث تحقیق پیش رو مورد بررسی قرار گرفته است، زیرا همه مطالب قبلی بیانگر حَقَانِیَّتِ دین اسلام است. سخن درباره ماهیَّتِ اسلام، منابع قانونگذاری، ارکان اسلام، ایمان و علم غیب، پیامبر اسلام ﷺ و گواهی افراد بانصاف به نفع دین و پیامبر اسلام، نظام سیاسی و اقتصادی و کیفری و اجتماعی و خانوادگی اسلام، دیدگاه دین درباره عقل، کار، صلح، سلامت عمومی، نظافت و ... دلایلی واضح بر حقیقت و عظمت اسلام بوده و نشان می‌دهد که این دین از جانب پروردگار حکیم و علیم آمده است، چون هر یک از فصول این پژوهش و مباحث آن، دلایلی قاطع بر حَقَانِیَّتِ اسلام و صداقت پیامبر ﷺ است.

از این رو، مطالب فصل پیش رو تکمله و تاییدی بر مطالب و اشارات موجود در مباحث پیشین مبنی بر حَقَانِیَّتِ دین اسلام است. در فصل حاضر، اعجاز قرآن و سنّت نبوی و توصیف اسلام در کتاب‌های پیشین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۴-۱. اعجاز در قرآن کریم

۱. هر پیامبری معجزه‌ای دارد که دلیلی از ادله نبوت و رسالتش بوده و نشان می‌دهد که وی فرستاده‌ای از جانب الله ﷻ است، چون بدون معجزه، حجّت الهی بر مخلوقات برای ایمان به پیامبرانش اثبات نمی‌گردد. هر اندازه هم که پیامبری دارای اخلاقی والا، همّتی

عالی، استعدادی فراوان، ذهنی فعال و منزلت و مقامی رفیع و شریف در میان قومش باشد، باز هم دلیلی کافی بر رسالت وی از جانب الله متعال نیست. عقل در صورتی باور و یقین و اعتراف به رسالتش می‌کند که معجزاتی از جانب الله تعالی بر دستانش آشکار شود و فراتر از اسباب و مسببات هستی عمل کند.

ب. بدون تردید قرآن کریم معجزه بزرگی است که الله تعالی بوسیله آن با همه مردم تحدی نمود و فقط انسان‌های ستیزه‌جو و سرکش با این حجت بالغه الهی مخالفت می‌کنند.

ت. قطعاً قرآن کریم اعجاز‌آور و معجزه است و برخی از پژوهشگران معتقدند که اعجاز این کتاب آسمانی عام و فراگیر بوده و از این انواع نام می‌برند: اعجاز بیانی، اعجاز علمی - تجربی، اعجاز تشریحی و اعجاز غیبی؛ مشهورترین انواع اعجاز قرآنی از دیدگاه محققان، همین موارد است.

ث. اما برترین و مهم‌ترین نوع اعجاز، همان است که قرآن کریم بوسیله آن با قوم عرب تحدی نمود؛ یعنی بلاغت قرآن و زیبایی بیانش. بنابراین تحدی بزرگ با لفظ و نظم این کتاب آسمانی صورت گرفت.^(۱)

ج. اعجاز علمی - تجربی: مراد از این نوع اعجاز قرآنی، آیاتی است که درباره قوانین الهی در هستی و نظام آن و انواع عنایت و توجه الله متعال نسبت به مخلوقات بیان شده است.

۱- نک: إعجاز القرآن، باقلانی، ص ۴۳؛ البیان فی علوم القرآن، ص ۱۳-۱۴؛ مباحث فی إعجاز القرآن، مصطفی مسلم، ص ۹۲.

ح. شیوه دلالت اعجاز علمی - تجربی قرآن بر الهی بودن خاستگاهش را این گونه می‌شود بیان کرد: اشارات فراوانی که در این زمینه بیان شده، به حدی است که نسل‌های زیادی از عالمان نمی‌توانند از تمامی آن‌ها آگاه شوند هر چند وسایل و امکانات و تلاش‌های فراوانی را به کار گیرند.

خ. سخن از اعجاز تشریحی قرآن به معنای بیان نظام جاوید هستی و موجودات است. ذاتی که این جهان را از نیستی به وجود آورد و مخلوقات بیشماری را در آن قرار داد و انسان را بهترین مخلوقات گردانید، برای این مخلوق برتر، قانونی در زندگی تعیین کرد تا رفتارش را در دنیا سامان دهد و رابطه وی با پروردگارش را منظم کند. همچنین الله تعالی بر حسب رفتار آدمی و اجرای این قانون مهمم الهی، نتایج دنیوی و اخروی را مقرر ساخته، به گونه‌ای که انسان در دنیا به آرامش و عزت رسد و احساس سربلندی کند و حکمت الهی و فلسفه آفرینش و برتری خویش بر سایر مخلوقات را بداند.

د. اعجاز تشریحی به روشنی اثبات می‌کند که قرآن، کلام الهی بوده و آن را بر قلب بنده و فرستاده‌اش؛ محمد ﷺ نازل کرده تا مردم را تاریکی‌های انحراف و گمراهی و بدبختی بیرون آورد و به سوی نور ایمان و هدایت و تمسک به ریسمان محکم الهی ببرد.

ذ. اعجاز غیبی در قرآن کریم شامل امور غیب گذشته، زمان حاضر و آینده می‌شود.

۱۴-۲. اعجاز در سنت نبوی

ا. آنچه دربارهٔ اعجاز علوم، اخبار غیبی گذشته و آینده، حکمت‌ها، احکام، نظم، قوانین و سایر موارد قرآن گفته می‌شود، در مورد سنت نیز صدق می‌کند، زیرا قرآن و سنت از جانب الله تعالی بوده و رسول الله ﷺ از روی هوی و هوس سخنی نگفته‌اند، بلکه وحی پروردگار را به مردم رسانده‌اند.

این مطلب در مبحث مربوط به سنت نبوی و نیز در بخش پیشین؛ یعنی در مباحث اعجاز تشریحی و علمی و غیبی قرآن کریم بیان گردید. همچنین در مبحث مربوط به سلامت و نظافت از دیدگاه اسلام و سایر مباحث، مطالبی در این زمینه آورده شد.

ب. بدون تردید سخنان پیامبر ﷺ در اوج فصاحت و بلاغت قرار داشته و هیچ مخلوقی نمی‌تواند در این زمینه با ایشان رقابت نماید.

اما این بلاغت به اندازهٔ اعجازی که مختص قرآن مجید است، نیست.

ت. معجزات پیامبر ﷺ تقسیم به حسی و معنوی می‌شوند و در کتاب اصلی، هر یک از این انواع بیان و بررسی گشته‌اند.

ث. در همان مبحث، شیوه‌های اثبات این معجزه‌های به گونه‌ای که مفید علم قطعی و یقینی باشند، آمده است.

ج. بدون تردید الله تعالی بر دستان پیامبران محمد ﷺ معجزاتی آشکار و نشانه‌هایی روشن را جاری ساخت، که اگر کسی به دنبال حقیقت باشد و به آن‌ها دقت نماید، قطعاً به وی خواهند فهماند که شهادت و تاییدی صادقانه از جانب الله متعال برای رسول الله ﷺ هستند.

برخی از عالمان، معجزات پیامبر ﷺ را بیش از ۱۰۰۰ تا دانسته‌اند و در این زمینه، کتاب‌هایی نگاشته شده و عالمان آن‌ها را شرح و بیان کرده‌اند.^(۱) در مبحث مذکور، تعدادی از این معجزات بیان شده‌اند.

۱۴-۳. اسلام در کتاب‌های آسمانی پیشین

أ. در ابتدا، مقدمه‌ای دربارهٔ اینکه اسلام دین تمامی پیامبران ﷺ بوده و نیز گواهی قرآن بر بیان اسلام در کتاب‌های قبلی، آورده شده است.

ب. می‌توان گفت یکی از بزرگ‌ترین دلایل بر حَقَانِیَّتِ اسلام و صَحَّتِ احکام و قوانین آن، هدایت بسیاری از دانشمندان اهل کتاب به دین اسلام است و نیز گواهی آنان بر اینکه اسلام دین خاتم و بر حق بوده و علاوه بر این، بشارت‌های کتاب‌های آسمانی پیشین را مبنی بر ظهور دین و پیامبری جدید و امتی برگزیده بیان کرده‌اند.

ت. در مبحثی که به این مطلب اختصاص یافته، هدایت برخی عالمان اهل کتاب به اسلام و معرفتی تعدادی از آنان بیان شده است.

ث. قطعاً کتاب‌های آسمانی پیشین در مواضع بسیاری، بشارت آمدن دین اسلام و ظهور پیامبر ﷺ را داده بودند و شواهد بیشماری در این زمینه وجود دارد.

در مبحث مزبور، تعدادی از بشارت‌های کتاب‌های آسمانی پیشین در این زمینه آورده شده است.

ج. بدون تردید کتاب‌های پیشین و در دسترس اهل کتاب، صراحتاً از مَكَّةٔ مَكْرَمَه و كَعْبَهٔ مُشْرَفَه نام برده و آن دو را توصیف کرده‌اند، به

۱- نک: الجواب الصَّحیح لمن بدَّل دین المسیح، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، ج ۱، ص ۳۹۹؛ الرُّسُل والرِّسَالَات، ص ۱۳۱.

گونه‌ای که تردیدی در صداقت نبوت محمد ﷺ و اینکه از مکه مبعوث گشتند، باقی نگذاشته‌اند و نیز مردم را به گرامیداشت کعبه و حج بیت الله فرا خوانده‌اند.

ح. در آن مبحث، برخی از صفات بیت الله و مکه مکرمه آمده و بیشتر این صفات با آوردن عین عبارات و بعضی با نقل مفهوم بیان شده‌اند.

خ. همچنین تعدادی از بشارت‌های کتاب‌های قبلی در مورد مکه و کعبه روشن گشته است.

د. توصیف امت اسلام؛ یعنی امت محمد ﷺ در کتاب‌های پیشین به گونه‌ای آمده که تردیدی در این زمینه باقی نمی‌گذارد که آنان همان امت مختار و برگزیده و مورد توصیف در بشارت‌های پیامبران قبلی هستند.

در مبحث مربوط به موضوع فوق، برخی از بشارت‌های کتاب‌های آسمانی در این زمینه بیان شده است.

گزیده‌ای از مباحث تحقیقی که به منظور معرفی اسلام نوشته شده بود، بیان گشت.

از الله قادر درخواست دارم که این کتاب را مفید و خالص برای رضای خویش قرار دهد.

والحمد لله رب العالمین، وصلى الله وسلم على نبينا محمد صلى الله عليه وسلم
وعلى آله وصحبه أجمعين.

فهرست منابع^(۱)

۱. الإبانة عن شريعة الفرقة النَّاجِيَّة ومجانبة الفرق المذمومة، ابن بَطَّه عكبري، تحقيق و بررسی: رضا بن نعلان معطی، چ ۲، ۱۴۰۹ هـ.
۲. أثر العلماء المسلمين في الحضارة الغربيَّة، احمد على ملا، دارالفكر، دمشق، چ ۲، ۱۴۰۱ هـ/ ۱۹۸۱ م.
۳. الإجماع، ابن منذر، تحقيق: فؤاد عبدالمنعم احمد، دارالمسلم للنشر والتوزيع، چ ۱، ۱۴۲۵ هـ/ ۲۰۰۴ م.
۴. أحكام الجان، ابو عبدالله بدرالدین محمّد بن عبدالله شبلي، تحقيق و بررسی: سيد جميلي، دار ابن زيدون، بيروت، چ ۱.
۵. أحكام الجراحة الطَّبِيَّة والآثار المترتبة عليها، محمّد مختار شنقيطي، مكتبة الصحافة، جدّه، چ ۲، ۱۴۱۵ هـ/ ۱۹۹۴ م.
۶. أحكام الزّواج في ضوء الكتاب والسّنة، عمر أشقر، دارالنّفائس، اردن، چ ۱، ۱۴۱۸ هـ/ ۱۹۹۷ م.
۷. إحياء علوم الدّين، ابو حامد غزالي، دار الزّيان للتّراث.
۸. أخبار الآحاد في الحديث النبوي؛ حجّيتها - مفادها - العمل بموجبها، عبدالله جبرين، دار طيبة للنّشر والتّوزيع، رياض، چ ۱، ۱۴۰۸ هـ/ ۱۹۸۷ م.

۱- نویسنده در اصل تحقیق حاضر، از منابع مذکور استفاده نموده و به نظر می‌رسد که بیان تمامی آن‌ها در پایان این مختصر، راهگشا و مفید خواهد بود. (مترجم)

٩. أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه، محمد بن اسحاق فاكهي، بررسی و تحقيق: عبدالله بن عبدالله بن دهيش، مكتبة ومطبعة النهضة الحديثة، مكة مكرمه، ج ١، ١٤٠٧ هـ.
١٠. أخلاقنا الإجتماعية، مصطفى سباعي، المكتب الإسلامي، ج ٢، ١٣٩٢ هـ.
١١. أخلاق النبي ﷺ، ابوالشيخ اصفهاني، تحقيق: عصام الدين صباطي.
١٢. الأخلاق والسير في مداواة النفوس، ابن حزم، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، ج ٢، ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م.
١٣. آداب الحرب في الإسلام، محمد خضر حسين، گردآوری و بازيبنی: علی رضا حسینی، الدار الحسينية للكتاب، ج ٣، ١٤١٣ هـ / ١٩٩٣ م.
١٤. الآداب الشرعية والمنح المرعية، ابن مفلح مقدسي، مكتبة ابن تيمية، قاهره، بی تا.
١٥. أدب الدنيا والدين، ماوردي، تحقيق: محمد صباح، دار مكتبة الحياة، بيروت، ١٩٨٧ م.
١٦. أدب المسلم في العادات والعبادات والمعاملات، محمد مبيض، دار ابن كثير، ج ٢، ١٤١٣ هـ.
١٧. الأذكار المنتخبة من كلام سيد الأبرار ﷺ، ابوزكريا محيي الدين بن شرف نووي، مكتبة الرياض الحديثة.
١٨. الإرهاب؛ دوافعه وعلاجه، محمد شويعر، رياض، ج ٢، ١٤٢٦ هـ / ٢٠٠٥.
١٩. أسباب الشفاء من الأسقام والأهواء، ابواسحاق عراقي، مكتبة الجامعة، مطبعة البغدادي العراقي، ١٤٢٥ هـ / ٢٠٠٤ م.

۲۰. الإستذكار، ابن عبدالبرّ، دار قتيبة، دمشق - بيروت، ج ۱، ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۳ م.
۲۱. الإستقامة، شيخ الإسلام ابن تيمية، تحقيق: محمد رشاد سالم، مكتبة السنة.
۲۲. الإسلام في نظر أعلام الغرب، حسين عبدالله باسلامه، تهامه، جدّه، ج ۲، ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م.
۲۳. الإسلام وبناء المجتمع، حسن ابوعده و ديگران، مكتبة الرشد، ج ۳، ۱۴۲۷ هـ / ۲۰۰۶ م.
۲۴. أصول الدين، عبدالقاهر بغدادی، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربي في دار الآفاق الجديدة، بيروت، ج ۱، ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م.
۲۵. أصول النظام الإجتماعي في الإسلام، محمد طاهر بن عاشور، دار السلام - دار سحنون، تونس - قاهره، ج ۲، ۱۴۲۷ هـ / ۲۰۰۶ م.
۲۶. إعجاز القرآن، ابوبكر باقلاني، تقديم و شرح و تعليق: محمد شريف سُكّر، دار إحياء العلوم، بيروت، ج ۲، ۱۴۱۱ هـ / ۱۹۹۰ م.
۲۷. إعجاز القرآن والبلاغة النبوية، مصطفى صادق رافعي، دار الكتاب العربي، ج ۹، ۱۳۹۳ هـ / ۱۹۷۳ م.
۲۸. أعلام السنة المنشورة لإعتقاد الطائفة الناجية المنصورة، يا ۲۰۰ سؤال في العقيدة الإسلامية، حافظ حكمي، تخريج احاديث و تعليق: مصطفى ابونصر شلبي، مكتبة السّوادي، جدّه، ج ۳، ۱۴۱۰ هـ.
۲۹. إعلام الموقعين عن ربّ العالمين، ابن قيم، دارالكتب العلميّة، بيروت.
۳۰. أعلام النبوة، ابوالحسن علي بن محمد ماوردي، تقديم و شرح و تعليق: محمد شريف سُكّر، دار إحياء العلوم، بيروت، ج ۱، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م.

٣١. إغائة اللّهُفان من مصاديد الشّيطان، ابن قيّم جوزيّه، تحقيق: محمّد حامد فقى.
٣٢. أفول شمس الحضارة الغربيّة، مصطفى فوزى غزال، دار السّلام للطباعة والنّشر، چ ١، ١٤٠٦ هـ/ ١٩٨٦ م.
٣٣. إقتضاء الصّراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم، شيخ الإسلام ابن تيميّه، تحقيق: ناصر عقل، مكتبة الرّشد، رياض، چ ٢، ١٤١١ هـ/ ١٩٩١ م.
٣٤. إقتصاديات الغنى في الإسلام، عمر مرزوقى، جامعة الملك سعود، عمادة البحث العلمي، ١٤٢٣ هـ.
٣٥. الإقناع، حجاوى، تحقيق: عبداللطيف محمّد موسى سبكى، دار المعرفة، بيروت، لبنان.
٣٦. الأمراض الجنسيّة؛ أسبابها وعلاجها، محمّد على البار، دار المنارة، جدّه، چ ٢، ١٤٠٦ هـ.
٣٧. الأمراض الجنسيّة، سيف الدّين شاهين، چ ٤، ١٤٠٩ هـ.
٣٨. الأمراض الجنسيّة؛ عقوبة إلهيّة، عبدالحميد قضاة، دار النّشر الطّبيّة، لندن، چ ١، ١٤٠٥ هـ/ ١٩٨٥ م.
٣٩. الأمراض الجنسيّة، نبيل طويل، مؤسّسة الرّسالة، چ ٢، ١٤٠٢ هـ.
٤٠. الأم، امام شافعى رحمته، دار المعرفة، بيروت، چ ٢، ١٣٩٣ هـ.
٤١. الأموال، ابوعبيد قاسم بن سلام، تحقيق: محمّد خليل هراس، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٨ هـ/ ١٩٨٨ م.
٤٢. الإنحرافات الجنسيّة وأمراضها، فايز الحاج، المكتب الإسلامى، چ ١، ١٤٠٣ هـ.
٤٣. الأنوار في شمائل النّبى المختار، بغوى، تحقيق: ابراهيم يعقوبى.

٤٤. أهل الذمّة في الحضارة الإسلاميّة، حسن ممي، دار الغرب الإسلامي،
ج ١، ١٩٩٨ م.
٤٥. أهل الذمّة والولايات العامّة في الفقه الإسلامي، گردآوری: نمر محمّد
خليل نمر، المكتبة الإسلاميّة، عمّان، اردن، ج ١، ١٤٠٩ هـ.
٤٦. إيقاظ الفكرة بمراجعة الفطرة، محمّد بن اسماعيل؛ امير صنعاني،
تحقيق و تعليق و تخريج احاديث: محمّد صبحي بن حسن حلاق،
دار ابن حزم، ج ١، ١٤٠٢ هـ/ ١٩٩٩ م.
٤٧. الإيمان بالقضاء والقدر، محمّد حمد، دار ابن خزيمة، ج ٣، ١٤١٩ هـ/
١٩٩٨ م.
٤٨. الإيمان باليوم الآخر، محمّد حمد، دار ابن خزيمة، ج ٢، ١٤٢٣ هـ/
٢٠٠٢ م.
٤٩. البحث الصريح في أيّما هو الدين الصحيح، زياده بن يحيى راسي،
تحقيق: سعود بن عبدالعزيز خلف، الجامعة الإسلاميّة بالمدينة
المنوّرة، عمادة البحث العلمي، ج ١، ١٤٢٣ هـ/ ٢٠٠٣ م.
٥٠. بدائع الصنّاع في ترتيب الشرائع، كاساني، دار الكتب العلميّة،
بيروت، ج ٢، ١٤٠٦ هـ/ ١٩٨٦ م.
٥١. بدائع الفوائد، ابن قيّم، مكتبة الرّياض.
٥٢. بداية المجتهد ونهاية المقتصد، ابن رشد، مكتبة الكلّيّات الأزهرية،
١٣٨٦ هـ/ ١٩٦٦ م.
٥٣. البداية والنّهاية، ابن كثير، تحقيق: احمد عبدالوهاب فتيح، دار زمزم،
رياض، ١٤١٤ هـ، و تحقيق: احمد ابوملحم و همكاران، دار الكتب
العلميّة، ج ٣، ١٤٠٧ هـ.
٥٤. البداية والنّهاية، ابن كثير، تحقيق: عبدالله تركي، دار هجر، ج ١،
١٤١٩ هـ/ ١٩٩٨ م.

٥٥. بغية الإيضاح لتلخيص المفتاح في علوم البلاغة، عبدالمتعال صعيدى، مكتبة الآداب، قاهره، ١٤٢٠ هـ / ١٩٩٩ م.
٥٦. بلاغة القرآن، محمّد خضر حسين، گردآورى و بازيينى: على رضا حسينى، الدّار الحسينية، ١٤١٧ هـ / ١٩٩٧ م.
٥٧. بهجة قلوب الأبرار وقرّة عيون الأخيار في شرح جوامع الأخبار، عبدالرحمان بن سعدى، تخريج احاديث: بدر البدر، مكتبة السّندس، ج ٣، ١٤٠٨ هـ.
٥٨. البيان في علوم القرآن، محمّد بن على حسن و سليمان قرعاوى، مؤسّسة بيسان و البدر، دبی.
٥٩. البيان والتّبيين، جاحظ، تحقيق و شرح: عبدالسلام هارون، مكتبة الخانجي، قاهره.
٦٠. تاريخ الطّبري، ابوجعفر محمّد بن جرير طبرى، دار الكتب العلميّة، بيروت.
٦١. تاريخ الكنيسة الشّرقية، ميشل يتيم و ارشمندرت أغناطيوس ديك، المكتبة البوليسية، لبنان، ج ٤، ١٩٩٩ م.
٦٢. تاريخ مدينة السّلام، خطيب بغدادى، تحقيق و بازيينى و تعليق: بشّار عوّاد معروف، دار الغرب الإسلامى، ج ١، ١٤٢٢ هـ / ٢٠٠١ م.
٦٣. تأويل مشكل القرآن، ابن قتيبه، شرح و انتشار: سيد احمد صقر، المكتبة العلميّة، بيروت.
٦٤. التّبيان في أقسام القرآن، ابن قيّم، تحقيق: محمّد شريف سكر، دار إحياء العلوم، بيروت، ج ١، ١٤٠٩ هـ.
٦٥. التّحفة المهدية شرح الرّسالة التّدمرية، فالح بن مهدي آل مهدي، ج ٢، ١٤٠٦ هـ.

٦٦. تحفة المودود في أحكام المولود، ابن قيّم، تحقيق: بشير عيون، مكتبة دار البيان، توزيع: مكتبة المؤيّد، ج ٢، ١٤٠٧ هـ.
٦٧. التّدمريّة؛ تحقيق الإثبات للأسماء والصفات وحقيقة الجمع بين القدر والشّرع، شيخ الإسلام ابن تيميّه، تحقيق: محمّد بن عوده سعوى، ج ١، ١٤٠٥ هـ.
٦٨. تذكرة السّامع والمنتكّم في أدب العالم والمتعلّم، ابن جماعه كنانى، تعليق: سيد محمّد محمّد هاشم ندوى، رمادى للنّشر، المؤتمن للتّوزيع، ج ٢، ١٤١٦ هـ/ ١٩٩٥ م.
٦٩. التّذكرة في أحوال الموتى وأمور الآخرة، قرطبى، دار الفكر، لبنان، بيروت.
٧٠. تربيّة الأَوْلاد في الإسلام، عبدالله ناصح علوان، دار السّلام، ج ٩.
٧١. تعريف عام بدين الإسلام، على طنطاوى، دار الوفاء للطّباعة والنّشر، منصوره، ج ١١، ١٤٠٨ هـ/ ١٩٨٧ م.
٧٢. تعريف عام بدين الإسلام المسمّى: رسائل السّلام ورسول الإسلام، يوسف دجوى، دار ابن كثير - دار القادري، دمشق - بيروت.
٧٣. التّعريفات، شريف علىّ بن محمّد جرجانى، دار الكتب العلميّة، بيروت، لبنان، ١٤١٦ هـ/ ١٩٩٥ م.
٧٤. تفسير ابن أبى حاتم، عبدالرحمان بن ابى حاتم رازى، تحقيق: أسعد محمّد طيّب، المكتبة العصريّة، صيدا.
٧٥. تفسير أبى السّعود «إرشاد العقل السّليم إلى مزايا القرآن العظيم»، ابوالسّعود محمّد بن محمّد عماد، دار الإحياء والتّراث العربى، بيروت.
٧٦. تفسير بغوى «معالم التّنزيل»، امام بغوى، تحقيق: محمّد بن عبدالله نمر، عثمان جمعه ضميريّه و سليمان حرش، دار طيّبة، ج ١، ١٤٠٩ هـ/ ١٩٨٩ م.

٧٧. تفسير التحرير والتنوير، علامه محمد طاهر بن عاشور، دار سحنون للنشر والتوزيع، تونس.
٧٨. تفسير قاسمي «محاسن التأويل»، محمد جمال الدين قاسمي، دار الفكر، بيروت، ج ٢، ١٣٩٨ هـ / ١٩٧٨ م.
٧٩. تفسير القرآن العظيم، ابن كثير، دار الجيل، بيروت، ج ١، ١٤٠٨ هـ / ١٩٨٨ م.
٨٠. التنبهات اللطيفة على ما احتوت عليه العقيدة الواسطية من المباحث المنيفة، علامه عبدالرحمان بن سعدى، تعليق: عبدالعزيز بن باز، تخريج: على بن حسن بن عبدالحميد حلي، دار ابن قيم، ج ١، ١٤٠٩ هـ.
٨١. تنبيه الأفاضل على ما ورد في زيادة العمر ونقصانه من الدلائل، امام شوكانى، تعليق و تخريج: مشهور بن حسن سلمان، دار ابن حزم، بيروت، ج ١، ١٤١٠ هـ.
٨٢. تهذيب الأخلاق، جاحظ، بازينى و تعليق: ابوحنيفة ابراهيم بن محمد، دار الصحابة للتراث، طنطا، ج ١، ١٤٠٠ هـ / ١٩٨٩ م.
٨٣. توضيح الأحكام من بلوغ المرام، عبدالله بسام، مكتبة الأسدى، مكّة مكرّمه، ج ٥، ١٤٢٣ هـ / ٢٠٠٣ م.
٨٤. التوبة وظيفة العمر، محمد حمد، دار ابن خزيمة، ج ١، ١٤٢١ هـ / ٢٠٠٠ م.
٨٥. تيسير العزيز الحميد شرح كتاب التوحيد، سليمان بن عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب، المكتب الإسلامى، ج ٨، ١٤٠٩ هـ.
٨٦. تيسير العلام شرح عمدة الأحكام، عبدالله بسام، مكتبة جدّة، ج ٧، ١٤٠٧ هـ / ١٩٨٧ م.

٨٧. تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المئان، عبدالرحمان سعدي، بازيني: سعد بن فواز صميل، دار ابن جوزي، دمام، ج ٢، ١٤٢٦ هـ.
٨٨. تيسير اللطيف المئان في خلاصة تفسير القرآن، ابن سعدي، مكتبة الأفضى، عنيزه، ج ٢، ١٤٠٩ هـ.
٨٩. تيسير الوصول إلى علم الأصول، عبدالرحيم يعقوب، مكتبة العبيكان، رياض، ج ١، ١٤٢٤ هـ.
٩٠. جامع بيان العلم وفضله، ابن عبدالبر، دار الفكر.
٩١. جامع الرسائل، شيخ الإسلام ابن تيميه، تحقيق: محمد رشاد سالم، مطبعة المدني، ج ١، ١٤٠٥ هـ.
٩٢. الجامع الصحيح في القدر، مقبل بن هادي وادعي، مكتبة ابن تيميه، قاهره.
٩٣. جامع العلوم والحكم، ابن رجب حنبلي، تحقيق: شعيب أرنؤوط و ابراهيم باجس، مؤسسه الرسالة، ج ٢، ١٤١٢ هـ / ١٩٩١ م.
٩٤. جذوة المقتبس في ذكر ولاية الأندلس، محمد بن فتوح أزدي، الدار المصرية للتأليف والترجمة، ١٩٦٦ م.
٩٥. الجراحة الصغرى، رضوان بابولي و أنطوان دولي، منشورات جامعة حلب، دانسكده حلب، ١٤٠٧ هـ.
٩٦. جلاء الأفهام في الصلاة والسلام على خير الأنام، ابن قيم، دار الكتب العلميّة، بيروت، لبنان.
٩٧. الجنّة والنار، عمر أشقر، دار النفائس، اردن، ج ١٢، ١٤٢٣ هـ / ٢٠٠٢ م.
٩٨. الجواب الصحيح لمن بدّل دين المسيح، شيخ الإسلام ابن تيميه، تحقيق: علي حسن ناصر و همكاران، دار العاصمة، رياض، ج ١، ١٤١٤ هـ.

٩٩. الجواب الكافي لمن سأل عن الدواء الشافي؛ الداء والدواء، ابن قيم، تحقيق و تعليق: عامر بن على ياسين، دار ابن خزيمة، رياض، ج ١.
١٠٠. جوامع السيرة النبوية، ابن حزم اندلسي، دار الكتب العلمية، بيروت، ج ١، ١٤٠٣ هـ / ١٩٨٣ م.
١٠١. جوامع الآداب في أخلاق الأنجاب، جمال الدين قاسمي، مؤسسة قرطبة.
١٠٢. جواهر الإكليل شرح مختصر خليل مذهب مالك، صالح بن عبدالسميع الأبي، دار إحياء الكتب العربية، قاهره.
١٠٣. حاشية رد المحتار على الدر المختار شرح تنوير الأبصار، خاتمة المحققين محمد امين مشهور به ابن عابدين على، دار الفكر، ج ٢، ١٣٨٦ هـ / ١٩٦٦ م.
١٠٤. حاشية السندي على النسائي، ابوالحسن سندي، تحقيق: عبدالفتاح ابوغده، مكتب المطبوعات الإسلامية، حلب، ج ٢، ١٤٠٦ هـ / ١٩٨٦ م.
١٠٥. الحبايك في أخبار الملائك، سيوطي، دار الكتب العلمية، بيروت، ج ١، ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م.
١٠٦. الحج، عبدالله طيار، مكتبة التوبة، رياض، ج ١، ١٤١٢ هـ / ١٩٩٢ م.
١٠٧. حقائق الأنوار ومطالع الأسرار في سيرة النبي المختار، ابن ديب شيباني شافعي، تحقيق: عبدالله بن ابراهيم انصاري، انتشار با هزينه: خليفه بن حمد آل ثاني؛ امير دولت قطر.
١٠٨. الحرية في الإسلام، محمد خضر حسين، دار الاعتصام.
١٠٩. حقوق الإنسان في اليهودية والمسيحية والإسلام مقارنة بالقانون الدولي، خالد بن محمد شنيبر، كرسي الأمير سلطان بن عبدالعزيز للدراسات الإسلامية المعاصرة، ج ١، ١٤٣٠ هـ / ٢٠٠٩ م.

۱۱۰. حقوق غير المسلمين في الدولة الإسلامية، على بن عبدالرحمان طيار، ج ۱، ۱۴۲۵ هـ/ ۲۰۰۴ م.
۱۱۱. الحكمة والتعليل في أفعال الله، محمد بن ربيع مدخلي، مكتبة لينة للنشر والتوزيع، دمنهور، ۱۴۰۹ هـ.
۱۱۲. حلية الأولياء، ابونعيم اصفهاني، دار الكتب العلمية، بيروت.
۱۱۳. الحوار؛ آدابه وتطبيقاته في التربية الإسلامية، خالد بن محمد مغماسي، مركز الملك عبدالعزيز للحوار الوطني، الرياض، ج ۳، ۱۴۲۸ هـ/ ۲۰۰۷ م.
۱۱۴. الحوار في السيرة النبوية، محمد حمد، إدارة الثقافة الإسلامية، الكويت، ۲۰۱۰ م.
۱۱۵. الخصائص الكبرى؛ كفاية الطالب اللبيب في خصائص الحبيب، حافظ جلال الدين سيوطي، تحقيق: محمد خليل هراس، دار الكتب الحديثة، خیابان جمهوری در شهر عابدين.
۱۱۶. خطوات في فقه التعايش والتجديد، هاني احمد فقيه، دار الفتح للدراسات والفتح، ج ۱، ۱۴۳۱ هـ/ ۲۰۱۰ م.
۱۱۷. خلاصة السيرة النبوية و حقيقة الدعوة الإسلامية، محمد رشيد رضا، تصحيح و تعليق: عبدالله سيد احمد حجاج، ۱۴۰۰ هـ/ ۱۹۸۰ م.
۱۱۸. دائرة المعارف الكتابية، تاليف: گروهی از متکلمان، دار الثقافة، مصر، بخش های هفتگانه آن، با چاپ های متفاوتی منتشر شده است.
۱۱۹. درء تعارض العقل والنقل، شيخ الإسلام ابن تيمية، تحقيق: محمد رشاد سالم، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ج ۱، ۱۴۰۱ هـ/ ۱۹۸۱ م.
۱۲۰. دراسات في الأديان: اليهودية والتصانية، سعود بن عبدالعزيز خلف، مكتبة أضواء السلف، ج ۱، ۱۴۲۲ هـ/ ۲۰۰۲ م.

١٢١. دروس وعبر من سيرة خير البشر محمد ﷺ، زهير محمد عفانه، دار النفاش، چ ١، ١٤٢٥ هـ/ ٢٠٠٥ م.
١٢٢. الدعاء؛ مفهومه - أحكامه - أخطاء تقع فيه، محمد حمد، دار ابن خزيمة، چ ٣، ١٤٣٠ هـ/ ٢٠٠٩ م.
١٢٣. دع القلق وابدأ الحياة، ديل كارنگى، ترجمه عربى: عبدالمنعم محمد زيادى، مكتبة الخانجي، قاهره، ١٩٨٠ م.
١٢٤. الدعوة إلى الإسلام، توماس آرنولد، ترجمه عربى: حسن ابراهيم حسن، مكتبة النهضة المصرية، چ ٣، ١٩٧٠ م.
١٢٥. الدعوة إلى الإصلاح، محمد خضر حسين، تحقيق: على رضا حسيني، الدار الحسينية للكتاب، چ ٣، ١٤١٠ هـ/ ١٩٩٠ م.
١٢٦. دعوة التوحيد؛ أصولها - الأدوار التي مرت بها - مشاهير دعائها، محمد خليل هراس، مكتبة الصحابة، طنطا.
١٢٧. دفع إيهام الإضطراب عن آيات الكتاب، محمد امين شنقيطى، مطابع الرياض، چ ١، ١٣٧٥ هـ.
١٢٨. الدلائل القرآنية في أن العلوم النافعة داخله في الدين الإسلامي، عبدالرحمان سعدى، مؤسسة الرسالة، مكتبة الرشد، چ ٢، ١٤٠٣ هـ/ ١٩٨٣ م.
١٢٩. دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، ابوبكر احمد بن حسين بيهقى، بازينى و تخريج و تعليق: عبدالمعطى قلجعى، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، چ ١، ١٤٠٥ هـ/ ١٩٨٥ م.
١٣٠. الدين الصحيح يحل جميع المشاكل، عبدالرحمان سعدى، مكتبة دار الأقصى، كويت، چ ١، ١٤٠٦ هـ/ ١٩٨٦ م.
١٣١. ديوان الأعشى الكبير، ميمون بن قيس، شرح و تحقيق: محمد محمد حسين، مكتبة الآداب، جماميز.

۱۳۲. ذیل طبقات الحنابلة، ابن رجب حنبلی، مطبعة السنّة المحمّديّة، تحقیق: محمّد حامد فقی، ۱۳۷۲ هـ.
۱۳۳. الرّحمة والعظمة في السّيرة النّبویّة، محمّد حمد، دار ابن خزيمة، ریاض، چ ۱، ۱۴۲۸ هـ/ ۲۰۰۷ م.
۱۳۴. الرّدّ علی البکری، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: محمّد علی عجال، مكتبة الغرباء الأثريّة، مدينة منوره، چ ۱، ۱۴۱۷ هـ.
۱۳۵. الرّدّ علی من قال بفناء الجنّة والنّار، وبيان الأقوال في ذلك، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، بررسی و تحقیق: محمّد بن عبدالله سمهری، دار بلنسیّة، چ ۱، ۱۴۱۵ هـ/ ۱۹۹۵ م.
۱۳۶. رسائل الإصلاح، محمّد خضر حسین، دار الإصلاح، سعودی، دمام.
۱۳۷. رسائل في العقيدة، محمّد حمد، دار ابن خزيمة، چ ۱، ۱۴۲۳ هـ/ ۲۰۰۲ م.
۱۳۸. رسائل في العقيدة، محمّد بن صالح عثيمين، دار طيّبة، ریاض، چ ۲، ۱۴۰۶ هـ.
۱۳۹. الرّسالة، امام شافعی رحمته، تحقیق: احمد محمّد شاکر، دار الكتب العلميّة.
۱۴۰. رسالة ابن القیم إلى أحد إخوانه، ابن قیّم، تحقیق: عبدالله بن محمّد مدیفر، چ ۱، ۱۴۲۰ هـ.
۱۴۱. الرّسالة المحمّديّة، سيد سليمان ندوی، مكتبة دار الفتح، دمشق، چ ۲، ۱۳۸۳ هـ/ ۱۹۶۳ م.
۱۴۲. الرّسل والرّسالات، عمر أشقر، مكتبة الفلاح، كويت، چ ۳، ۱۴۰۵ هـ/ ۱۹۸۵ م.
۱۴۳. رمضان؛ دروس وعبر تربیّة وأسرار، محمّد حمد، دار ابن خزيمة، چ ۲، ۱۴۲۲ هـ/ ۲۰۰۳ م.

۱۴۴. روائع الطّب الإسلامي، محمد نزار دقر، موجود در اینترنت.
۱۴۵. الرّوح، ابن قیّم، دار الکتب العلمیّة، بیروت، ۱۳۹۵ هـ / ۱۹۷۵ م.
۱۴۶. الرّوض الأنف في تفسیر السّیرة النّبویّة لابن هشام، ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله بن ابی الحسن خثعمی سهیلی، به همراه السّیرة النّبویّة از معافری، تعلیق و حاشیه نویسی: مجدی بن منصور بن سید شوری، منشورات محمد علی بیضون، دار الکتب العلمیّة، بیروت، لبنان، چ ۱، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۷ م.
۱۴۷. روضة الطّالین وعمدة المفتین، نووی، المکتب الإسلامي، بیروت، ۱۴۰۵ هـ.
۱۴۸. ریاض الصّالحین، ابوزکریّا یحیی نووی، تحقیق: حسّان عبدالمنّان، دار طیبّة، المکتبة الإسلاميّة، چ ۱، ۱۴۱۲ هـ.
۱۴۹. الرّیاض النّاضرة والحدائق الزّاهرة في العقائد والفنون المتنوّعة الفاخرة، عبدالرحمان سعدي، تصحیح و بازبینی و تعلیق: اشرف بن عبدالمقصود بن عبدالرحیم، مؤسّسة قرطبة.
۱۵۰. زاد المسیر في علم التّفسیر، ابن جوزی، المکتب الإسلامي، چ ۴، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۷ م.
۱۵۱. زاد المعاد في هدي خير العباد، ابن قیّم، تحقیق و تعلیق: شعيب أرناؤوط و عبدالقادر أرناؤوط، مؤسّسة الرّسالة، چ ۱۵، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۷ م.
۱۵۲. سبل السّلام، صنعانی، مکتبة مصطفى البای الحلبی، چ ۴، ۱۳۷۹ هـ / ۱۹۶۰ م.
۱۵۳. سبل الهدی والرّشاد في سیرة خير العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، تحقیق و تعلیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد

- معوض، توزیع: مكتبة عباس احمد الباز، مكّة مكرّمه، دار الكتب العلميّة، بيروت، لبنان، چ ۱، ۱۴۱۴ هـ/ ۱۹۹۳ م.
۱۵۴. السنّة، ابن ابى عاصم، تحقيق: محمّد ناصر الدّين آلبانى، المكتب الإسلامى، چ ۱، ۱۴۰۰ هـ.
۱۵۵. السنّة ومكانتها في التّشريع الإسلامى، مصطفى سباعى، مكتبة دار المعرفة، قاهره، چ ۱، ۱۳۸۰ هـ/ ۱۹۶۱ م.
۱۵۶. سنن التّرمذى، احمد شاكِر و ديكران، دار إحياء التّراث العربى، بيروت.
۱۵۷. سنن التّرمذى، دار الدّعوة، دار سحنون، چ ۲.
۱۵۸. سنن الدّارمى، امام دارمى، دار المغنى، رياض، چ ۱، ۱۴۲۱ هـ/ ۲۰۰۰ م.
۱۵۹. سنن أبى داود، دار الدّعوة، دار سحنون، چ ۲.
۱۶۰. سنن أبى داود، محمّد محيى الدّين عبدالحميد، دار الفكر.
۱۶۱. سنن ابن ماجه، شماره گذارى: محمّد عبدالباقى، دار الدّعوة، دار سحنون، چ ۲.
۱۶۲. سنن ابن ماجه، محمّد فؤاد عبدالباقى، دار الفكر.
۱۶۳. سنن النّسائى، تحقيق: عبدالفتّاح ابوغدّه، مكتب المطبوعات الإسلاميّة، حلب، چ ۲، ۱۴۰۶ هـ.
۱۶۴. سوء الخلق؛ مظاهره، أسبابه، علاجه، محمّد حمد، دار ابن خزيمة، چ ۲، ۱۴۱۷ هـ/ ۱۹۹۶ م.
۱۶۵. سيرة عمر بن عبدالعزيز على ما رواه مالك بن أنس وأصحابه، ابومحمّد عبدالله بن عبدالحكّم، گردآورى و تصحيح و تعليق: احمد عبيد، عالم الكتب، چ ۶، ۱۴۰۴ هـ.

١٦٦. السيرة النبوية الصحيحة محاولة لتطبيق قواعد المحدثين في نقد روايات السيرة النبوية، اكرم عمرى، مكتبة العلوم والحكم، مدينة منوره.

١٦٧. شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة، لالكائى، تحقيق: احمد بن سعد بن حمدان غامدى، دار طيبة، رياض.

١٦٨. شرح ديوان زهير بن أبي سلمى، المكتبة الثقافية، بيروت، ج ١، ١٩٦٨ م.

١٦٩. شرح الزركشي على مختصر الخرقى، عبدالله بن عبدالرحمان جبرين، مكتبة العبيكان، ج ١، ١٤١٣ هـ / ١٩٩٣ م.

١٧٠. شرح السنة، بغوى، تحقيق: شعيب أرنؤوط و زهير شوايش، المكتب الإسلامى.

١٧١. شرح السنة، امام ابو محمد حسن بن على بن خلف بربهارى، تحقيق: محمد بن سعيد قحطانى، دار ابن قيم، ج ١، ١٤٠٨ هـ.

١٧٢. شرح العقيدة الطحاوية، تحقيق و بازينى: گروهى از عالمان، تخریج احاديث: شيخ محمد ناصر الدين آلبنانى، المكتب الإسلامى، بيروت، ج ٨، ١٤٠٤ هـ.

١٧٣. شرح العقيدة الواسطية لشيخ الإسلام ابن تيمية، محمد خليل هراس، بازينى و تخریج احاديث: علوى سقاف، دار الهجرة للنشر والتوزيع، رياض - ثقبه، ج ١، ١٤١١ هـ.

١٧٤. شرح فتح القدير لابن همام مع تكملة نتائج الأفكار في كشف رموز الأسرار، قاضى زاده، المطبعة الكبرى الأميرية، بولاق، ج ١، ١٣١٥ هـ.

١٧٥. الشرح الكبير، ابن قدامه، المكتبة السلفية، مكتبة المؤيد.

۱۷۶. شرح الكوكب المنير، ابن نجّار، تحقيق: محمّد زحيلي و نزيه حمّاد، مكتبة العبيكان، ج ۲، ۱۴۱۸ هـ/ ۱۹۹۷ م.
۱۷۷. شرح منتهى الإرادات، منصور بهوتى، دار عالم الكتب، ج ۱، ۱۴۱۴ هـ/ ۱۹۹۳ م.
۱۷۸. شفاء العليل في مسائل القضاء والقدر والحكمة والتعليل، ابن قيّم، نگارش: حسّانى حسن عبدالله، مكتبة دار التّراث، قاهره.
۱۷۹. الشّفا بتعريف حقوق المصطفى، قاضى عياض، تحقيق: على محمّد بجاوى، مطبعة عيسى البابي الحلبي و شركاؤه، قاهره.
۱۸۰. شمائل الرّسول ودلائل نبوّته وفضائله وخصائصه، ابن كثير، تحقيق: طه عبدالرؤوف سعد، المكتبة الأدبيّة العربيّة، ج ۱، ۱۴۰۲ هـ/ ۱۹۸۲ م.
۱۸۱. الشّمائل المحمّديّة، امام ترمذى، گردآورى و تعليق: محمّد عفيف زعبى، دار المطبوعات الحديثه، جدّه، ج ۲، ۱۴۰۶ هـ/ ۱۹۸۶ م.
۱۸۲. شمس العرب تسطع على الغرب، زيگرید هونكه، ترجمه عربى: فاروق بيضون، دار صادر، دار الآفاق الجديدة، بيروت، ج ۸.
۱۸۳. الشّورى فريضة إسلاميّة، على صلابى، دار المعرفة، بيروت، لبنان، ج ۱، ۱۴۳۱ هـ/ ۲۰۱۰ م.
۱۸۴. الشّورى، محمود خالدى، دار الجيل، بيروت، ج ۱، ۱۴۰۴ هـ.
۱۸۵. الشّورى وأثرها في الديموقراطيّة؛ دراسة مقارنة، عبدالحميد انصارى، المكتبة العصريّة، بيروت، ج ۳، ۱۴۰۰ هـ.
۱۸۶. الشيخ عبدالرحمن سعدى وجهوده في توضيح العقيدة، عبدالرزّاق عباد، مكتبة الرّشد، ج ۱، ۱۴۱۱ هـ.
۱۸۷. صحيح الأدب المفرد للإمام بخارى، نگارش: محمّد ناصر الدّين آلبانى، دار الصّديق للنّشر والتّوزيع، ج ۱، ۱۴۱۴ هـ/ ۱۹۹۴ م.

١٨٨. صحيح البخاري، امام بخارى، به اهتمام: ابوصهيب كرمى، بيت الأفكار الدّوليّة، ١٤١٩ هـ/ ١٩٩٨ م.
١٨٩. صحيح البخاري، امام بخارى، دار سحنون، دار الدّعوة، ج ٢.
١٩٠. صحيح الجامع الصّغير وزيادته، محمّد ناصر الدّين آلبنابى، تحت نظارت: زهير شاويش، المكتب الإسلامى، ج ٢، ١٤٠٦ هـ.
١٩١. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، شعيب أرنأؤوط، مؤسّسة الرّسالة، بيروت، ج ٢، ١٤١٤ هـ/ ١٩٩٣ م.
١٩٢. صحيح سنن التّرمذى، شيخ محمّد ناصر الدّين آلبنابى، مكتب التّربيّة العربى، رياض، ج ١، ١٤٠٨ هـ/ ١٩٨٨ م.
١٩٣. صحيح مسلم بشرح الإمام النووي، دار الفكر.
١٩٤. صحيح مسلم، به اهتمام: ابوصهيب كرمى، بيت الأفكار الدّوليّة، ١٤١٩ هـ/ ١٩٩٨ م.
١٩٥. صحيح مسلم، امام مسلم، شماره‌گذارى: عبدالباقي، دارالآفاق الجديدة، بيروت، و نیز چاپ دار الدّعوة و دار سحنون.
١٩٦. الطّريق إلى الإسلام، محمّد حمد، دار ابن خزيمة، رياض، ج ٢، ١٤٢٧ هـ/ ٢٠٠٦ م.
١٩٧. طريق الهجرتين و باب السّعادتين، ابن قيّم، بازبينى و تخريج احاديث: عمر بن محمود ابو عمر، دار ابن القيّم، ج ١، ١٤٠٩ هـ.
١٩٨. عالم الجنّ والشّياطين، عمر أشقر، دار التّفائس، اردن، ج ١٥، ١٤٢٣ هـ/ ٢٠٠٢ م.
١٩٩. عالم الملائكة الأبرار، عمر أشقر، دار التّفائس، ج ١٣، ١٤٢٣ هـ/ ٢٠٠٢ م.
٢٠٠. العبوديّة، شيخ الإسلام ابن تيميّه، تحقيق: علىّ بن حسن بن عبدالحميد، دار الأصاله للنّشر والتّوزيع، ج ١، ١٤١٢ هـ.

٢٠١. عبوديّة الكائنات لربّ العالمين، فريد اسماعيل تونى، مكتبة الصّياء، جدّه، ج ١، ١٤١٣ هـ/ ١٩٩٢ م.
٢٠٢. العقل والتّقل عند ابن رشد، محمّد امان جامى، الجامعة الإسلاميّة، ج ٣، ١٤٠٤ هـ.
٢٠٣. عقيدة أهل السنّة والجماعة، محمّد بن ابراهيم حمد، تقديم: شيخ عبدالعزيز بن باز، دار ابن خزيمة، رياض، ج ٢، ١٤١٩ هـ/ ١٩٩٨ م.
٢٠٤. عقيدة ختم النّبوة بالنّبوة المحمّديّة، احمد بن سعد غامدى، دار طيّبة، رياض، ج ١، ١٤٠٥ هـ/ ١٩٨٥ م.
٢٠٥. العقيدة في الله، عمر أشقر، مكتبة الفلاح، كويت، ج ٥، ١٩٨٤ م.
٢٠٦. العقيدة والشريعة في الإسلام، گلديزهر، ترجمة عربى: محمّد يوسف موسى و ديگران، دار الكتب الحديثة، مصر، ج ٢.
٢٠٧. العلم يدعو للإيمان، كريسى موريسون، ترجمة عربى: محمّد صالح فلكى، دار القلم، بيروت، ج ١، ١٩٨٦ م.
٢٠٨. العمل عند المسلمين رؤية حضاريّة، ابراهيم مزينى، وزارة العمل والشؤون الاجتماعيّة، رياض، ج ١، ١٤٢٤ هـ/ ٢٠٠٣ م.
٢٠٩. العمل في الإسلام: أخلاقه - مفاهيمه - قيمه - أحكامه، عزّ الدّين خطيب تميمى، دار الفيحاء، عمّان، اردن.
٢١٠. عيون الأخبار، ابن قتيبه دينورى، دار الكتاب العربي، بيروت، لبنان.
٢١١. غذاء الألباب شرح منظومة الآداب، محمّد سفارينى، مؤسّسة قرطبة، ج ٢، ١٤١٤ هـ/ ١٩٩٣ م.
٢١٢. الفاحشة عمل قوم لوط؛ الأضرار - الأسباب - سبل الوقاية - العلاج، محمّد حمد، دار ابن خزيمة، ج ١، ١٤١٥ هـ/ ١٩٩٤ م.

٢١٣. الفتاوى الكبرى، شيخ الإسلام ابن تيمية، تحقيق و تعليق و تقديم: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، دار الزيان للتراث، قاهره، ج ١، ١٤٠٨ هـ.
٢١٤. فتح الباري بشرح الصحيح البخاري، حافظ ابن حجر عسقلاني، مكتبة ابن تيمية، ج ١، ١٤٠٧ هـ.
٢١٥. فتح رب البرية بتلخيص الحموية، محمد بن صالح عثيمين، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ج ٤، ١٤١٠ هـ.
٢١٦. فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية في علم التفسير، محمد بن علي شوکانی، تحقيق: عبدالرزاق مهدي، عالم الكتب، و نیز چاپ دار الكتاب العربي، بيروت، لبنان، ج ١، ١٤٢٠ هـ/ ١٩٩٩ م.
٢١٧. فتح المغيث شرح ألفية الحديث، سخاوى، دار الكتب العلمية، لبنان، ج ١، ١٤٠٣ هـ.
٢١٨. الفروق، شهاب الدين قرافي، عالم الكتب، بيروت.
٢١٩. الفصول في سيرة الرسول ﷺ، حافظ ابن كثير، توزيع: دار الباز للنشر والتوزيع، دار الكتب العلمية، بيروت.
٢٢٠. فقه الأسماء الحسنى، عبدالرزاق بدر، ج ١، ١٤٢٩ هـ/ ٢٠٠٨ م.
٢٢١. فقه السنة، سيد سابق، دار الكتب العربية، بيروت، ج ٨، ١٤٠٧ هـ.
٢٢٢. فقه السيرة، شيخ محمد غزالي، تخريج احاديث: محمد ناصر الدين آلباني، دار إحياء التراث العربي، ج ٧، ١٩٧٦ م.
٢٢٣. فقه الشورى؛ دراسة تأصيلية نقدية، علي بن سعيد غامدي، دار طيبة، رياض، ج ١، ١٤٢٢ هـ.
٢٢٤. الفوائد، ابن قيم، تحقيق: محمد عثمان الخشت، دار الكتاب العربي، بيروت، ج ١، ١٤٠٦ هـ.
٢٢٥. القاموس المحيط، فيروزآبادي، مؤسسة الرسالة، ج ٢، ١٤٠٧ هـ.

۲۲۶. القدر، ابوبکر جعفر بن محمد فريابى، تحقيق: عمرو عبدالمنعم سليم، دار ابن حزم، ج ۱، ۱۴۲۱ هـ/ ۲۰۰۰ م.
۲۲۷. القضاء والقدر في الإسلام، فاروق احمد دسوقي، المكتب الإسلامي، بيروت، مكتبة الخاني، رياض، ج ۲، ۱۴۰۶ هـ.
۲۲۸. القضاء والقدر في ضوء الكتاب والسنة، ومذاهب الناس فيه، عبدالرحمان بن صالح محمود، دار الوطن، ج ۲، ۱۴۱۸ هـ/ ۱۹۹۷ م.
۲۲۹. القضاء والقدر، عمر أشقر، دار التفائس للنشر والتوزيع، كويت، مكتبة الفلاح للنشر والتوزيع، ج ۱، ۱۴۱۰ هـ.
۲۳۰. القطاع الخيري ودعاوى الإرهاب، محمد سلومي، سلسلة مقالاتي كه از مجله البيان منشر می شود، رياض، ج ۱، ۱۴۲۴ هـ.
۲۳۱. قواعد الحرب في الشريعة الإسلامية؛ دراسة مقارنة، عواض وديناني، مكتبة الرشد، عربستان سعودی، رياض، ج ۱، ۱۴۲۶ هـ/ ۲۰۰۵ م.
۲۳۲. القواعد المثلى في صفات الله وأسمائه الحسنی، محمد بن صالح عثيمين، تخريج احاديث: اشرف بن عبدالمقصود، أضواء السلف، أصداء المجتمع، ۱۴۱۶ هـ/ ۱۹۹۶ م.
۲۳۳. القيامة الصغرى، عمر أشقر، دار التفائس، اردن، ج ۱۳، ۱۴۲۳ هـ/ ۲۰۰۰ م.
۲۳۴. القيامة الكبرى، عمر أشقر، دار التفائس، اردن، ج ۱۳، ۱۴۲۳ هـ/ ۲۰۰۰ م.
۲۳۵. الكافي في فقه أهل المدينة، ابن عبدالبر، مكتبة الرياض الحديثة، رياض، عربستان سعودی، ج ۲، ۱۴۰۰ هـ/ ۱۹۸۰ م.
۲۳۶. كشف الأستار عن زوائد البزار، حافظ نورالدين هيثمي، تحقيق: حبيب الرحمن اعظمی، مؤسسه الرساله، ج ۲، ۱۴۰۴ هـ.

٢٣٧. كفاية الأختيار، محمد حسينى، الشؤون الدينية، قطر.
٢٣٨. الكليات، ابوالبقاء كفوى، بازينى و آماده‌سازى براى چاپ: عدنان درويش و محمد مصرى، مؤسسه الرسالة، ج ٢، ١٤١٩ هـ / ١٩٩٨ م.
٢٣٩. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين على متقى بن حسام الدين هندى، تحقيق: محمود دمياطى، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٩ هـ / ١٩٩٩ م.
٢٤٠. لسان العرب، ابن منظور، دار صادر، بيروت.
٢٤١. الله يتجلّى في عصر العلم، گروهى از دانشمندان امريكايى به مناسب سال بين‌المللى فيزيك، نگارش: جان كلوفر مونسيما، ترجمه عربى: دمرداش عبدالمجيد سرحان، بازينى و تعليق: محمد جمال الدين فندى، دار القلم، بيروت.
٢٤٢. لماذا انتحر هؤلاء، گردآورى و تصحيح: هانى خير، دار دمشق، ج ١، ١٩٩٢ م.
٢٤٣. لمعة الاعتقاد الهادي إلى سبيل الرّشاد، ابن قدامه، شرح: شيخ محمد بن عثيمين، تحقيق و تخريج احاديث: اشرف بن عبدالمقصود بن عبدالرحيم، مكتبة الإمام بخارى، الدار السلفية، ج ٢، ١٤١٢ هـ.
٢٤٤. لوامع الأنوار البهية، وسواطع الأسرار الأثرية؛ شرح الدرّة المضيّة في عقيدة الفرقة المرضية، علامه محمد بن احمد سفارينى، المكتب الإسلامى، بيروت، مكتبة أسامة، رياض، ج ٢، ١٤٠٥ هـ.
٢٤٥. مباحث في إعجاز القرآن، مصطفى مسلم، دار التدمرية، ج ١، ١٤٣٢ هـ / ٢٠١١ م.

۲۴۶. مباحث في العقل، محمد نعيم ياسين، دار التفاسير للنشر والتوزيع، اردن، ج ۱، ۱۴۳۲ هـ / ۲۰۱۱ م.
۲۴۷. المبسوط، سرخسی، بررسی و تحقیق: خليل محیی الدین المیس، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، لبنان، ج ۱، ۱۴۲۱ هـ / ۲۰۰۰ م.
۲۴۸. مجمع الزوائد، ومنبع الفوائد، هیثمی، دار الكتاب العربي، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۲ هـ / ۱۹۸۲ م.
۲۴۹. المجموعة الكاملة لمؤلفات الشيخ عبدالرحمان بن سعدی، مرکز فرهنگي صالح بن صالح، عنیزه، ۱۴۱۱ هـ.
۲۵۰. مجموع فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة، جمع آوری و ترتیب: عبدالرحمان بن قاسم و فرزندش محمد.
۲۵۱. مجموع فتاوی و رسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح عثيمين، جمع آوری و ترتیب: فهد سليمان، دار الوطن، ج ۱، ۱۴۱۲ هـ.
۲۵۲. محبة الرسول ﷺ بين الإتياع و الإبتداع، عبدالرؤوف محمد عثمان، مكتبة الضياء، جدّه، ج ۱، ۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۱ م.
۲۵۳. المحلّي، ابن حزم، تحقيق: احمد شاکر، المكتب التجاري، بیروت.
۲۵۴. محمد رسول الله ﷺ، محمد رضا، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۲۵۵. محمد رسول الله؛ خلاصة سيرته ومقالات نادرة فيها، محمد حمد، دار ابن خزيمة، رياض، ج ۱، ۱۴۲۷ هـ / ۲۰۰۶ م.
۲۵۶. محمد رسول الله ﷺ، علامه احمد تيمور پاشا، در الآفاق العربية، ج ۱، ۱۴۲۴ هـ / ۲۰۰۳ م.
۲۵۷. محمد ﷺ المثل الكامل، محمد احمد جاد المولى بك، مكتبة ومطبعة محمد علي صبيح، ج ۶، ۱۳۸۸ هـ / ۱۹۶۸ م.

٢٥٨. مختصر الأسئلة والأجوبة الأصولية على العقيدة الواسطية، عبدالعزيز سلمان، ج ١٠، ١٤٠٣ هـ.
٢٥٩. مختصر المزني؛ حاشية كتاب الأم، چاپ كتاب الشعب، ١٣٨٨ هـ/ ١٩٦٨ م.
٢٦٠. مختصر منهاج القاصدين، ابن قدامه، تحقيق: زهير شوايش، المكتب الإسلامي، ج ٨، ١٤٠٩ هـ/ ١٩٨٩ م.
٢٦١. المختصر الوجيز في علوم الحديث، محمد عجاج خطيب، مؤسسة الرسالة، ج ٣، ١٤٠٧ هـ/ ١٩٨٧ م.
٢٦٢. مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين، ابن قيم، تحقيق و تعليق: المعتصم بالله بغدادى، توزيع: دار التفائس، رياض، ج ١، ١٤١٠ هـ.
٢٦٣. المذاهب المعاصرة وموقف الإسلام منها، عبدالرحمان عميره، دار اللواء، رياض، ج ٥، ١٤٠٤ هـ/ ١٩٨٤ م.
٢٦٤. مذكرة في التوحيد، محمد بن قاسم، به صورت نسخه خطی.
٢٦٥. المذكرات، محمد كرد على، دار أضواء السلف، رياض.
٢٦٦. مرض الإيدز الطاعون الجديد، خالص جلي، دار الهداية، ج ١، ١٤٠٧ هـ.
٢٦٧. مزيل الداء عن أصول القضاء، عبدالله بن مطلق فهيد، ج ١، ١٣٧٢ هـ/ ١٩٥٣ م.
٢٦٨. المستدرک على الصحيحين، حاکم، مكتبة النص الحديثية، رياض.
٢٦٩. مسند الإمام احمد بن حنبل، دار الدعوة، دار سحنون، ج ٢.
٢٧٠. المسند، امام احمد بن حنبل، شرح و فهرست نویسی: احمد محمد شاکر، مكتبة دار الكتاب الإسلامي، قاهره، ج ٢.

٢٧١. مسند الجعد، حافظ ابوالحسين عليّ بن جعد بن عبید جوهری، تحقیق: عبدالمهدی بن عبدالقادر بن عبدالهادی، مكتبة الفلاح، كويت، ج ١، ١٤٠٥ هـ/ ١٩٥٨ م.
٢٧٢. مسند أبي يعلى الموصلي، تحقيق: حسين سليم اسد، دار المأمون للتراث، دمشق، ج ١، ١٤٠٤ هـ/ ١٩٨٨ م.
٢٧٣. مسؤوليّة الأب المسلم في تربيّة الولد في مرحلة الطّفولة، عدنان باحارث، دار المجتمع للنشر والتّوزيع، ج ١، ١٤١٤ هـ/ ١٩٩٣ م.
٢٧٤. المسؤوليّة في الإسلام، عبدالله قادري أهذل، دار العمير للثقافة والنّشر، ١٤١٢ هـ/ ١٩٩٢ م.
٢٧٥. مشكاة المصابيح، تبريزي، تحقيق: شيخ محمّد ناصرالدّين آلبناني، المكتب الإسلامي، بيروت، ج ٢، ١٤٠٥ هـ.
٢٧٦. معارج القبول لشرح سلّم الوصول إلى علم الأصول في التّوحيد، حافظ حكّمي، مكتبة شيخ الإسلام ابن تيميّة، ج ٢، ١٤٠٤ هـ.
٢٧٧. معجم مقاييس اللّغة، احمد بن فارس، تحقيق و بازيني: عبدالسلام هارون، دار الجيل، بيروت، ١٤٢٠ هـ.
٢٧٨. المعجم الكبير، طبراني، ج ٢، ١٤٠٤ هـ.
٢٧٩. مع الرّعيّل الأوّل، محبّ الدّين خطيب، المكتبة السّلفيّة، قاهره، ج ٢، ١٤١٠ هـ.
٢٨٠. المغني، ابن قدامه، وزارة الشّؤون الإسلاميّة والأوقاف، ج ٣، ١٤١٧ هـ/ ١٩٩٧ م.
٢٨١. مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، محمّد خطيب شرييني، مكتبة مصطفى البابي الحلبي، قاهره، ١٣٧٧ هـ/ ١٩٥٨ م.
٢٨٢. مفتاح دار السّعادة، ابن قيّم، دار الكتب العلميّة، بيروت.

۲۸۳. المفردات في غريب القرآن، راغب اصفهانی، بازبینی: هیثم طعمی، دار إحياء التراث العربي، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ/ ۲۰۰۲ م.
۲۸۴. مقامات حریری، دار صادر، بیروت.
۲۸۵. مقدّمة ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمّد بن خلدون، تحقیق: علی عبدالواحد وافی، چاپ: لجنة البيان العربي، قاهره، ج ۱، ۱۳۷۶ هـ.
۲۸۶. مکارم الأخلاق، خرائطی، تحقیق: أيمن عبدالجابر بحیری، دار الآفاق العربيّة، مصر، ۱۴۱۹ هـ.
۲۸۷. من أخطاء الأزواج، محمّد حمد، دار ابن خزيمة، ج ۱، ۱۴۱۹ هـ/ ۱۹۹۹ م.
۲۸۸. مناهل العرفان، محمّد زرقانی، دار إحياء الكتب العلميّة، عیسی البابی الحلبي و شركاؤه.
۲۸۹. من صفات الدّاعية اللّین والرّفق، فضل الهی، مكتبة المعارف، ریاض، ج ۱، ۱۴۱۱ هـ/ ۱۹۹۱ م.
۲۹۰. من صفات الدّاعية مراعاة أصول المخاطبين في ضوء الكتاب والسّنّة وسیر الصّالحين، فضل الهی، إدارة ترجمان الإسلام، پاکستان، ج ۲، ۱۴۱۹ هـ/ ۱۹۹۸ م.
۲۹۱. منهاج السّنّة النبویّة، شیخ الإسلام ابن تیمیّه، تحقیق: محمّد رشاد سالم، ج ۱، ۱۴۰۶ هـ.
۲۹۲. المهدي حقيقة لا خرافة، محمّد بن احمد اسماعیل مقدم، مكتبة التّربيّة الإسلاميّة لإحياء التّراث، ج ۱، ۱۴۱۱ هـ/ ۱۹۹۰ م.
۲۹۳. المواهب الرّبّانيّة من الآيات القرآنيّة، شیخ عبدالرحمان سعدي، به اهتمام: سمیر ماضی، رمادی للنّشر، المؤمن للتّوزيع، ج ۱، ۱۴۱۶ هـ.

۲۹۴. موسوعة الأعمال الكاملة، محمد خضر حسين، جمع آوری و بازبینی: علی رضا حسینی، دار النبوة، چ ۱، ۱۴۳۱ هـ / ۲۰۱۰ م.
۲۹۵. موسوعة نضرة التعميم في مكارم أخلاق الرسول الكريم ﷺ، گردآوری: گروهی از متخصصان با نظارت: صالح بن حمید و عبدالرحمان بن محمد ملوح، دار الوسيلة للنشر والتوزيع، جدّه، عربستان سعودی، چ ۱، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۸ م.
۲۹۶. موقف ابن تيمية من الأشاعرة، عبدالرحمان محمود، مكتبة الرشد، رياض، چ ۲، ۱۴۱۶ هـ / ۱۹۹۵ م.
۲۹۷. النبوات، شيخ الإسلام ابن تيمية، بررسی و تحقيق: محمد عبدالرحمان عوض، دار الكتاب العربي، بيروت، چ ۱، ۱۴۰۵ هـ؛ أضواء السلف، تحقيق: عبدالعزيز طويان، چ ۱، ۱۴۲۰ هـ / ۲۰۰۰ م.
۲۹۸. النظام السياسي في الإسلام؛ النظرية السياسية نظام الحكم، عبدالعزيز خياط، دار السلام، مصر، چ ۲، ۱۴۲۵ هـ / ۲۰۰۴ م.
۲۹۹. النظام السياسي في الإسلام، سعود آل سعود و ديگران، مدار الوطن، چ ۵، ۱۴۳۰ هـ / ۲۰۰۹ م.
۳۰۰. نظام الشورى في الإسلام ونظم الديمقراطية، زكريا خطيب، مطبعة السعادة، ۱۴۰۵ هـ.
۳۰۱. النظام الإقتصادي في الإسلام، عمر مرزوقی و همكاران، مكتبة الرشد، چ ۴، ۱۴۳۰ هـ / ۲۰۰۹ م.
۳۰۲. النظام المالي والإقتصادي في الإسلام، محمود خطيب، مكتبة الرشد، چ ۲، ۱۴۲۶ هـ / ۲۰۰۵ م.
۳۰۳. نظرات الأسرة المسلمة، محمد بن لطفی صباغ، المكتب الإسلامي، چ ۱، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م.

٣٠٤. نقض المنطق، شيخ الإسلام ابن تيمية، تحقيق: محمد بن عبدالرزاق حمزه و سليمان الصنيع، تصحيح: محمد حامد فقى، مكتبة السنة المحمديّة.
٣٠٥. النّهاية في غريب الحديث والأثر، ابن اثير، تحقيق: خليل مأمون شيحا، دار المعرفة، بيروت، لبنان، ج ١، ١٤٢٢ هـ.
٣٠٦. نيل الأوطار شرح منتقى الأخبار من أحاديث سيّد الأخيار، علامه محمد بن على شوكانى، تقديم و تقريظ: وهبه زحيلي، توزيع: دار الصّيعي، رياض، و دار الخير، دمشق، ج ٢، ١٤١٨ هـ/ ١٩٩٨ م.
٣٠٧. الهداية الإسلاميّة، محمد خضر حسين، گردآوری و تحقيق: على رضا تونسى، ج ١، ١٣٩٤ هـ.
٣٠٨. الهمة العالّية؛ معوّقاتها ومقوماتها، محمد حمد، دار ابن خزيمة، ج ٧، ١٤٢٧ هـ/ ٢٠٠٥ م.
٣٠٩. الوابل الصّيب من الكلم الطّيب، امام ابن قيم، بررسى و تحقيق: محمد عبدالرحمان عوض، دار الكتاب العربي، بيروت، ج ١، ١٤٠٥ هـ/ ١٩٨٥ م.
٣١٠. وجوب التّعاون بين المسلمين، عبدالرحمان سعدى، مؤسّسة الرّسالة، مكتبة الرّشد، ج ٢، ١٤٠٣ هـ/ ١٩٨٣ م.
٣١١. الوجوه والنظائر في القرآن الكريم، بررسى و مقايسه و اصلاح: سليمان بن صالح قرعاوى، مكتبة الرّشد، ج ١، ١٤١٠ هـ/ ١٩٩٠ م.
٣١٢. الوجوه والنظائر في القرآن الكريم، دامغانى، تحقيق و ترتيب و تكميل و تصحيح: عبدالعزيز سيّد الأهل.
٣١٣. الوجوه والنظائر في القرآن الكريم، هارون بن موسى، كليّة التّربيّة، جامعة الملك سعود، رياض، ١٤٠٢ هـ.
٣١٤. وحي القلم، مصطفى صادق رافعى، دار الكتاب العربي، بيروت.

۳۱۵. ومضات فكر، محمد فاضل ابن عاشور، الدار العربية للكتاب.
۳۱۶. ياقوتة الصراط في تفسير غريب القرآن، ابو عمر محمد بن عبدالواحد بغدادى زاهد معروف به غلام ثعلب، تحقيق و تقديم: محمد بن يعقوب تركستانى، مكتبة العلوم والحكم، مدينة منوره، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ / ۲۰۰۲ م.